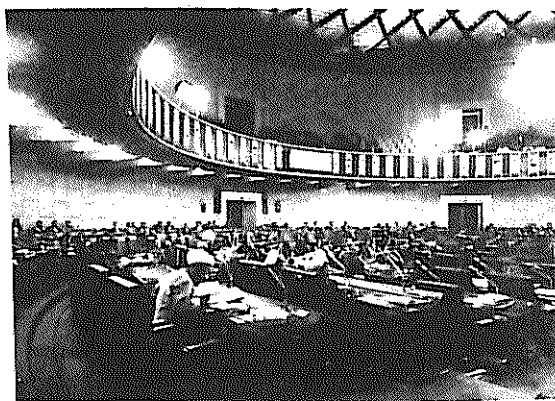


## اکثریت مجلس این هفته به جنگ مطبوعات می رود مردم از نمایندگان اصلاح طلب ایستادگی در برابر طرح نابودی مطبوعات را می خواهند



این هفته مجلس شورای اسلامی شور دوم لایحه اصلاح قانون مطبوعات را در بررسی و تصویب قرار داده است. در حالی که علیرغم وعده‌های ناطق‌نوری رئیس مجلس به هنگام تصویب کلیات طرح، کمیسیون‌های بررسی‌کننده «اصلاح» قانون مطبوعات، بر موارد محدودکننده این طرح به میزان زیادی افزوده‌اند و آن را به سلاحی برای مقابله با مطبوعات اصلاح طلب تبدیل کرده‌اند. فشار افکار عمومی برای مسکوت ماندن این طرح دم به دم بیشتر می‌شود. روزنامه‌نگاران و تشکل‌های دانشجویی و مردمی با انتشار بیانیه‌های متعددی خواستار آن شده‌اند که مجلس این طرح را تصویب نکند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در پیام سرگشاده‌ای به ریاست مجلس همین خواست را مورد تاکید قرار داده است. دوازده تشکل وابسته به دوم خرداد با انتشار بیانیه مشترکی از نمایندگان مجلس خواسته‌اند به مسکوت ماندن طرح رای دهند. آن چه در این میان قابل توجه است، نبودن امضای بزرگ‌ترین تشکل‌های وابسته به دو خرداد یعنی مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در پای این اعلامیه است.

نویسندگان و دانشجویان، در فضایی که دشمنان آزادی بعد از توقیف روزنامه سلام، به بهانه انتشار نامه محرمانه سعید اسلامی به وزیر اطلاعات ایجاد کرده بودند، تصویب شد. تدوین همین طرح اصلاح قانون مطبوعات با هدف بستن اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران، شکست تلاش محافظه کاران برای تبدیل موج به طوفانی علیه اصلاح طلبان، آنان را واداشت که تصویب طرح اصلاح مطبوعات را با عجله وارد دستور کار مجلس کنند. کلیات این طرح در نیمه اول تیر ماه، علیرغم اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران،

### تاکتیک بعد از «طوفان»

شکست تلاش محافظه کاران برای تبدیل موج به طوفانی علیه اصلاح طلبان، آنان را واداشت که تصویب طرح اصلاح مطبوعات را با عجله وارد دستور کار مجلس کنند. کلیات این طرح در نیمه اول تیر ماه، علیرغم اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران،

بعد از تصویب کلیات طرح که به یورش به کوی دانشگاه و تظاهرات شش روزه سراسری دانشجویان منجر شد، اکنون نوبت بحث و تصویب جزئیات آن رسیده است.

عمل به وصیت‌نامه یک «جاسوس»!  
در طرح اصلاح قانون مطبوعات، نمایندگان سازمان

تلیفات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و انجمن جمعیه بر ترکیب اعضای هیات نظارت بر مطبوعات اضافه شده‌اند و به این هیات اختیار داده شده است هر روزنامه‌ای را که متخلف تشخیص می‌دهد، بدون تشکیل دادگاه مطبوعات و حضور هیات منصفه، تعطیل کند. در ادامه در صفحه ۳

دادگاه انقلاب  
آذربایجان شرقی  
چهارده دانشجو  
را به زندان‌های  
۷ تا ۹ سال محکوم کرد

دانشجویان زندانی با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و آموزش عالی نسبت به احکام خود و شکستجه در زندان اعتراض کردند

دادگاه انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی، گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز را به جرم شرکت در تظاهرات دانشجویی تیر ماه در این شهر، به حبس‌های سنگین ۷ تا ۹ سال زندان محکوم کرد. دادگاه این دانشجویان بطور غیرعادی، بدون برخورداری از حقت دفاع و داشتن وکیل مدافع برگزار شد و حتی از اعلام خبر آن خودداری گردید.

۱۴ نفر از دانشجویان زندانی که بیشتر به کانون مستقل دانشجویی این ادامه در صفحه ۲

با حمایت صریح خامنه‌ای از محمد خاتمی  
محافظه کاران در نخستین  
رویارویی آشکار خود با  
رئیس جمهور، شکست خوردند

خاتمی گفت اگر جلوی «اهانت‌ها» را نگیرد «روزی خواهد رسید که با چهره گرم کرده از کشور خارج خواهد شد». «حزب‌الله» با انتشار بیانیه‌ای «حجت» را بر رئیس جمهور تمام کرد و این اظهاریه به طور گسترده‌ای در مطبوعات ارتجاعی بازتاب یافت. عسکراولادی، دبیرکل جمعیت مولفه، از مردم خواست دست به راهپیمایی‌های سراسری اعتراضی بزنند.

رو دررویی آشکار  
افراطی‌ترین بخش جناح  
محافظه کار حکومت با  
خامنه‌ای به عقب‌نشینی موقت  
افراطیون راست انجامید.

### حملات پی‌سابقه

حملاتی که محافظه کاران به بهانه انتشار نماینده «کنکور، وقت ظهور!» در نشریه دانشجویی «موج»، علیه خاتمی در طول دو هفته گذشته سازمان دادند، بی‌سابقه‌ترین رویارویی

نقدی: اجرای حکم خدا  
محمدرضا نقدی فرمانده حفاظت نیروی انتظامی در یک سخنرانی در برابر زیر دستان خود، اعلام کرد که اگر مسئولان «حکم خدا» را اجرا نکنند، او شخصاً این حکم را به اجرا خواهد گذاشت. نقدی گفت: «بند» محمدرضا نقدی، فرزند جواد نه ادامه در صفحه ۷

## پاسخ‌گفته به خواست‌های برحق

هفته گذشته، سخن مجلس شورای اسلامی شاهد پرسش و پاسخ نماینده سنجید و وزیر کشور و پیرامون رویدادهای همین و اسفند سال گذشته در کردستان بود.  
در نیمه دوم زمستان سال گذشته پس از ربودن عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران ترکیه توسط نیروهای امنیتی ترکیه، تظاهراتی که در آغاز به حمایت از اوجالان برپا شده بود، به همایشی گسترده علیه سیاست‌های ضد کردی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردید. تظاهرات مسالمت‌آمیز هزاران نفر از مردم با شعار زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد بنا به دخالت نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد و عوامل مسلح رژیم سزده نفر را کشتند. یک کسودک دو ساله نیز قربانی خشونت نیروهای سربازگر رژیم شد.  
پس از مشاهده سکوت، بهال‌الدین ادب نماینده سندج در مجلس شورای اسلامی در خصوص وقایع سمن و اسفند سال گذشته در جلسه علنی مجلس گفت: مردم بی‌گناه و بی‌تقصیر این منطقه به صحنه آمدند و در چارچوب منافع ملی تجمع کردند و شعار دادند. نیروهای نظامی و انتظامی به یک‌بارہ ادامه در صفحه ۲

## مجلس چندین ماده محدودکننده دیگر بر قانون انتخابات افزود

۱۶ است. بسدین ترتیب، ۱/۵ میلیون نوجوان از حق رأی دادن محروم می‌شوند. جناح محافظه کار که می‌داند اکثریت و نوجوانان تشکیل می‌دهند، می‌خواهد با بالا بردن سن رأی دادن، از آرای مسالقه اصلاح طلبان بکاهد. زمانی بود که جمهوری اسلامی برای بالا بردن آمار انتخابات، سن رأی دادن را نخست به ۱۶ و سپس به ۱۵ سال کاهش داد. اکنون باز هم می‌دخواهد، سن رأی دادن را تغییر می‌دهند، این بار در جهت عکس. ریش و قیچی در دست آقایانی است که اگر می‌توانستند، قوانینی وضع می‌کردند که به موجب آن فقط طرفداران جناح راست بتوانند در انتخابات شرکت کنند. نکته دیگر در مصوبات اخیر مجلس، این است که طبق ادامه در صفحه ۵

شوراها استعفا دادند، ترند بعدی را به کار بست که متضمن بیرون راندن رقبای از صحنه به بهانه کافی نبودن زمان بین استفاها و انتخابات است. اکنون کار محافظه کاران چنان به پستی و فرومایگی کشیده است که قوانین را در خدمت حذف یا به بازی گرفتن افراد تصویب می‌کنند. رئیس مجلس تشخیص مصلحت نظام را از استعفا برای شرکت در انتخابات مستثنی کردند تا راه ورود رفسنجانی به مجلس را هموار کنند و زمان بررسی صلاحیت کاندیداها را چنان طولانی ساختند تا قبل از همه عبدالله نوری را به عنوان عمده‌ترین کاندیدای اصلاح طلبان برای ریاست مجلس، در پشت در مجلس نگاه دارند!

وزارت کشور اعلام کرد به علت آن که قانون جدید دیر به تصویب رسیده است، آن را اجرا نخواهد کرد  
تلاش‌های «قانونی» جناح محافظه کار حکومت به منظور حفظ اکثریت مجلس در انتخابات بهمن‌ماه آینده با نزدیک شدن زمان برگزاری این انتخابات شتاب بیشتری گرفته است. اکثریت محافظه کار مجلس فعلی، به سرعت دست‌اندرکار تصویب مقرراتی است که به کمک آن، دشمنان اصلاحات بتوانند مواضع خود را حفظ کنند و مواضع رقبای را یکی پس از دیگری از دشمنان خارج سازند. از جمله مصوبات اخیر مجلس، اصلاح قانون انتخابات است که در دو هفته اخیر، مواد دیگری از آن به تصویب رسید.

مواضع ارتجاعی تازه  
به موجب یک بخش از  
مردم ایران در حالی که منتظر شنیدن گزارش محتوی نامه بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا به خاتمی بودند، هفته گذشته ناگهان با این خبر در روزنامه‌های کشور روبرو شدند که دولت آمریکا، ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده است. در این باره که محتوی نامه کلیتون به رهبران جمهوری اسلامی چه بوده و چرا ایران از طرف آمریکا تهدید نظامی شده است، تاکنون مردم از زبان مقامات رسمی کشور

## مردم ایران رابطه علنی با آمریکا می خواهند

پس از پاسخ جمهوری اسلامی پس از چند روز تعلل، که برخی از روزنامه‌ها این تعلل را نشانه یک درایت سیاسی تعبیر کردند، به مقامات آمریکا نه تنها جواب رد دادند، بلکه تقاضای محاکمه افراد مسئول در سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی وینسن برفراز آبهای خلیج فارس را پیش کشیدند.

سخنی نشنیده‌اند و نمی‌دانند چرا آن سخنان دلجویانه کلیتون که یک سال پیش در استقبال از سیاست اعلام شده از سوی خاتمی مطرح شد، ناگهان رنگ تهیج گرفته و واشنگتن سیاست «گام‌های متقابل» را حداقل به طور موقت کنار گذاشته است. محتوی کامل نامه کلیتون و پاسخ رهبران جمهوری اسلامی تاکنون فاش نشده است، اما از گفته‌های جمیز روین سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا و

مردم ایران در حالی که منتظر شنیدن گزارش محتوی نامه بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا به خاتمی بودند، هفته گذشته ناگهان با این خبر در روزنامه‌های کشور روبرو شدند که دولت آمریکا، ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده است. در این باره که محتوی نامه کلیتون به رهبران جمهوری اسلامی چه بوده و چرا ایران از طرف آمریکا تهدید نظامی شده است، تاکنون مردم از زبان مقامات رسمی کشور

مردم ایران در حالی که منتظر شنیدن گزارش محتوی نامه بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا به خاتمی بودند، هفته گذشته ناگهان با این خبر در روزنامه‌های کشور روبرو شدند که دولت آمریکا، ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده است. در این باره که محتوی نامه کلیتون به رهبران جمهوری اسلامی چه بوده و چرا ایران از طرف آمریکا تهدید نظامی شده است، تاکنون مردم از زبان مقامات رسمی کشور

## سرمقاله حمایت خامنه‌ای از خاتمی حمایت از جنبش دوم خرداد نیست

روز جمعه ۹ مهرماه، خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه از خاتمی رئیس جمهور دفاع کرد و گفت نوشته نشریه موج را نباید به حساب دولت گذاشت. او ضمن استقبال از واکنش نشان دادن مردم در قبال آنچه که آن را توهین به امام زمان خواند، گفت مجازات نویسندگان چنین مطالبی به عهده حکومت است. خامنه‌ای در عین حال از عملکرد مسئولان فرهنگی دولت که می‌گذارند چنین مطالبی منتشر شود، انتقاد کرد و آنان را به تجدید نظر در سیاست‌هایشان فرا خواند.  
چه اتفاقاتی افتاد که رهبر حکومت اسلامی تنها چند هفته پس از سخنانش در مشهد که در آن، نویسنده مقاله‌ای بسیار محتاطانه علیه مجازات اعدام را تلویحاً مستحق اعدام دانست، هوادارانش را به اعتدال فرا خواند؟ آیا او به هواداران توسعه سیاسی و رواداری پیوسته است؟ آیا از این پس، جنبش دوم خرداد می‌تواند روی حمایت یا حداقل بی‌طرفی ولایت فقیه حساب کند؟  
این نخستین بار نیست که خامنه‌ای ظرف مدت کوتاهی از یک سو به سویی دیگر مناور می‌دهد. دو روز پس از یورش نیروی انتظامی به کوی دانشگاه در تیرماه، رهبر حکومت از قربانیان این یورش دلجویی کرد، اما تنها ۴۸ ساعت بعد «فرزندان بسیجی» اش را فرا خواند تا به سیاق حمله به کوی دانشگاه، تظاهرات دانشجویان را متفرق و آنان را «منکوب و مرعوب» کنند. در آینده نیز باید منتظر چنین مانورهایی در مواضع خامنه‌ای باشیم.  
در سخنرانی اخیر خود نیز، او دفاع از شخص خاتمی را با حمله به مهم‌ترین و ملموس‌ترین دستاورد دوم خرداد که باز شدن نسبی فضای فرهنگی و افزایش امکان بیان عقاید و نظرات مختلف در مطبوعات است، توأم نمود و به هوادارانش فرست داد تا در این عرصه همچنان دولت را زیر فشار قرار دهند و به مبارزه خود با آن ادامه دهند. اطلاعاتی دوم جامعه روحانیت مبارز در حمله به سیاست‌های فرهنگی دولت با استفاده از چنین فرصتی تهیه شد.  
موضع‌گیری اخیر خامنه‌ای یک مانور سیاسی برای جلوگیری از بحران بیشتر و کنترل آن بود. رهبر جمهوری اسلامی همواره دو کارکرد و نقش توأم داشته و دارد. او هم رهبر جناح فقهاتی و محافظه کار رژیم است و هم رهبر کل رژیم، معمولاً در اکثر موارد، او می‌تواند این دو نقش را ایفا کند، بدون اینکه دچار تناقض شود. اما مواردی نیز هست که خامنه‌ای در موقعیت خود به عنوان رهبر نظام، به عنوان کسی که قاعدتاً باید بیش از سایرین نگران نیابت نظام باشد، ناگزیر است از تندروی‌های افراطی‌ترین عناصر جناح راست بکاهد و آنان را به عملکرد «معقول» فرا خواند. چنین موقعیتی، در هفته‌های اخیر پیش آمد. طوفانی که از «موج» برخاست و حملات ادامه در صفحه ۳

یادداشت

سلاحی قدرتمندتر از همه سلاح‌ها!

در حالی که در اوج حملات محافظه کاران به رئیس جمهور به بهانه چاپ نمایشنامه‌ای در یک نشریه دانشجویی، محمد خاتمی از مخالفان خود خواسته بود که «موج را به طوفان تبدیل نکنند»، اما تنها زمانی که علی خامنه‌ای به صراحت از خاتمی به دفاع برخاست و اعمال خودسرانه خارج از قانون را نفی کرد، این موج فرو خوابید و روخوانی محافظه کاران خاموش شد.

در همان حال که هواداران دولت که برای نخستین بار ولی فقیه را حامی خود یافته و از عقب‌نشینی محافظه کاران شادمانی می‌کنند، دشمنان آزادی در عرصه‌های تعیین‌کننده تری بخت خود را برای پیروزی می‌آزمایند. طرح اصلاح قانون مطبوعات قرار است این هفته در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. مجلس کار اصلاح قانون انتخابات را به پایان رسانده است و با افزودن مواد ارتجاعی دیگری بر آن، شرایط برگزاری انتخابات را به سود محافظه کاران سهل‌تر کرده است. دادگاه مطبوعات، نشاط را برای همیشه تعطیل کرده و اکنون فشار را بر سایر نشریات باقی‌مانده اصلاح‌طلب تشدید نموده است. در حالی که جناح هوادار دولت، همه تلاش خود را برای آرام نگاه داشتن دانشجویان به کار گرفته است، دادگاه‌های انقلاب به تعقیب و پیگیری دانشجویان مبارز و آزادی‌خواه ادامه می‌دهند و برای انسان زندان‌های سنگین و طولی مدت می‌پزند، از دانشگاه‌ها اخراجشان می‌کنند و می‌کوشند با استفاده از کوشش دانشجویان برای جلوگیری از ایجاد آشوب‌های موردنظر محافظه کاران، کمر جیش آنان را بشکنند.

با این همه محافظه کاران دشمن آزادی، در هراسی رو به افزایش به سر می‌برند و علیرغم همه اقدامات سرکوبگرانه خود، از پیروزی در انتخابات مجلس ششم، که مهم‌ترین هدف آنان را تشکیل می‌دهد، مطمئن نیستند. آنان اگر ابزارهای قدرت را در دست دارند و به خوبی نیز از آن‌ها استفاده می‌کنند، اما از داشتن یک ابزار تعیین‌کننده، یعنی اعتماد و جانبداری مردم محروم هستند. و به نظر چنین می‌رسد که مردم آماده می‌شوند تا از فرصت تاریخی دیگری که انتخابات مجلس ششم، علیرغم همه محدودیت‌های ایجاد شده بر سر راه آن، برای آنان ایجاد کرده است، بار دیگر ضربه خوردکننده‌ای بر استبداد و دیکتاتوری وارد آورند. اقدامات محافظه کاران برای آن‌که بتوانند جلوی سرریز شدن اراده مردمی را که آزادی می‌خواهند، سد کنند، حقیقتاً از آن است که آنان بتوانند به آینده امیدوار و خوش‌بین باشند.

۶ نفر دیگر در ارتباط با قتل‌های زنجیره‌ای دستگیر شدند

سازمان قضایی نیروهای مسلح روز جمعه گذشته اعلام کرد، به حکم دادسرای نظامی تهران، شش نفر دیگر در ارتباط با قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷ در تهران دستگیر شده‌اند. در این گزارش آمده است تحقیقات درباره میزان دخالت متهمان

دستگیر شده و نقش آنان در این جریان ادامه دارد. این اطلاعاتی می‌افزاید: به لحاظ آن‌که در حال حاضر انتشار جزئیات موضوع ممکن است در روند تحقیقات اختلال ایجاد کند، لذا اطلاعات بیشتر در مورد هویت متهمان در آینده منتشر خواهد شد.

همسو سعید امامی جزو دستگیرشدگان است چند روز پیش از اطلاعاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح، روزنامه تهران تایمز از قول یک منبع اطلاعاتی نوشته بود «چند تن از دستیاران سعید امامی، از جمله همسر وی و

همچنین برادر زن موسوی توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده‌اند». به نوشته این روزنامه: دستگیرشدگان تحت بازجویی قرار گرفته‌اند. همسر سعید امامی پیش از این در موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر ایران مشغول به کار بوده است.

دادگاه انقلاب

آذربایجان شرقی ۱۴ دانشجوی را...

ادامه از صفحه اول دانشگاه وابسته هستند، با ارسال نامه‌ای به موظفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، ضمن اعتراض به محکومیت‌های سنگین خود، از رفتار غیرانسانی که در زندان با آنان صورت می‌گیرد، خبر داده‌اند. در بخشی از نامه این ۱۴ دانشجو از جمله آمده است:

«به استحضار جنابعالی می‌رسانیم که ما دانشجویان در بند زندان تبریز (به پیامد واقعه بیست تیر دانشگاه تبریز) از مسیحی که در آن به سر می‌بریم به تنگ آمده‌ایم و از شما به عنوان مقام مسئول و متولی دانشگاه‌های کشور تقاضا داریم، هرچه سریع‌تر به وضعیت ما رسیدگی نمایید». دانشجویان زندانی در ادامه نامه خود به شرح رفتار غیرانسانی و شکنجه‌هایی که در زندان نسبت به آنان صورت می‌گیرد پرداخته و از جمله نوشته‌اند: پس از آن همه بی‌حرمتی، شروع به فحاشی به تمام دانشجویان کرده و ما را معاند نظام خطاب می‌کنند. دانشجویان نوشته‌اند: «فریاد شکایت و دادخواهی ما را بشنوید». آنان در نامه خود به وزیر فرهنگ و آموزش عالی، تاکید کرده‌اند «مومن و معتقد» به جمهوری اسلامی هستند و پرسیده‌اند پس چرا باید جای آنان در زندان باشد؟ دانشجویان در بند در پایان نامه خود افزوده‌اند: «دادخواهی خود را به نبرد شما می‌وفتیم و تقاضا می‌کنیم با توجه به مفاد ماده (۳۰) قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب و نیز با عنایت به اتمام رسیدگی و انقضای دلیل قرار پانزده تیر، راه حل قانونی جهت آزادی یا قرار وثیقه و یا هر رادخل دیگری، اقدام مقتضی معمول گردد».

در همین حال، محمدرضا میلانی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد «متأسفانه هیچ اقدامی برای دانشجویان زندانی تبریز نشده است». به نوشته روزنامه خرداد، این نماینده خواستار ملاقات با دانشجویان زندانی شده است، اما درخواست او نیز تاکنون از سوی مقامات مسئول دادگاه انقلاب آذربایجان و زندان تبریز بی‌پاسخ مانده است. میلانی در مصاحبه با روزنامه خرداد به برگزاری دادگاه دانشجویان در پشت درهای بسته اعتراض کرد و گفت که توده دانشجویان اتهاماتی را که دادگاه علیه دوستانشان وارد کرده است، باور ندارند. از جمله اتهامات دانشجویان در بند «ارتباط با عوامل بیگانه» است.

در همین حال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز در اطلاعیه‌ای وابستگی دانشجویان زندانی به خود را رد کرده و بدون این که خواهان آزادی آنان شود، به تاکید بر پیگیری خواست‌های دانشجویان بسنده نمود. از واکنش اعتراضی سایر تشکلهای دانشجویی و از جمله دفتر تحکیم وحدت نیز نسبت به محاکمه غیرعادلانه و احکام صادره نسبت به این دانشجویان گزارشی در دست نیست. کانون مستقل دانشجویان تبریز، که بیشتر دانشجویان در بند وابسته به آن هستند، تاکنون با انتشار اطلاعیه‌هایی خواهان پایان دادن به فشار و پیگردهای دادگاه‌های انقلاب علیه وابستگان این کانون و سایر دانشجویان آزادی‌خواه شده است.

دهها حزب و سازمان ایرانی و خارجی خواهان پایان دادن به فشار علیه دانشجویان در ایران شدند

(اکثرت)، اتحادیه سازمان فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، حزب دموکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان پارس، جبهه ملی ایران (اروپا)، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب جمهوری ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، حزب دموکرات کردستان ایران، انجمن گفتگو و دموکراسی، کمیته ایرانی - فرانسوی علیه اختناق، کمیته زنان علیه سنگسار، اکسیون برای اتحاد و سوسیالیسم در چاد، دموکرات‌های کنگو پرازونیل، گروه خانواده‌های قربانی جنگ داخلی کنگو و دهها شخصیت و نماینده پارلمان از فرانسه و همچنین شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایرانی.

فرانسه، فرانس لیبرته، جنبش دوستی بین خلق‌ها و مبارزه علیه تبعیض نژادی، سرزمین انسان‌ها (فرانسه)، جوانان ترک فرانسه، جوانان حزب سبزها، جنبش صلح، مبارزه علیه نژادپرستی، انجمن روشنفکران فراتر، سندیکای آموزگاران، دبیران و اساتید فرانسه، جوانان سندیکای ث.ژت، سندیکای متحده و حزب سبزها، حزب کمونیست فرانسه، جنبش جوانان کمونیست فرانسه، لیگ کمونیست‌های انقلابی، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، کمیته ایرانی علیه اختناق و ترورریسم دولتی، کمیته دموکراسی برای ایران، گروه حمایت از مبارزه خلق ایران، جنبش مقاومت ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران

و برخورداری آزادانه زندانیان از وکیل مدافع، قطع فشار و شکنجه، شلاق و سنگسار؛ احترام به حق دفاع و حضور ناظران بین‌المللی در محاکمات و دسترسی آن‌ها به پرونده متهمین و حضور در مراحل محاکمه؛ اعلام انزجار از چگونگی پرونده اتهام به جاسوسی عده‌ای از ایرانیان؛

تعلیق حکم اعدام دانشجویان از سوی دادستانی کل کشور؛ درخواست از جامعه اروپایی و به ویژه فرانسه برای آن‌که در روابط خود با ایران، اجرای حقوق بشر را از مقامات ایرانی بخواهند.

در گردهمایی ۲۸ سپتامبر و تصویب قطعنامه فوق‌العاده و شخصیت‌های زیر شرکت کردند: اتحادیه ملی دانشجویان

در پی نشست روز ۱۲ سپتامبر هیات نمایندگی سبزهای فرانسه و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، حزب سبزهای فرانسه از کلیه احزاب، سازمان‌ها، انجمن‌ها و سندیکای ایرانی و فرانسوی جهت یک اقدام مشترک برای نجات جان دانشجویان ایران دعوت کرد.

دهها حزب، سازمان و شخصیت‌های ایرانی و فرانسوی و همچنین از دیگر کشورها به این فراخوان پاسخ مثبت دادند و با برپایی یک گردهمایی اعتراضی در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه‌ای را به تصویب رساندند که در آن بر موارد زیر تاکید شده است:

آزادی فوری زندانیان سیاسی

«کار» در جشن سالانه «اومانیته»

فهرادی و مسئول روابط بین‌المللی در فرانسه با هیات‌های نمایندگی احزاب کمونیست فرانسه، عراق، حزب سبزهای فرانسه و چند حزب و سازمان دیگر و همچنین با شخصیت‌های سیاسی و رهبران احزاب و سازمان‌های ایرانی به بحث و تبادل نظر پرداختند. در دیدار با نمایندگان حزب سبزهای فرانسه، گفتگوهایی به ویژه پیرامون حوادث ناگوار تیر ماه در دانشگاه‌های ایران که منجر به کشته و زخمی شدن و دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان گردید، صورت گرفت و قرار شد برای نجات دانشجویان، اقدامات مشترکی صورت گیرد. بر این اساس حزب سبزهای فرانسه پیشقدم شد و از کلیه سازمان‌ها و احزاب و شخصیت‌های ایرانی و فرانسوی دعوت کرد جهت حمایت از دانشجویان ایرانی و رعایت حقوق بشر در ایران، یک اقدام دسته‌جمعی صورت گیرد.

جشن روزنامه اومانیته امسال زیر درخشش بی‌سابقه آفتاب به مدت سه روز از ۱۰ تا ۱۲ سپتامبر در یکی از شهرهای اطراف پاریس با شرکت ۵۰۰ هزار نفر برپا شد. به دعوت روزنامه «اومانیته»، روزنامه نزدیک به حزب کمونیست فرانسه، نشریه «کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در این گردهمایی شرکت کرد و با برپایی غرفه‌ای به همایش سیاسی - فرهنگی پرداخت.

اعضا و دوستان سازمان با فعالیتی قابل تحسین، به توضیح مسایل سیاسی و پاسخ به سوالات بازدیدکنندگان پیرامون وضعیت کنونی ایران و شرایط سخت زنان و به خصوص جوانان و دانشجویان پرداختند. غرفه «کار» با صنایع دستی ایران به شکل زیبایی تزئین شده بود.

هیات نمایندگی سازمان متشکل از رقمامینی

تظاهرات سراسری ایرانیان در برلین

گروه کثیری از ایرانیان دموکرات و آزادیخواه در شهر برلین آلمان، در روز شنبه ۱۹ اکتبر با برگزاری تظاهراتی در این شهر، خواهان قطع فشار به دانشجویان و پایان دادن به سیاست سرکوب جنبش دانشجویی شدند و از احزاب آلمانی خواستند که به فشار علیه دانشجویان ایرانی توسط حکومت اعتراض کنند. در این تظاهرات که به دعوت کمیته پشتیبانی از جنبش دموکراتیک مردم ایران برگزار شد، چند صد نفر شرکت کردند.

در قطعنامه پایانی تظاهرات تاکید شده است: نجات جان مبارزان در خطر اعدام، اعتراض به سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و دموکراتیک مردم ایران، اعتراض به نقض روزانه حقوق بشر در جمهوری اسلامی آزادی همه زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند، آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات، رفع هرگونه فشار بر مطبوعات و رسانه‌های همگانی و همچنین انتشار مجدد نشریات توقیف شده، تظاهراتکنندگان همچنین از فراکسیون‌های حزبی در مجلس آلمان خواسته‌اند:

۱. در یک سوال پارلمانی، مساله احکام اعدام دانشجویان و کلیه دستگیرشدگان را مطرح کنند،
۲. با اعتراض کتبی به «قتل‌های زنجیره‌ای» روشنفکران، روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی، رژیم را از ادامه این جنایات برحذر دارند،
۳. پشتیبانی و امکانات لازم را برای اعزام یک هیات حقوق‌دان بین‌المللی برای رسیدگی به موارد فوق فراهم آورند.

آموزش سندیکایی برای فعالین جنبش کارگری در ایران

یکی از وکلای بین‌المللی ث.ت که در مقر سازمان بین‌المللی کار مستقر است، نتایج تلاش‌های متعدد این کنفرانس‌ها و نیز چشم‌انداز آتی آن در کنفرانس‌های بین‌المللی در حمایت از جنبش مطالباتی کارگران ایران را که به درخواست کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران به عمل آورده است، تشریح کرد و بر ادامه حمایت بین‌المللی ث.ت از جنبش سندیکایی مستقل و دموکراتیک ایران تاکید ورزید. در این سمینار مسائل محوری جنبش سندیکایی جهانی که متن اصلی آن بوسیله ث.ت تنظیم شده بود، در اختیار رفقای شرکت‌کننده قرار گرفت که عبارت بود از:

- ۱) بازسازی نهادهای بین‌المللی و جایگاه جنبش سندیکایی
- ۲) بحران آسیایی و مسائل جدید توسعه جهان سوم.
- ۳) مسائل مطرح شده در این سمینار با استقبال شرکت‌کنندگان روبرو گردید و از سوی آنان مورد تبادل نظر قرار گرفت. لازم به یادآوری است مسائلی که از جانب کمیسیون ارتباطات سندیکایی در این نشست مطرح گردید، در آینده به اضافه مجموعه مسائل یاد شده فوق انتشار بیرونی خواهد یافت.

«کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران»  
شنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۹

با کمک‌های مالی خود، «کار» را یاری دهید!

و سایر دانشجویان آزادی‌خواه شده است.



## مردم از نمایندگان اصلاح طلب ایستادگی قاطعانه در برابر طرح نابودی مطبوعات را می‌خواهند

### «کنفدراسیون آذربایجانی‌ها» و هشدار ما!

در روزهای ۲۱ و ۲۲ ماه اوت گذشته اجلاس در شهر بن آلمان با شرکت نمایندگان تعدادی از تشکلهای آذربایجانی در کشورهای مختلف اروپا برگزار گردید. مشابه این نشست، البته دو سال پیش در آمریکا و با حمایت برخی از محافل و شخصیت‌های سیاسی آمریکایی ترتیب یافته بود.

در اجلاس بن، علاوه بر آذربایجانی‌های ایرانی کسانی نیز از جمهوری آذربایجان و ترکیه که در تشکلهای آذربایجانی در کشورهای اروپایی عضو هستند، بعنوان نماینده شرکت داشتند. هیاتی نیز از سفارت جمهوری آذربایجان در آلمان بعنوان مهمان در این نشست حاضر بود.

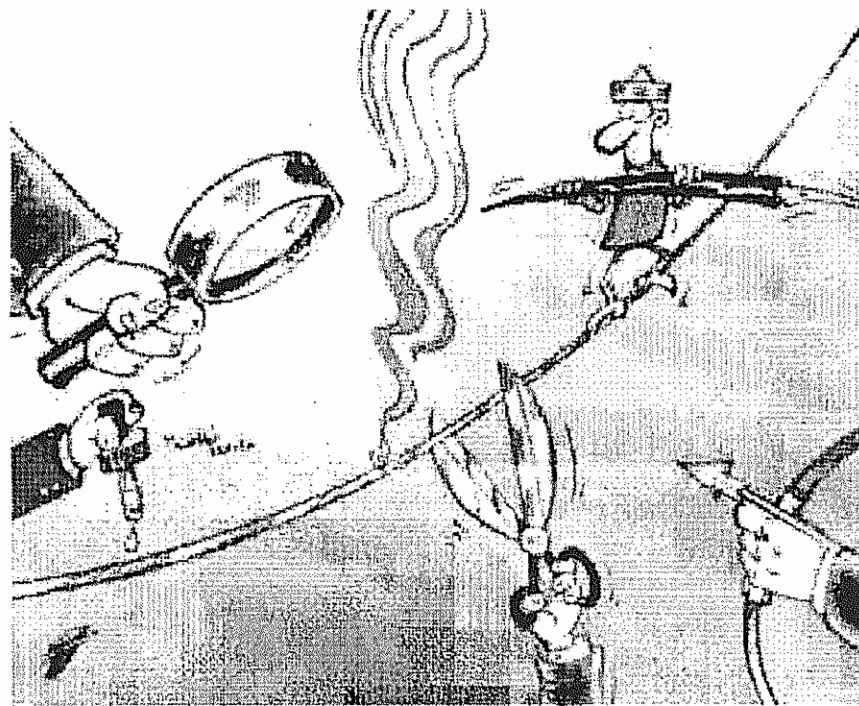
در محل اجلاس، پرچم جمهوری آذربایجان نصب شده بود و اجلاس کار خود را در پی اجرای اسرود آذربایجان با انتخاب هیئت رئیسه آغاز کرد.

ترکیب دعوت شدگان به این نشست به گونه‌ای تدارک شده بود که اکثریت آن از مدافعان جدایی آذربایجان از ایران و تشکیل دولت آذربایجان واحد از همه آذری‌زبان‌ها بود. این امر هم در ترکیب هیئت رئیسه نشست، هم در تعداد و نحوه سخنرانی‌ها و بالاخره هم در مصوبات و انتخاب هیئت رئیسه پنج‌نفره برای اداره امور «کنفدراسیون» بازتاب داشت.

اساسنامه مصوب این اجلاس، اصلی‌ترین کار مضمونی آن بود که در آن بر دفاع از منافع ملی و حقوق تمامی اهالی آذربایجان (هم در ایران و هم جمهوری آذربایجان) تاکید شده است و مبارزه در راه وحدت همه آذربایجانی‌ها، محور فعالیت «کنفدراسیون» تعیین گردیده است.

در جریان نشست دو روزه این اجلاس و در پی تثبیت نظر طرفداران استقلال آذربایجان ایران و ایجاد دولت واحد آذربایجان، پارهای از سخنرانان، نیروی چپ در آذربایجان ایران و در جمهوری آذربایجان را از عوامل عمده عدم تحقق وحدت دو آذربایجان طی دهه‌های گذشته دانستند و از آن به تندسی سخنان گفتند.

با آنکه «کنفدراسیون»هایی از این دست به هیچ وجه با واقعیت خواست‌ها و مطالبات ملی و دموکراتیک اهالی آذربایجان ایران همخوانی ندارد و سرخ آنها را اساساً باید در منافع سیاسی محافظی خارج از آذربایجان و ایران پی گرفت که توسط گروهی بعضاً معترض و بعضاً پاکدل اما ناآگاه اداره می‌شود، ولی این واقعیت به هیچ رو شیاری نسبت به این نوع ماجراجویی‌های سیاسی را از سوی آذربایجانی‌های مترقی، دموکرات و مردم‌دوست نفی نمی‌کند. بدون تردید دفاع از حقوق ملی و فرهنگی آذربایجانی‌ها در ایران، همانند دفاع از حقوق دیگر اقلیت‌های ملی در کشورمان یک وظیفه تأخیرناپذیر هر ایرانی دموکرات و هر ایرانی آزادیخواه متعلق به این اقلیت‌های ملی در کشور است. مبارزه علیه هرگونه تبعیض و ستم ملی، زبانی و فرهنگی چه از سوی حکومتگران چه از طرف آنهایی که زیر پرچم «ایران پرستی»، برتری یک قوم در ایران بر دیگر اقوام را تبلیغ و اجرا می‌کنند نیز مسلماً وظیفه درنگ‌ناپذیر هر انسان دموکرات است. اما در همان حیطه و فضای این مبارزه و آن دفاع، تنها زمانی کامل می‌شود که با مخالفت علیه شعارها و حرکت‌های مشوق و مروج تجزیه‌طلبی و جدایی‌خواهی از سوی هر جریان که می‌خواهد باشد و با هر تعلق قومی چه در شکل «آذربایجان پرستی» و چه در شکل پرستش هر قوم دیگر که صورت پذیرد، همراه گردد.



روزنامه‌نگاران و مردم ایران است. هنوز دیر نشده است. در برابر طرح نابودی مطبوعات کاران چه رهنمودی داده‌اند؟

**مردم چه می‌خواهند؟**  
مردم و روزنامه‌نگاران از اصلاح‌طلبان چه می‌خواهند؟ مردم آزادی می‌خواهند و ایستادگی در برابر متجاوزان به آزادی.

۳۴۹ نفر از روزنامه‌نگاران پنج ماه پیش در نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور نوشتند: «اگر همان روزی که خبرنگار یکی از روزنامه‌ها از سوی یک مقام بلندپایه تهدید شد، اگر همان روز که یک روزنامه پرتیراژ مورد اقبال مردم به سادگی و با شیوه‌ای غیرمعتاد تعطیل نمی‌شد، اگر همان روزی که در صد بود با یک تلفن ۵ نفری را تعطیل کنند، اگر همان روزی که روزنامه‌نگاران را بدون توجیه موق حقوقی به زندان می‌بردند، حریم روزنامه‌نگاری فروگذاشته نمی‌شد، امروز به این موقعیت نمی‌رسیدیم.»

این نرسد و خواست یک پارچگی می‌خواهند

گذرانند. پدیده مذکور را مجمع نمایندگان خط امام مجلس شورای اسلامی، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، مجمع نیروهای خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب اسلامی کار، حزب همبستگی ایران اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران و انجمن اسلامی مهندسان ایران امضا کرده‌اند. در حالی که انتشار این بیانیه، نشانگر قاطعیت بخشی از نیروهای دوم خرداد در مخالفت با طرحی است که نابودی مطبوعات اصلاح‌طلب را هدف قرار گرفته است، نبودن نام بزرگ‌ترین تشکلهای حکومتی طرفدار دولت یعنی مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در پای این اعلامیه پرسش‌های زیادی را ایجاد کرده است. بیشترین نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس متعلق به این سه تشکل هستند.

خامنه‌ای و عده‌های ناطق‌نوری دلخوش کردند که سنگر بدون مقاومت به دشمنان قسم خورده آزادی تسلیم شد. تصویب این طرح چنان در آرامش و بدون مخالفت موثر صورت گرفت، که اعتراض روزنامه‌های اصلاح‌طلب را برانگیخت. سه ماه گذشته را در حالی که نمایندگان جناح محافظه‌کار سرگرم تدوین جزئیات و محدودیت فعالیت مطبوعات بودند، اصلاح‌طلبان حکومتی به دانشجویان هشدار می‌دادند که از «اغتشاش» بپرهیزند و روزها را با این امید سپری می‌کردند که ناطق‌نوری به وعده‌هایش عمل خواهد کرد، روزنامه‌نگاران را برای مشاوره دعوت خواهد کرد، نظر کارشناسان را جویا خواهد شد و خواسته‌های اصلاح‌طلبان را به هنگام تهیه جزئیات طرح رعایت خواهد کرد. ناطق‌نوری خلف وعده کرد، همان طور که از او انتظار می‌رفت.

**سردرگمی**  
امروز نیز در حالی که مجلس پنجم در آستانه یکی از سرنویس‌سازترین تصمیم‌های خود قرار دارد، جناح اصلاح‌طلب مجلس هنوز نتوانسته است سیاست واحدی را در برخورد با طرح اصلاحی قانون مطبوعات اتخاذ کند. به نوشته روزنامه خرداد، دسته‌ای از نمایندگان طرفدار دولت می‌خواهند با دادن پیشنهادهای بیشتر و درخواست حذف مواد محدودکننده قانون، آن را قابل تحمل تر سازند. دسته دیگر، دست به دامن رئیس‌مجلس و رهبر شده‌اند. دسته سوم به فکر ترک جلسه مجلس و ایستراکسیون هستند. اما دیگر نمایندگان اصلاح‌طلب با آن‌ها مخالفت می‌کنند. مسکوت گذاشتن طرح، راه حل دسته چهارم است.

**خلف وعده**  
بسر خورد نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی با کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، در مجموع برخورد منفعلانه‌ای بوده است. سه ماه پیش، هنگامی که جلسه رای‌گیری برای رد یا پذیرش کلیات طرح در مجلس تشکیل شد، بیش از هشتاد نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی و نمایندگان به اصطلاح مستقل غایب بودند و این طرح در غیاب آنان به تصویب رسید. اصلاح‌طلبانی هم که در مجلس بودند، چنان به توصیه‌های

ادامه از صفحه اول  
تدوین جزئیات طرح، کمیسیون مشترک حقوقی، قضایی ارشاد و هنر اسلامی مجلس، شرایط فعالیت مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران را دشوارتر و دست دشمنان آزادی را در بگیر و بسبند نویسنده‌گان، روزنامه‌نگاران و سرکوب آزادی بیان بازتر کرده‌اند. کمیسیون مشترک مجلس با همکاری سعید مرتضوی رئیس دادگاه مطبوعات که تاکنون حکم تعطیلی چندین نشریه و روزنامه اصلاح‌طلب را صادر کرده است، در تدوین جزئیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، نامه سعید امامی را مو به مو پیاده کرده‌اند و طبق توصیه‌های وی، طرح قانون مطبوعات را چنان تنظیم کرده‌اند که راه مداخله دادگاه انقلاب در جرایم مطبوعاتی باز باشد و مخالفان آزادی بتوانند علاوه بر مدیران مسئول مطبوعات، نویسندگان و سردبیران را هم محاکمه کنند، آن‌ها را ممنوع‌القول سازند و به زندان بیاورند. سعید امامی در نامه خود به وزیر اطلاعات تاکید کرده بود تنها با تعطیل چند روزنامه و محرومیت مدیران مسئول آن‌ها نمی‌توان جلوی فعالیت نویسندگان را که در روزنامه‌های مختلف قلم می‌زنند و از روزنامه‌های که تعطیل می‌شود به روزنامه دیگر کوچ می‌کنند، گرفت. باید قانون تدوین کرد که از نوشتن آنان جلوگیری کند.

بسر خورد نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی با کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، در مجموع برخورد منفعلانه‌ای بوده است. سه ماه پیش، هنگامی که جلسه رای‌گیری برای رد یا پذیرش کلیات طرح در مجلس تشکیل شد، بیش از هشتاد نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی و نمایندگان به اصطلاح مستقل غایب بودند و این طرح در غیاب آنان به تصویب رسید. اصلاح‌طلبانی هم که در مجلس بودند، چنان به توصیه‌های

## مردم ایران رابطه علنی با آمریکا می‌خواهند

در باره شکست قانون داماتو و اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران بداهه انداخته، اقتصاد ایران ضریب سنگینی از زمان اعمال قانون داماتو متحمل شده است. جمهوری اسلامی برای حل معضلات اقتصادی شش‌سیداً نیامند سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و تلاش‌های رفسنجانی و خاتمی برای جلب سرمایه‌های خارجی چندین موقف نبوده و به نتایج مثبتی نرسیده است. یکی از عوامل عمده شکست تلاش آنها، اعمال تحریم‌های اقتصادی است. تهران و واشنگتن باید در سیاست خصمانه و اعمال تهدید علیه یکدیگر تجدیدنظر کنند و در جهت روابط عادی دیپلماتیک و اقتصادی با مراعات موازین و عرف بین‌المللی قدم بردارند. آنچه در این میان باید مورد تاکید قرار گیرد، مشروط شدن سطح این روابط به اجرای حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی و دست کشیدن سیاست‌های زیاده‌خواهانه از سوی آمریکا است. اما در عین حال هر رابطه و هر سطح از مناسبات باید برای افکار عمومی در هر دو کشور، علنی و آشکار باشد.

مربوط به امور داخلی عربستان سعودی است. روزنامه‌های جمهوری اسلامی طرح موضع انفجار الخبیر را «بازگشایی پرونده کهنه» و رفتار آمریکا را «سیاست چماق و هریج» تعبیر کرده‌اند و نوشته‌اند آمریکا با تهدید و تطمیع به دنبال برقراری رابطه است. اما معلوم نیست چرا جمهوری اسلامی از برقراری رابطه‌ای که بر اساس موازین و عرف بین‌المللی باشد، گریزان است. هیچ‌یک از جناح‌ها به تنهایی مخالف برقراری رابطه با آمریکا نیست به شرط آن که ابتکار عمل را خود داشته باشد. ماجرای «لاری گیت» را مردم فراموش نکرده‌اند.

ایران و آمریکا هر دو در برقراری مناسبات دیپلماتیک و اقتصادی ذینفع هستند. آمریکا می‌داند که تهدید و اقدام نظامی علیه ایران نه تنها کارساز نیست، بلکه به جز تشدید نفرت مردم ایران و غیبت طولانی‌تر آمریکا از صحنه سیاسی و اقتصادی ایران و کشورهای آسیای میانه حاصلی نخواهد داشت و امکانات رقبای اروپایی بیشتر خواهد شد. جمهوری اسلامی نیز می‌داند علیرغم هیاهویی که

باشد قادر به مهار بحران ناشی از چنین تلاطمی خواهد بود، در رهبر حکومت اسلامی چنین اطمینانی مطلقاً وجود ندارد. با وضعیت ملت‌هپ کنونی در جامعه، با نارضایتی گسترده در میان مردم، با در نظر داشتن ابعاد جنبش توده‌ای که در تیرماه ریسکی، خامنه‌ای قماری بسیار خطرناک است که حاضر به وارد شدن بدان نیست.

اینکه اصلاح‌طلبان حکومتی اکنون می‌کوشند از سخنان اخیر خامنه‌ای در جهت دفع حملات راستگرایان بهره‌گیرند، به خود منتهی نیست. سیاستی قابل انتقاد است که در مضمون، به جاری شدن اراده محافظه‌کاران تن دهد و تنها دلخوشی خود را در تعارفات رد و بدل شده بین رهبر و برگزیده دوم خرداد بجوید. سیاستی قابل انتقاد است که فراموش کند خامنه‌ای، همان خامنه‌ای ۲۳ تیر است. همان است که در مشهد، حکم ارتداد نویسنده نشاط را صادر کرد و زمینه‌ساز تعطیل نشاط شد. همان است که در اوج اختلاف بر سر نظارت استصوابی، صریحاً جانب شورای نگهبان را گرفت. سیاستی قابل انتقاد است که نقش ارتجاعی و لایت فقیه را در ساختار سیاسی ایران توجیه کند و بدتر از آن به دفاع از آن برخیزد و آن را حامی و پشتیبان اصلاحات و دموکراسی وانمود سازد.

## حمایت خامنه‌ای از خاتمی، حمایت...

بقیه از صفحه اول  
عنان گسیخته افراطی‌ترین جریان محافظه‌کاران، بحران را به سمتی برد که امکان بروز هرج و مرج در ابعاد سراسری در آن هویدا شده بود و می‌توانست به نقطه‌ای برسد که نه از تاک نشانی ماند، نه از تاک‌نشان. خزعلی، خامنی را از فرار از کشور می‌ترساند، نقدی اعلام کرده بود که «حکم خدا» را شخصاً به اجرا خواهد گذاشت. خامنه‌ای این خطر را دریافت (پیش از او نیز شامه تیز رفسنجانی خطر را حس کرده بود) و بحران هولناکی را که فرا می‌رسید، به چشم دید. او تشخیص داد مدافعان ارتجاع و ولایت قدرت آن را ندارند که «پروژه بنی‌صدری کردن» اوضاع را تا به آخر پیش ببرند و خود و کل نظام را با بحران غیرقابل پیش‌بینی روبرو می‌کنند. خامنه‌ای اوقیانوس عظیم نارضایتی مردم را تا کنون بارها به چشم دیده است. او نه دوم خرداد ۷۶ را فراموش کرده است و نه از کابوس ۱۸ تیر ۷۸ رهایی یافته است. او می‌داند که در جامعه چه نفرت عظیمی نسبت به زور و قلداری انباشته شده است. او نیروی آماده مقاومت و انفجار حتی در بخشی از خود حکومت را هم می‌بیند و می‌داند که مبارزطلبی‌های کسانی چون خزعلی و نقدی بازی با آتش است و این مرتجعین توان رو در روی آشکار با مردم را ندارند و به همین دلیل مجبور شد با روشن‌ترین کلمات، هواداران افراطی خود را از زمین بر امواج توفان منع کند.

برکناری یا استعفای خاتمی زیر فشار افراطیون راست، بیش از هر چیز به بی‌ثباتی نظام دامن می‌زند. خامنه‌ای تنها در شرایطی حاضر می‌بود ریسک این بی‌ثباتی را به جان بخرد که مطمئن

## ایران ۶ میلیون معلول دارد

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی گفت ۶ میلیون معلول ذهنی و جسمی در کشور وجود دارد. از این تعداد دو میلیون نفر دارای معلولیت بارز هستند و به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند. به گفته این مقام براساس استانداردهای جهانی ۱۰ درصد از جمعیت هر کشور را افراد معلول تشکیل می‌دهند.

## پاسخ کهنه به خواست‌های برحق

ادامه از صفحه اول  
رو در روی مردم قرار گرفتند و آنان تاوان سنگینی پرداختند و داغدار شدند.  
موسوی لاری وزیر کشور در پاسخ به پرسش‌های نماینده سنجید گفت: تصور بنده این بود و هست که موضوعات مطرح شده در این کمیسیون قاعدتا ابهاماتی را که دوستان داشتند بر طرف کرده و نیازی به طرح آن در صحن علنی مجلس نباشد. از زمانی که استاندار جدید کردستان به محل ماموریت خود اعزام شد اختلاف نظرهایی بین

وی و دوستانی که در گذشته حضور بیشتری در مدیریت این استان داشتند وجود داشته که بالطبع این اختلاف نظرها نمی‌تواند مانع از خدمت به مردم کرد زبان این منطقه شود. افرادی که در جریان تظاهرات دستگیر شدند، از عوامل حزب منحل دموکرات و کومله بودند.  
پاسخ موسوی لاری وزیر کشور دولت آقای خاتمی متأسفانه بار دیگر نشان داد که مسئولان رژیم هم‌چنان مطالبات به حق مردم کردستان را نادیده می‌گیرند و با اتکا به خشونت و

## در نامه‌ای به رییس جمهور اتحادیه اسلامی دانش‌آموختگان به ادامه بازداشت طبرزدی اعتراض کرد

تربیت‌های رسمی و غیررسمی به تحکیم حرمت آنها پرداخته و قبل از آنکه جرمی اثبات شود آنها را مجرم تلقی نمودند. آیا در برابر این نقض قوانین و کنش‌های سوری مجریان قانون انجام شد؟ این اتحادیه در نامه سرگشاده خود افزوده است: «در حالی که مسیبان واقعی فاجعه حمله به کوی دانشگاه نه تنها محاکمه نشدند بلکه مورد تقدیر و تشکر نیز واقع گردیده و پس از اعلام وزارت اطلاعات مبنی بر حضور عناصر گروه فشار (البته با عنوان افراد ماجراجو)، متأسفانه هیچ اثری از تعقیب قانونی آنها بگوش نمی‌رسد، اگر تشکیلی نخواهد در دایره جناحی چپ یا راست خود را محصور کند آیا حق فعالیت ندارد؟»

اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان پنجشنبه گذشته با ارسال نامه‌ای به رییس جمهوری، از نحوه برخورد وزارت اطلاعات و دادگاه انقلاب با برخی از دست‌اندرکاران نشریه «هویت خویش»، از جمله سردبیر این نشریه و دبیرکل اتحادیه مذکور، حشمت الله طبرزدی، اعتراض کرد. در این نامه آمده است: طبرزدی به عنوان مطلع به دادگاه انقلاب احضار گردیده و هنوز پس از مدت ۱۰۳ روز همچنان در بازداشت بسر می‌برد. در قسمت دیگری از این نامه خطاب به خاتمی آمده است: در سخنان شما مکرر بر این موضوع صحنه نهاده شده که آزادی یعنی آزادی مخالف. چگونه است در

## روزنامه‌نگاران کاندیدای جداگانه می‌دهند

به نوشته روزنامه صبح امروز، جمعی از نویسندگان فعال روزنامه‌های اصلاح‌طلب با برپایی جلسات منظم، در صدد تهیه لیست نمایندگان منتخب خود برای سراسر کشور به منظور شرکت در انتخابات مجلس ششم هستند. این عده قرار است به زودی تحت یک نام خاص و با اعلام برنامه‌های خود، فعالیت علنی خود را آغاز کنند. استدلال این روزنامه‌نگاران این است که سرنوشت انتخابات مجلس ششم به وسیله مطبوعات تعیین می‌شود و نه احزاب سیاسی، به همین علت مطبوعاتی‌ها باید کاندیداهای خود را برای مجلس مستقلا اعلام نمایند.

## وزارت خارجه: راه نمی‌دهیم!

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی برای سفر یک مقام حقوق بشر به تهران را تکذیب کرد. حمیدرضا آصفی گفت: تاکنون برای سفر نماینده حقوق بشر به ایران برنامه‌ای تنظیم نشده است. سخنگوی وزارت امور خارجه بار دیگر ادعای جمهوری اسلامی را تکذیب کرد و مدعی شد سفر نمایندگان سازمان‌های حقوق بشر به ایران «دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی» به شمار می‌آید. موضع‌گیری وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی پس از آن صورت گرفت که یک مقام حقوق بشر در آلمان اعلام کرد براساس یک سفر برنامه‌ریزی شده قرار است به تهران سفر کند.

## در ملاقات کروی و مهدوی کنی چه گذشت؟

هفته‌نامه آبان نوشت: پس از سخنرانی مهدی کروی دبیر مجمع روحانیون مبارز در سالگرد آیت‌الله طالقانی، محمدرضا مهدوی‌کنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز با وی دیدار کرده و از مواضع «اصولی و انقلابی» وی در دفاع از رهبری تشکر کرده است. در این دیدار مهدی کروی گفته است که در انتخابات مختلف، ما مظلوم واقع شده‌ایم، هرچند که زیر بار ظلم نرفته‌ایم. محمدرضا مهدوی‌کنی نیز گفته است: شما نباید از شورای نگهبان انتقاد کنید و احمد جنتی را زیر سؤال ببرید، اگر می‌خواهید اعتراض کنید باید خدمت رهبر برسید و دلایل خود را بگویید. حال، آیا می‌پذیرند یا خیر، مفهوم ولایت‌فقیه، همین است. در این دیدار همچنین دبیرکل جامعه روحانیت مبارز به دبیر مجمع روحانیون مبارز گفته است: بیاید دست «برادری» بدهیم، نه وحدت و ائتلاف، که شاید ممکن نباشد.

## مسجد جامعی ماندنی شد

احمد مسجدجامعی، معاون وزیر ارشاد در امور فرهنگی در مقام خود ماندنی شد. مهاجرانی مدت‌ها در تلاش بود تا این معاون فرهنگی خود را از کار برکنار کند و حتی پیشنهاد تصدی این مقام را به قاسم‌زاده، سرپرست روابط بین‌الملل صدا و سیما جمهوری اسلامی داده و مذاکرات در این زمینه قطعی شده بود. به نوشته روزنامه‌ها، مسجدجامعی گفته بود در صورت برکناری از معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، از این وزارت‌خانه استعفا خواهد داد. این اختلاف سرانجام با پادرمیانی «مقامات عالی‌رتبه» دولت به نفع مسجدجامعی حل شده و او در مقام خود ماندگار شد. روزنامه‌هایی که این خبر را منتشر کرده‌اند، به دلایل اختلافات مهاجرانی و مسجدجامعی اشاره نکرده‌اند.

## سواحل مازندران در انحصار ارگان‌ها است

رییس سازمان ایرانگردی و جهانگردی مازندران گفت: ۹۰ درصد نوار ساحلی مازندران در انحصار ارگان‌ها و نهادهای دولتی می‌باشد. به گفته وی انبوه مردمی که برای استفاده از دریا به مازندران می‌آیند، به علت اختصاصی بودن سواحل نمی‌توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند. وی افزود: علیرغم مسئولیت ساخت و ساز در ساحل دریا، وزارت‌خانه‌های دولتی پلاژهای خود را در کنار دریا توسعه می‌دهند.

## کارشناسان تخمین می‌زنند ۸۰۰ هزار کودک در ایران کار می‌کنند



موجود تنها در حد شعار حمایت از کودکان مانده است. مطابق قانون کار جمهوری اسلامی، کار کردن کودکان زیر ۱۴ سال جرم محسوب شده و باید مراجع ذیصلاح از این عمل جلوگیری کنند. اما خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ، مزارع کشاورزی و کارگاه‌های کوچک، پر است از کودکان زیر چهارده ساله‌ای که به دنبال لقمه‌ای نان می‌دوند و همه مقامات مسئول نیز چشم بر این «جرم» بسته‌اند. شرایط کار این کودکان بسیار وحشتناک است و آنان که قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، مورد انواع بهره‌کشی‌های غیرانسانی قرار دارند. از آنان سوءاستفاده جنسی می‌شود و همه جا با دستمزدهای پایین، مجبور به انجام پست‌ترین کارها هستند.

مطابق آمارهای سال ۷۵ نزدیک به ۲۶۵ هزار کودک بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران به کار مشغول بوده‌اند که از این تعداد ۱۷۰ هزار نفر را پسران و نزدیک به ۹۵ هزار نفر را دختران خریدار تشکیل می‌دهند.

کارشناسان این ارقام را واقعی نمی‌دانند و رقم ۸۰۰ هزار کودک شاغل را واقعی‌تر می‌دانند. به گفته این کارشناسان، علت تفاوت آمارهای رسمی با آمارهای واقعی، از یک سو آن است که صدها هزار کودک در ایلات و عشایر به کار مشغول هستند، در آمارهای رسمی محاسبه نمی‌شوند و از سوی دیگر این آمار، کودکان کارگری را که به طور غیرقانونی به کار اشتغال دارند نیز دربر نمی‌گیرد. بخش عمده‌ای از کودکان کارگر در کارگاه‌های کوچک و بطور غیرقانونی به کار مشغول هستند. مردی به نام رضوی، که اکنون دیگر سال‌هاست دوران کودکی را پشت سر گذاشته است و از زندگی نسبتاً خوبی هم برخوردار است، احساس خود از کار در

«در اتوبان پارک وی پشت چراغ قرمز که ایستاده‌ام، با جعبه‌ای پر از آدامس و شکلات به ماشین نزدیک می‌شود و مصرانه می‌خواهد که از او خرید کنم. پول اضافی را در حالی که چراغ سبز شده با آمدن به آن سمت چهارراه می‌پردازد. در کناری می‌ایستم. به داخل ماشین می‌آید، با کتانی‌هایی که جلوی آن پاره شده و بلوز و شلوار کهنه و کثیف و چهره‌ای مظلوم و مسحور. می‌گوید: ده سالم است، هشت نفرم. پنج سال است که از بروجرد به تهران اومدم. پدرم کارگر ساختمان است اما چون معتاد است کسی به او کار نمی‌دهد. من و برادر بزرگترم که چهارده ساله است کار می‌کنیم و به مادرم پول می‌دهیم... تا دوم دستان خواندم بعد هم نتوانستم ادامه بدهم، چون بابام گفت: برو سرکار. الان بد نیست. اگر همه روز رو کار کنیم از ۱۰۰۰ تومان بیشتر درمی‌آورم، اگر کمی پول جمع کنم، شب‌ها حتما درس می‌خوانم.»

از یادداشت‌های یک خبرنگار مقامات وزارت کار و امور اجتماعی اعتراف می‌کنند کار کودکان نسبت به گذشته بیشتر شده است و دلیل آن بالا رفتن فقر در جامعه است. به گفته این مقامات، هزینه تحصیل بالا رفته و فقر در خانواده‌ها بیشتر شده است و بسیاری از مردم مجبور می‌شوند برای کمک به خرج خانواده و فرار از تهیه مخارج تحصیل، فرزندان خود را به جای فرستادن به مدرسه، روانه بازار ختن کار کنند. کودکان بیشتر در بخش‌های کشاورزی و واحدهای صنعتی کوچک مشغول به کار هستند.

برای مبارزه با این معضل اجتماعی، هیچ اقدام جدی صورت نگرفته است. حتی مقامات مسئول نیز اعتراف می‌کنند تمام قوانین و مصوبات

وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم هیچ وقت استراحت نداشتم، تفریح نداشتم، فکرم آزاد نبود. مزه بچگی را نفهمیدم. باور کنید بعضی وقت‌ها در تسهیلی‌گریه می‌کنم. مسئولیت و کار یک عقده بزرگ برای من شد. وقتی به بچه‌ها نگاه می‌کنم حسرت می‌خورم.»

دوران کودکی را برای یک خبرنگار روزنامه چنین بیان کرده است: «از ۸ سالگی پدرم را از دست دادم. برای اداره منزل از همان موقع مجبور شدم کار کنم. میوه‌فروشی، لوبوفروشی، زمان مدرسه هم بعدازظهرها در نانوايي کار می‌کردم. تا کم‌کم بزرگ شدم. الان فرش‌فروش هستم و زندگی خوبی دارم ولی

## خلخالی: نهضت آزادی‌ها خوب هستند، اما هویدا را اگر زنده بود بازهم اعدامش می‌کردم!

هستند نیز اراده دارم. خلخالی در مورد نهضت آزادی گفت: آدم‌های این حزب افراد خوبی هستند، آقای بازرگان مرد شریفی بود، آقای ابراهیم یزدی هم آدم خوبی است و سحابی‌ها هم که در دیانتشان شکی ندارم. در مجلس سوم برادر مرحوم بازرگان به رحمت خدا رفته بود من و چند نماینده دیگر به دستور اسام (ره) در مراسم ختم وی شرکت کردیم. وی در مورد قتل‌های زنجیره‌ای گفت: مرحوم فروهر را می‌شناختم قتل فجیعی بود. قاتلان هم دستگیر شده‌اند، باید فرصت داد تا همه چیز روشن شود. وی در برابری این پرسش که: خیلی‌ها می‌گویند از اعدام هویدا پشیمان شده‌اید، این‌گونه است؟ گفت: فقط می‌توانم بگویم اگر در این جا همراه شما بود باز هم اعدامش می‌کردم!

یک شبکه تلویزیونی اتریش به هنگام سفر رییس‌جمهوری این کشور به ایران با چند تن از مقامات ایرانی گفت‌وگوهایی را انجام داد. یکی از این افراد صادق خلخالی بود که اکنون مدت‌هاست به علت بیماری و ضعف جسمانی و شاید هم به دلیل سابقه‌اش در اعدام صدها نفر، به حاشیه سیاست منتقل شده و در شهر قم زندگی آرامی را می‌گذراند. خلخالی در این مصاحبه گفته است که من در چپ و راست حکومت دوستان زیادی دارم، برای من صداقت افراد مهم است، اما آنچه واقعیت دارد این است که ما به نیروهای چپ، مجمع روحانیون مبارز و نهضت آزادی بیشتر نزدیکی هستیم و از نیروهای راست به آقای مهدوی کنی که شخص صادق و خوبی

## دادگاه ویژه روحانیت مدیر مسئول هفته‌نامه آبان را احضار کرد

اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. مطابق ماده ۴ قانون فعلی مطبوعات، شورای عالی امنیت ملی و دادگاه عالی روحانیت نمی‌توانند برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای، در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآیند یا به کنترل نشریات مبادرت کنند.

روابط عمومی هفته‌نامه آبان در اطلاعیه خود بار دیگر تاکید کرده است: دادگاه ویژه روحانیت و جهات قانونی ندارد، به مصوبه‌ای غیرقانونی استناد کرده است و مدیرمسئولی را که روحانی نیست، به دادگاهی که ویژه روحانیون است، فرا خوانده است. اما علیرغم این تخلفات آشکار، ظاهراً هیچ مقام و مسئول نهادی در جمهوری اسلامی وجود ندارد که خودسری‌های این دادگاه را که در کنار دادگاه مطبوعات، به اعمال فشار علیه مطبوعات اصلاح‌طلب مشغول است، مهار کند.

به گزارش روابط عمومی هفته‌نامه آبان، محمدرضا علیپور مدیرمسئول این نشریه، برای بار دوم در طول چند هفته اخیر به دادگاه ویژه روحانیت فراخوانده شده است. این روابط عمومی، اتهام علیپور را «ترویج سیاسی آیت‌الله منتظری و تبلیغ علیه نظام» عنوان کرد.  
به گزارش روزنامه‌ها، دادگاه ویژه روحانیت استاد خود برای احضار مدیرمسئول غیرروحانی هفته‌نامه آبان از سوی این دادگاه را، مصوبه شورای عالی امنیت ملی می‌داند که بر پایه آن، دادگاه ویژه روحانیت می‌تواند با مطبوعاتی که به ترویج سیاسی آیت‌الله منتظری می‌پردازند، «برخورد» کند.  
مدیران مطبوعات می‌گویند چنین مصوبه‌ای هرگز برای آن‌ها ارسال نشده است و مسئولان وزارت ارشاد نیز از وجود آن

«کار» را از هر طریق که می‌توانید

به دست دوستان و آشنایان خود در ایران برسانید!



### بحران در جامعه روحانیت مبارز!

در یکی از جلسات این نهاد، دیگر در جلسات جامعه روحانیت شرکت نکرده و بعد از این هم شرکت نخواهم کرد».

با توجه به بروز اختلافات در میان این نهاد روحانیون محافظه کار، محافل طرفدار دولت، احتمال انشعاب در جامعه روحانیت مبارز را مطرح کرده‌اند. محمد سلامتی دبیرکل

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در گفتگویی با روزنامه آزاد پیرامون این موضوع گفت: «جامعه روحانیت مبارز با سومین بحران انشعاب روبرو است». به گفته وی: «جامعه روحانیت مبارز تاکنون ۲ بحران این چنینی را در زمینه انشعاب پشت سر گذاشته است. یکی در سال ۱۳۶۰ که عده‌ای از اعضای آن، مجمع روحانیون مبارز را

پس وجود آوردند و دیگری در آستانه انتخابات مجلس پنجم که بخصوص هاشمی رفسنجانی را به مسیری کشاندند که در آن انتخابات صف خود را جدا کرد و از حزب کارگزاران سازندگی حمایت کرد. در حال حاضر این مشکل مرحله دیگری از چنین بحرانی را تجربه می‌کند که سومین بحران انشعاب محسوب می‌شود».

### میل به زندگی در دختران تهرانی کاهش یافته است

مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور زنان گفت به دلیل فقدان نگرش جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، افسردگی، احساس بی‌هنری و رخوت در دختران افزایش یافته است. وی ضمن اعلام این خبر افزود: این در حالی است که میل به حیات و زندگی نیز در دختران تهرانی کاهش یافته است. مدیرکل دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش اضافه کرد: میل به خودکشی در تهران، روزانه ۲۰ نفر است که این امر در هشت نفر به وقوع می‌پیوندد. بیشترین این افراد را دختران تشکیل می‌دهند. وی اعلام کرد: آهانت، خشونت، احساس سردرگمی در زندگی و نیز احساس اضافی و سر بار دیگران بودن، عمده‌ترین علل تمایل به خودکشی در دختران است که خود ناشی از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی موبیان بدون داشتن نگرش جنسیتی و نبودن فضای مناسب برای اوقات فراغت دختران جوان است.

### سفر به فرانسه با یا بدون ضیافت شام؟!

برگزاری سی‌ودومین کنفرانس سالانه یونسکو در ماه میلادی جاری در پاریس و دعوت فدریکو مایور دبیرکل این سازمان از خاتمی برای سخنرانی در کنفرانس، مسئله سفر به تواریخ داغ کرده است. موضوع سفر خاتمی به فرانسه یکسال و چند ماه پیش در جریان دیدار او بر وزیر خارجه فرانسه در تهران برای نخستین بار مطرح شد. او در آن سفر اعلام کرد که ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه از خاتمی برای یک دیدار رسمی در بالاترین سطح دعوت به عمل آورده است. در بهار امسال هنگامی که قرار بود خاتمی مدتی بعد از سفر نسبتاً موفقیت‌آمیز خود به ایتالیا به فرانسه سفر کند، وجود جام شراب بر سر میز ضیافت شام پذیرائی از رئیس جمهور ایران بهانه‌ئی شد تا خاتمی سفر خود را به فرانسه به تعویق اندازد. ارزیابی‌ها در آن زمان نشان می‌داد که آن هنگام، زمان مناسبی برای خاتمی که قصد داشت با تبلیغات گسترده آن سفر را به سفری تاریخی تبدیل کند نبوده است چرا که چنین سفری در زمان حمله نیروهای کشورهای ناتو به یوگوسلاوی نمی‌توانست بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های عمومی جهان پیدا کند. حدت

جمهوری اسلامی سده‌شبه گذشته ایراد کرد، مشخص شد دولت جمهوری اسلامی برای سفر خاتمی به فرانسه اهمیت زیادی قائل است و این بار به بهای آن‌که دیدار در بالاترین سطح صورت نگیرد آماده نشان دادن رهنش بیشتری است تا این سفر انجام پذیرد و رژیم از طریق خاتمی به اعتبار معینی دست یابد.

اما خاتمی اکنون در مقایسه با اوایل سال، احتمالاً کمتر اعتبار آفرین خواهد بود. در این فاصله وقایع دانشگاه رخ داد و خاتمی نتوانست در پایان آن حوادث بر محبوبیت خود میان دانشجویان و مردم بیفزاید. در هفته‌های اخیر حکم اعدام ۴ نفر از دستگیرشدگان وقایع دانشگاه صادر شده است و معلوم نیست که سرنوش ۱۳ یهودی دستگیر شده به اتهام جاسوسی چه خواهد شد. افکار عمومی جهانیان خاتمی را نیز در کنار دیگر سران رژیم، مسئول اتفاقات روی داده در کشور می‌دانند و وی در مقام دوم مملکت به عنوان رئیس جمهور، طبعاً باید پاسخگوی تمام اعمال نادرست رژیم باشد. ایرانیان مقیم فرانسه و دیگر کشورها نیز قطعاً خواهان پاسخ روشن و اعلام موضع صریح وی در قبال رویدادهای اخیر کشور هستند.

بحران‌های داخل رژیم نیز از عواملی بود که تعویق آن سفر را ایجاب می‌کرد. با این همه اصل پذیرائی با شراب در ضیافت شام رئیس جمهور فرانسه را نمی‌توان از زاویه سیاسی نیز موضوع جنبی و بی‌اهمیتی تلقی کرد. این رسم جاافتاده دیپلماتیک کشور فرانسه است که برای عالی‌رتبه‌ترین مهمانان خود ضیافت شام ترتیب دهد و با بهترین شراب‌ها از آنان پذیرائی کند. اما در مقابل این رسم تدارک‌کنندگان آئین‌های رسمی از جانب رژیم ایران شده است که هم در مقام میزبانی و هم در موقعیت مهمانی سعی نمایند شرایط خود را به طرف مقابل تحمیل کنند.

دولت فرانسه برای حل مشکل پیشنهاد کرده است که سفر خاتمی در سطحی پایین‌تر که برپایی ضیافت شام را ایجاب نمی‌کند برگزار گردد تا هیچ یک از دو طرف مجبور به عدول از مواضع خود نشوند. هر چه باشد اصل دیدار و گفتگوهای فی‌مابین و کنفرانس‌های مطبوعاتی بعد از آن است که اهمیت دارد و تجربه نشان داده است که سخنرانی‌های پر از تعارفات سیاستمداران بر سر میز شام اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار قرار نمی‌دهد. بر اساس سخنانی که حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت خارجه

### مسئولان روزنامه نشاط، «عصر آزادگان» را منتشر کردند

علیرغم این که به حکم دادگاه مطبوعات، روزنامه نشاط برای همیشه به محاق توقیف درآمده است، اما پیرونده آن همچنان مفتوح است و گردانندگان آن به جلسات طولانی بازجویی فرا خوانده می‌شوند. هفته گذشته قاضی مرتضوی، ماشاءالله شمس‌الواعظین را به دادگاه فرا خواند و او را به عنوان «مطلع» ۵ ساعت بازجویی کرد. اما در همان زمان که شمس‌الواعظین به سین جیم‌های قاضی مطبوعات پاسخ می‌داد، روزنامه تازه او به نام عصر آزادگان در آستانه انتشار بود!

روزنامه عصر آزادگان در روز پنجشنبه ۱۵ مهر ماه نخستین شماره دوره جدید خود را به سردبیری ماشاءالله شمس‌الواعظین که اکنون دیگر بدلیل مقاومتش در برابر مستبدین، به مشهورترین روزنامه‌نگار ایرانی تبدیل شده است، انتشار داد. نخستین شماره عصر آزادگان که صبح‌ها انتشار می‌یابد، تیتیر اصلی خود را «بازگشت آزادگان به جامعه» انتخاب کرد که یادآور تلاشی

است که با «جامعه» آغاز شد و همچنان ادامه دارد. عصر آزادگان را همان مسئولان روزنامه‌های جامعه، توس و نشاط منتشر می‌کنند و اگر

کسانی از آن‌ها به دلیل حکم دادگاه از کار مطبوعاتی محروم شده و یا حکم زندان را در جیب دارند، دیگران جای آن‌ها را گرفته‌اند. صاحب‌امتیاز و مدیر

مسئول روزنامه عصر آزادگان غفور گرشاسبی است و حمیدرضا جلالی‌پور رئیس شورای سیاست‌گذاری این روزنامه است.

مقامات امنیتی: مجاهدین تیم‌های ترور به ایران اعزام کرده‌اند

مقامات وزارت اطلاعات هفته گذشته اعلام کردند سازمان مجاهدین خلق «سه یا چهار تیم ترور جهت ایجاد درگیری به ایران گسیل داشته است». روزنامه تهران تایمز که این خبر را منتشر کرده است، از قول منابع اطلاعاتی نوشت: «تروریست‌ها در تهران مستقر شده‌اند تا فرصتی بدست آورده و دانشجویان را برای وجود آمدن اغتشاش تحریک کنند». به گفته وی این تیم‌ها «طرح خاصی برای فراهم آوردن زمینه جهت دامن زدن به مسائل اجتماعی و ایجاد اغتشاش دارند». این منابع در عین حال تاکید کردند: «احتیاجی به نگرانی نیست. نیروهای انتظامی اوضاع را دقیقاً تحت نظر دارند و تدابیر لازم برای به دام انداختن آنها

### نهضت آزادی:

### حضور محافظه کاران برای توسعه سیاسی و تعادل پایدار ضروری است.

نهضت آزادی ایران در اعلامیه‌ای که بعد از سخنرانی خاتمی انتشار داد، از سخنان وی در جهت حمایت از رئیس جمهور استقبال کرد و «امواج جدید خشونت‌خواهی و تهاجم گسترده علیه مطبوعات مستقل» را «آماده‌سازی زمینه برای حمله وسیع‌تر به حقوق ملت در آستانه انتخابات مجلس ششم» دانست. نهضت آزادی نوشت: «فراپسند تحولات سیاسی به گونه‌ای و در مسیری است که بی‌تردید ترکیب نمایندگان مجلس آینده را تغییر خواهد داد و این چیزی نیست که بتواند با تعظیم و بستن چند روزنامه جلوی آن را گرفت».

به نظر نهضت آزادی «دو جریان اصلی درون حاکمیت به مصادف با هم برخاسته‌اند. هر دو جریان درباره نتایج نهایی انتخابات دچار وهم و اغراق هستند. نیروهایی که خود را «جبهه دوم خرداد» می‌نامند، چنین تبلیغ می‌کنند که گویی محافظه کاران از مجلس ششم به کلی حذف خواهند شد. محافظه کاران نیز به راستی همین تصور و نگرانی را پیدا کرده‌اند، در حالی که هر دو جریان در اشتباه هستند». نهضت آزادی ایران محافظه کاران را دارای «ریشه‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» خواند و «وجود و حضور آنان در صحنه سیاسی و ساختار قدرت» را «اجتناب‌ناپذیر» خواند. در این اعلامیه تصریح شده است: «جریان اصلاح طلب درون و یا بیرون حاکمیت باید این وضعیت را بپذیرد و این تصور ذهنی را که می‌تواند محافظه کاران را به کلی از صحنه بیرون براندازد

فراموش کنند». نهضت آزادی نوشت: «حضور محافظه کاران برای تعادل و تعادل پایدار ضروری است. بنابراین، هدف نباید حذف محافظه کاران، بلکه تغییر شیوه‌های عمل آنها باشد. محافظه کاران نیاز به فهم پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه کنونی دارند تا بتوانند به تناسب و به اقتضای شرایط کنونی سخن بگویند و عمل کنند. آنچه سخنگویان برجسته و شناخته‌شده جریان محافظه کاران تاکنون گفته و عمل کرده‌اند، هم به زبان خود آنان و هم به زبان مملکت بوده است». نهضت آزادی در ادامه بیانیه خود نوشت: «حضور فعال محافظه کاران و تغییر در روش‌ها و شیوه‌ها و قبول مقررات قانونمند تعامل میان نیروهای سیاسی، به این گروه امکان می‌دهد بر فرایند تحولات اجتناب‌ناپذیر به سوی مدرنیته و بومی کردن مفاهیم و مقولات بنیادین، تاثیرات مثبت و مفیدی بر جای بگذارد». هم‌چنین بر اصلاح طلب و هم محافظه کاران نمی‌تواند و نباید انتظار همه یا هیچ داشته باشند. اساس توسعه سیاسی و جامعه مدنی بر قبول و تن در دادن به حضور همه نیروهای سیاسی و فکری و پذیرش اصول سازگاری اجتماعی و سیاسی است. در چنین چارچوبی است که جهت حل معضلات و مشکلات و هفکری هر دو جریان ناگزیر باید ضرورت حضور فعال نیروهای ملی - مذهبی را نیز بپذیرند. هر نوع تلاش برای حذف و یا نادیده نگاشتن این نیروها در نهایت بر فرایند توسعه سیاسی اثرات باز دارند و منفی خواهد داشت».

### مجلس چندین ماده محدودکننده دیگر بر قانون...

ادامه از صفحه اول

مقررات جدید، نه تنها عضویت، که حتی هواداری از «احزاب و گروه‌های غیرقانونی» نیز دلیلی کافی برای رد صلاحیت کاندیداهاست. از آنجا که منصوبین شورای نگهبان در هیأت‌های نظارت در درباره رد صلاحیت کاندیداهای تصمیم می‌گیرند، با مصوبه جدید دست آنها باز گذاشته شده است تا صلاحیت هر کس را که بخواهند جمهوری اسلامی رد کنند. «هواداری» یک مقوله حقوقی نیست و هیچ جا تعریف نشده است. هر عضو هیأت‌های نظارت می‌تواند به اتهام «هواداری» از اپوزیسیون، هر کس را که بخواهد از دور انتخابات کنار بگذارد.

آش زبانی شور شده است

مصوبات اکثریت مجلس برای اصلاح قانون مطبوعات چنان رسوا و غیرقابل دفاع است که حتی شورای نگهبان نیز نتوانسته است همه آن چه را که آنان تصویب کرده‌اند، مورد تایید «قانونی» قرار دهد.

شورای نگهبان مجبور شد یکی از مصوبات مجلس شورای اسلامی مبتنی بر دخالت این شورا در عزل و نصب مقامات محلی وزارت کشور را مخالف با قانون اساسی اعلام کرده و آن را رد کند! اکثریت محافظه کار مجلس در جریان اصلاح قانون انتخابات مصوبه‌ای را به تصویب رسانده بود که بر طبق آن وزارت کشور را مجبور می‌ساخت مطابق نظر

شورای نگهبان، مسئولان محلی و وزارت کشور یعنی فرمانداران و بخشداران را که مسئول اجرایی انتخابات هستند، برکنار کند. این مصوبه اعتراضات زیادی را برانگیخت و از سوی طرفداران دولت به معنای دخالت شورای نگهبان در مسایل اجرایی انتخابات تفسیر شد.

وزارت کشور: اجرا نمی‌کنیم!

در مقابله با تدارکات جناح راست مجلس، معاون وزارت کشور دولت خاتمی اعلام کرده است که نظر به پایمال شدن حق مستغنیان شهریورماه و دیر تصویب شدن قانون اخیر در مجلس، این وزارتخانه قانون قبلی انتخابات را اجرا خواهد کرد.

هنوز معلوم نیست که آیا وزارت کشور بر این موضع خود باقی خواهد ماند یا نه؟ اما بدون تردید یکی از محورهای اختلاف در هفته‌های آینده این خواهد بود که آیا قانون قدیم باید سبانی برگزاری انتخابات قرار گیرد یا دستپخت تازه مجلس. ترکیب هیأت‌های نظارت بر انتخابات نیز از محورهای دیگری است که از هم اکنون پیرامون آن اختلافات نظرات بروز کرده است و هواداران دولت از آن شکوه می‌کنند که ترکیب هیأت‌های نظارت دارد کاملاً یک دست و به نفع محافظه کاران تعیین می‌شود.

مشکل همچنان باقی است

امسا موضوع اصلی یعنی

نظارت استصوابی شورای نگهبان، تقریباً از مواد درگیری جناح‌های حکومتی حذف شده است. با توجه به تصمیم مجلس بر تایید نظارت استصوابی شورای نگهبان، هواداران حکومتی اصلاحات، مبارزه در این عرصه را رها کرده و اکنون به تاکتیک‌های دیگری می‌اندیشند که بتوانند زبان‌های ناشی از این نظارت را به حدائق برسانند. راه حلی که آنان یافته‌اند، معرفی تعداد زیاد کاندیداهاست تا بلکه گروهی از آنان از صافی شورای نگهبان بگذرند. بر این تاکتیک ایرادی نیست، اما مبارزه با نظارت استصوابی شورای نگهبان را نباید لحظه‌ای به فراموشی سپرد. اگر در مجلس این مبارزه پایان یافته است، اما در جامعه تازه آغاز کار است و باید همچنان به مخالفت با این حق ضددمکراتیک ادامه داد و عرصه را بر شورای نگهبان چنان تنگ کرد که برای حذف هر کاندید نامیدگی مجلس، انتظار یک اعتراض گسترده را داشته باشد.

برای نیروهای دمکراتیک، وظیفه مهم دیگری نیز در این روزها وجود دارد. این وظیفه دفاع خستگی‌ناپذیر از حق شرکت نیروهای دگراندیش در انتخابات مجلس و پافشاری بر این حقیقت است که بدون شرکت همه نیروها و گرایش‌های سیاسی در ایران، هرگز نمی‌تواند یک مجلس ملی واقعی و دمکراتیک در کشور تشکیل شود.

شماره پیام‌گیر دفتر «کار»: ۹۳۲۲۱۳۶ - ۲۲۱ - ۰۰۴۹

حسن غفوری فرد

دبیرکل

جامعه‌اسلامی مهندسين:

**اگر کارگزاران تمام مواضع آقای هاشمی را بپذیرند، شاید با آنها ائتلاف کنیم**

حسن غفوری فرد، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين است. این جامعه اسلامی، از گروه‌های موثر در تعیین سیاست‌های محافظه‌کاران است. روزنامه صبح امروز در مصاحبه‌ای با او نظرات جامعه اسلامی مهندسين در خصوص انتخابات را جویا شده است. خلاصه‌ای از این مصاحبه در این روزنامه چاپ شده است که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

حسن غفوری فرد، دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين به خبرنگار صبح امروز گفت: احتمال ائتلاف جناح راست با کارگزاران به هیچ وجه وجود ندارد. ما تا به حال هیچ بحث جدی در این باره نداشته‌ایم، چرا که در دیدگاه و اصول با کارگزاران اختلاف زیادی داریم. البته این احتمال وجود دارد که نام آقای هاشمی رفسنجانی و چند نفر دیگر هم در فهرست ما وجود داشته باشد و هم در فهرست کارگزاران، اما این اصلا به معنای ائتلاف نیست. وی افزود: از نظر ما حساب کارگزاران از آقای هاشمی جداست، اما اگر اعلام کنند که تمام مواضع آقای هاشمی را قبول دارند شاید با آنها ائتلاف کنیم، اما من بعید می‌دانم آنها چنین کاری نکنند. غفوری فرد در پاسخ به این پرسش که «ترکیب مجلس ششم را چگونه پیش بینی می‌کنند»، گفت: تحلیل شخصی من این است که ترکیب مجلس ششم تغییر چندانی نخواهد کرد. همه چیز بستگی به این دارد که ما کاندیداهایمان را چقدر قوی انتخاب کنیم، ما در این مورد برنامه‌ریزی کافی کرده‌ایم و چهره‌های محبوب و تازه را معرفی خواهیم کرد. دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين گفت: ما چه شکست بخوریم چه نخوریم، باید مواضع خود را بازبینی و اصلاح کنیم و اگر می‌خواهیم به حیات سیاسی خودمان ادامه بدهیم باید به مردم نزدیک شویم. وی در باره دلائل شکست جناح راست در انتخابات، گفت: شاکت جناح راست در انتخابات ریاست جمهوری گفت: ما از دولت قبلی (هاشمی رفسنجانی) حمایت زیادی کردیم، در نتیجه اشکالاتش برای ما ماند و منافعش برای کارگزاران. مردم ضعف‌های دولت قبل را به پای ما نوشتند و این یکی از دلائل شکست ما بود!

حسین مرعشی نماینده کرمان و نمایبرنیس فراه‌کسیون طرفداران دولت در مجلس، بعد از زندانی شدن غلامحسین کرباسچی به عنوان جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی برگزیده شد. عقیده بسیاری بر این است که مرعشی خط‌مشی بسیار محافظه کارانه‌تر از غلامحسین کرباسچی که در مجموع به سوی جناح چپ گرایش داشت، در پیش گرفته و کارگزاران را به سوی محافظه‌کاران می‌راند. او هنوز در جریان انتخابات مجلس ششم، تکلیف حزب خود و دیگران را روشن نکرده و صراحتاً نمی‌گوید که می‌خواهد با کدام نیروها وارد ائتلاف شود. در مصاحبه‌ای که می‌خوانید او از ائتلاف با نیروهای معتدل دو جناح سخن رانده است. در محافل سیاسی، نفوذ بی‌چون و چرای هاشمی رفسنجانی بر حسین مرعشی که رابطه نزدیک خانوادگی نیز با او دارد، بر کسی پوشیده نیست.

بخش‌هایی از مصاحبه روزنامه صبح امروز با جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی را که به مسایل روز مربوط می‌شود، در زیر می‌خوانید:

● شما صحبت از بازسازی جناح راست کردید، حالا اگر جناح راست نشانه‌هایی از بازسازی را در خود نمایش بدهد، آیا در مورد انتخابات مجلس ششم می‌توانیم شاهد ائتلاف کارگزاران با آنها باشیم؟

○ مرعشی: ما در مورد ائتلاف با گروه راست هیچ‌گونه بحثی نداشته‌ایم و اقیق روشنی هم برای این بحث نمی‌بینیم. ما مذاکرات و جلسات مختلف با دوستان دوم خرداد را در مجموعه دوم خرداد هنوز داریم، مشکلی هم نمی‌بینیم. توصیه ما این است که هم روی آن ملاک و معیاری که در انتخابات ریاست جمهوری عمل کردیم با مردم کار کنیم تا بتوانیم موقعیت مردمی خودمان را حفظ کنیم. اگر آن ملاک و معیار را ترک نکنیم و با جامعیت و مطرح کردن شایسته‌ترین‌ها عمل کنیم، فکر می‌کنم مشکلی وجود نخواهد داشت.

● در انتخابات شوراها، خانم روشنگر سیاسی، نامزد اختصاصی کارگزاران رتبه مناسبی نداشت. این مساله نشان داد که اگر کارگزاران در انتخابات مجلس ششم ائتلاف نکنند، قطعاً موفق نخواهند بود. سوال من این است که شما به‌طور مشخص در انتخابات مجلس ششم با چه جناح و گروه‌هایی ائتلاف خواهید کرد؟

○ ما در مورد ائتلاف چهره به

**حسین مرعشی جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی:**

**بخش‌های متعادل جناح‌های چپ و راست می‌توانند با کارگزاران کار کنند**

چهره، در مورد احزاب تصمیم می‌گیریم نه در مورد یک جناح خاص. ما با دوستانمان در مجموعه دوم خرداد تفاهم‌های خوبی داریم، منتها تا در مورد افراد به توافق نرسیم نمی‌توانیم به‌طور قطعی چیزی را در مورد کسی بگوییم. در مورد عدم انتخاب خانم سیاسی هم پیام بهتری از آن دریافت کرده‌ایم که می‌تواند برای همه گروه‌ها پیام مهمی باشد. پیامش هم این است که اگر گروه‌ها به‌جای مطرح کردن افسراد شناخته‌شده و منتقد و باسابقه، سراغ عناصر داخلی خودشان بروند همین مشکلات ممکن است برای همه به‌وجود بیاید.

● با توجه به اینکه آقای هاشمی قصد دارند وارد صحنه انتخابات شوند و در جبهه دوم خرداد دیدگاه‌های یکسانی نسبت به ایشان وجود ندارد، آیا شاخص شما برای ائتلاف با دوم خرداد، آقای هاشمی است؟

○ آقای‌هاشمی هیچ تصمیمی در مورد حضور در انتخابات نگرفته‌اند و اگر ایشان تصمیم گرفتند، ما هم به‌موقع نظرم‌ان را اعلام خواهیم کرد.

● اخیراً هاشمی از انشعاب در کارگزاران سخن آمد و شما آن را تکذیب کردید، اما با توجه به اینکه کارگزاران قصد محکمی برای حضور در مجلس ششم دارند، آیا این امکان وجود دارد که کارگزاران به یک انشعاب صوری دست بزنند و جناح چپ کارگزاران با جبهه دوم خرداد ائتلاف کند و جناح راست کارگزاران با جناح چپ راست و از این طریق نمایندگان دو طیف خود را به مجلس بفرستند؟

○ ما در کارگزاران چیزی به نام جناح چپ و جناح راست نداریم. کارگزاران مجمع منسجمی است که بخش‌های متعادل از جناح چپ و جناح راست می‌توانند با کارگزاران کار کنند، ما اصلاً این حرف را که کارگزاران جناح چپ و جناح راست دارد را قبول نداریم همه یک جناحند.

● فرض کنید جناح چپ کارگزاران مثل آقای مهاجرانی، آقای کرباسچی و آقای عطربانقر و...

○ این تقسیم‌بندی را شما در ذهن خودتان دارید، ما چنین تقسیم‌بندی را در کارگزاران نداریم. کارگزاران مجموعه منسجم‌اند و هدفشان هم این نیست که حتماً به مجلس راه پیدا کنند، هدفشان این است که بتوانند کشور را به سمت انتخاب بهترین‌ها و جامع‌ترین افراد ببرند که مجلس مفید و سازنده و متینی داشته باشیم.

● چرا آقای هاشمی از آقای

کرباسچی آن چنانکه مردم انتظار داشتند حمایت نکرد و در نامه آقای کرباسچی هم رگه‌ای از دلخوری پیدا بود. نظر شما در این باره چیست؟

○ آقای هاشمی حمایت همه جانبه‌ای از آقای کرباسچی چه در دورانی که آقای کرباسچی شهردار آقای هاشمی بودند، چه در دوران هشت سال سازندگی که عضو هیات وزیران بودند و حمایت‌های جدی هم از برنامه‌های سازندگی تهران داشتند. موفقیتهای آقای کرباسچی مرهون قضایای است که به همت آقای هاشمی وجود آمد.

● این حمایت، زمانی بود که آقای کرباسچی مشغول کار بودند. بعد از این دوران هم آقای هاشمی حمایت‌های جدی خودشان را داشتند. منتها آقای هاشمی با رعایت مسائل عالیه نظام و در چارچوب نظام، حمایت خودشان را اعمال کردند و شاید به دلائل خاص خودش، تأثیراتش محدود بوده و اگر روزی مصلحت باشد می‌شود نمونه‌های بارزی از حمایت‌های آقای هاشمی را ارائه کرد، منتها حالا ما مصلحت نمی‌دانیم اینها طرح شود. جناب هاشمی آقای کرباسچی را در پاسخ نامه‌شان، مدیر صالح تلقی کردند و ایشان را صالح می‌دانند و الان هم معتقدند که در حق آقای کرباسچی چغاشده...

● چرا آقای هاشمی به عنوان دبیرکل جامعه روحانیت انتخاب نشد؟

○ سالیات که روحانیت مبارز اصرار دارد که آقای هاشمی ریاست آن را بپذیرد و ایشان نمی‌پذیرند و قاعدتاً فرصت خیلی مختصی است که ایشان این سمت را بپذیرند و دبیرکل روحانیت مبارز تهران بشوند و می‌دانیم که آقای هاشمی از بنیان‌گذاران و موسسان و از اعضای جامعه روحانیت مبارزند.

● گفته می‌شود آقای هاشمی و آقای یزدی برای روحانیت مبارز نامزد شده بودند که...

○ آقای هاشمی مطلقاً نامزد ایشان گرفته شده بود و اصرار هم بود که ایشان بپذیرند ولی آقای هاشمی نپذیرفت و آنها به سراغ آقای مهدوی کئی رفتند.

● چه ترکیبی از مجلس ششم به دست می‌دهید؟

○ به نظر من ترکیب مجلس ششم بستگی به تصمیمات و عملکرد جناح‌های سیاسی دارد. هر جناح سیاسی می‌تواند از خودش ظرفیت بیشتری برای سازماندهی مردم نشان دهد و گرایش واقعی بیشتری به سمت مشکلات و خواست‌های سیاسی مردم از خودش نشان بدهد و بیشتر با مردم سازگار باشد. ما باید ببینیم که آیا برای مردم ما مسائلی هست که در اولویت است و باید حل شود؟

○ ما فصلت‌های مردم را در اولویت قرار می‌دهیم. ما باید ببینیم که آیا برای مردم ما مسائلی هست که در اولویت است و باید حل شود؟

● شما شرایط خودتان را در مجلس ششم چگونه می‌بینید؟

○ من بستگی به عوامل متعددی دارم. نمی‌توانم خیلی پیش‌بینی مشخصی را ارائه کنم. در مورد دادگاه‌ها...  
● در مورد آقای کرباسچی آیا کارگزاران در این مورد کاری انجام خواهد داد یا نه؟  
○ ما فعلاً مصلحت می‌دانیم که در این مورد سکوت کنیم.  
● نظر شما (کارگزاران) در مورد توقیف روزنامه زن چیست؟  
○ ما توقیف روزنامه زن را غیرقانونی می‌دانیم. هیچ حکمی هم تا الان به مسئولان روزنامه زن داده نشده و فکر می‌کنم هر چه سریعتر باید در یک محکمه صالح‌جای به این مورد رسیدگی شده و تعیین تکلیف شود.  
● چرا از سوی مسئولان روزنامه، قضیه پیگیری نمی‌شود؟  
○ اعتراضی خانم هاشمی دادند.  
● حداقل در جامعه مطبوعاتی این انتظار وجود داشت که برای رفع توقیف روزنامه زن تلاش می‌شود، زیرا با توجه به نفوذ آقای هاشمی...  
○ روزنامه‌ای را بسته‌اند دیگر. می‌توانیم چکار کنیم؟ الان روزنامه سلام بسته شده، شما چکار می‌کنید، اعتراض دانشجویان در کوی دانشگاه حرکتی بود که نسبت به توقیف سلام در جامعه انجام شد و جامعه مطبوعاتی همانطور که برای روزنامه زن تلاش کرد برای کوی دانشگاه هم تلاش کرد.  
● به عنوان آخرین سوال، نگاه کارگزاران در باره رابطه با آمریکا چیست؟  
○ باشد برای فرصتی دیگر! □

**شکوری‌راد**

**عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی: کارگزاران چنانچه از تاثیر هاشمی به دور باشند، هرگز به سوی ائتلاف با جناح راست حرکت نخواهند کرد.**

مجموع نیروهای خطامام و جبهه مشارکت به مراتب بیشتر است و طبیعی است در آینده این‌ها به نوعی از مواضع یکدیگر حمایت بیشتری کنند و یقیناً از مجموعه نیروهای دوم خرداد مجمع روحانیون مبارز عنصر و عامل مهمی است که می‌تواند خرده‌اختلاف‌ها را تعدیل کند.

● همانطور که مطلعید، آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای با یکی از روزنامه‌ها در خصوص کاندیداتوری خود در انتخابات اظهار داشت که قصد شرکت در انتخابات را می‌خواند: نام او را در لیست خود جای خواهید داد؟

○ در خصوص حضور هاشمی در انتخابات، هیچ‌کس نمی‌تواند تا لحظه‌ای که فهرست اسامی کاندیدها برای آغاز تبلیغات اعلام شود، نظر قطعی دهد و حتی اگر ایشان ثبت‌نام هم کنند، در مورد ادامه حضورش در انتخابات نمی‌توان تفاوت کرد، چرا که رفتار سیاسی آقای هاشمی پیچیده است و حضور وی در انتخابات هم مقدماتی را می‌طلبد و هم او نتایجی را ارزیابی می‌کند و اگر مقدماتی فراهم نشود و آن نتایجی که برایشان مدنظر است حاصل نشود، بعید به نظر می‌رسد وارد عرصه مهم شود و به نظر من هاشمی وارد صحنه‌ای می‌شود که نتایج آن را از قبل پیش‌بینی کرده باشد. لذا این که ایشان هر زمانی تصمیم جدیدی بگیرند قابل پیش‌بینی است و اگر قطعاً و صریحاً هم اعلام نظر کنند، باز باید منتظر آینده بود تا ببینیم چه رفتاری را عملاً انجام می‌دهند.

○ در گروه‌ها و نیروهای جبهه دوم خرداد هم کسانی هستند که اظهار می‌کنند اگر هاشمی در لیست ائتلاف قرار گیرند، آنها از لیست ائتلافی بیرون خواهند کشید و کسانی هستند که خواهند گفت اگر هاشمی در لیست باشند در انتخابات شرکت خواهند کرد و طبیعی است حضور و عدم حضور هاشمی در انتخابات، در ائتلاف بزرگ دوم خرداد نقش خواهد داشت و در این خصوص، برخی از اعضای جناح راست است معتقدند: باید اجازه داد روند طبیعی انتخابات شکل گیرد و آنها اقلیت قدرتمندی را در مجلس به دست آوردند چرا که اکثریت خود را از دست‌دهنده می‌بینند، از حضور هاشمی و نیز تصدی ریاست مجلس توسط وی استقبال می‌کنند و زمینه شایعه‌ها را دامن می‌زنند که ممکن است کارگزاران با جناح راست ائتلاف بکنند. ولی من فکر می‌کنم تشکیلات کارگزاران چنانچه از تاثیر هاشمی به دور باشند، هرگز به سوی ائتلاف با جناح راست حرکت نخواهند کرد.

● برخی حضور آقای خوینئی‌ها را در انتخابات به عنوان وزنه‌ای در مقابل آقای هاشمی رفسنجانی قلمداد می‌کنند. در صورت حضور خوینئی‌ها فضای انتخابات چگونه خواهد بود؟

○ حکم دادگاه ویژه به نوعی ناظر به این بود که نوعاً مانع از شرکت موسوی خوینئی‌ها در انتخابات باشد و به نظر می‌رسد دانسته یا نادانسته، حکم را طوری تنظیم کردند که براساس قانون، بتوان مانع از حضور خوینئی‌ها در انتخابات شد... □

**اعلامیه ضد دولت را از روی ستون تلفنی روزنامه‌ها می‌نویسند!**

پیام‌های تلفنی روزنامه‌های کیهان در غالب یک نماینده آورده شده است. قسمت‌هایی از این گزارش را در زیر می‌خوانید:

شنبه سوم مهر ماه، روز در حالی آغاز می‌شود که تبلیغات ضد دولتی به‌بهانه چاپ مطلبی در یک نشریه دانشجویی در اوج خود قرار دارد. روز قبل از آن آقای جتی امام جمعه تهران هنگام ايراد خطبه‌ها و با یادآوری ماجرا، دو بار بغض کرده و تا آستانه گریه پیش رفته است. مطبوعات سرشارند از

موضع‌گیری‌های گروهای مختلف علیه توهینی که ۲۵ روز پیش از آن در یک نشریه مهجور دانشجویی نسبت به مقدمات صورت گرفته است. واکش تند است که می‌توان آن را ملی نام نهاد. همه گروه‌ها و گرایش‌ها این نوشته را -که روز شنبه سوم مهر همه به‌دنبال آن می‌گردند- تا از مضمونش سرداورند -محکوم می‌کنند. نویسنده سرمقاله «صبح‌امروز» آن را مطلب موهن و سخیف می‌نامد که حاوی بی‌توجهی و بی‌احترامی به باورهای دینی

مردم و بهانه‌های برای ایجاد قابل بین‌دینداری و آزادی‌خواهی است و انحراف از مسیر جنبش دوم خرداد را دربر دارد. سایر روزنامه‌ها نیز به فراخور حال ضمن اشاره به‌اینکه نباید از جنبه تسطه‌آمیز بهانه‌جویان در تدارک چنین ماجرای در آغاز سال تحصیلی غافل بود، تلاش می‌کنند ضمن محکوم کردن عاملان، راهنمایی‌هایی برای عمل درست عرضه کنند.

**توهین مثل پروکت!** اما روزنامه‌هایی دیگر در

سطحی متفاوت عمل می‌کردند. احتمالاً توهین یاد شده برای آنها اصلاً مهم نبود. شاید حتی آن مطلب موهن برایشان مانده‌ای بود آسمانی که می‌توانست غائله‌ای بیافریند و چاهی بر سر راه دوم خرداد پدید آورد. اگر چنین نبود روز شنبه از انعکاس اعلامیه یک روحانی برجسته که سخنان قبلی‌اش را به‌عنوان فتوایی جهت حمله به مطبوعات، دانشجویان، وزارت ارشاد، دولت و جنبش ادامه در صفحه ۱۱

# به یاد محمد علی جواهری، از بنیانگذاران جنبش سندیکالیستی ایران

همانگونه که در شماره قبلی «کار» خواندیم، محمد علی جواهری، سترگانیست قدیمی ایرانی در شهریور ماه گذشته، در سن ۹۰ سالگی در شهر پاریس چشم از جهان فرو بست.

به یاد و احترام این مبارز جنبش کارگری ایران، دو مقاله انتقالی کرده‌ایم. نخست متنی است که محمد علی جواهری خود در مورد زندگی خویش نوشته است و دیگری نگاهی به زندگی پررنگ او با قلم رفیق شاه‌الله رزمی است.

## قایق مست به خاک نشست

پسانزدهم شهریورماه ۱۳۷۸ محمدعلی جواهری در یکی از خانه‌های سالمندان در شمال غرب پاریس چشم از جهان فرو بست. با مرگ وی تاریخ سندیکالیسم در ایران یکی از بنیانگذاران خویش و جنبش جهانی سندیکالیستی یکی از آموزگاران برجسته خود را از دست داد. محمدعلی جواهری نود سال پیش در یک خانواده کاسبکار جز در شهر رشت بدنیا آمد. او در ایام کودکی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی دایه‌اش بزرگ شد. بعد از پایان تحصیلات در رشت در سال ۱۳۰۸ با تشویق دایه‌اش که همپتان مخرج او را تأمین می‌کرد، برای ادامه تحصیل به تهران آمد و وارد مدرسه دارالفنون گردید و در رشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت.

آشنایی با پرویز ناتل خانلری در دارالفنون تاثیر انکار ناپذیر در زندگی و تفکر جواهری گذاشت. جواهری در ایام نوجوانی در رشت با جنبش آزادیخواهی گیلان از نزدیک آشنا شده بود و تحت تاثیر اطرافیان خانوادگی‌اش تمايلات چپ داشت. آشنایی با خانلر (تمام) دوستان نزدیک دکتر پرویز ناتل خانلری او را بصورت خودمآمی خانلر خطاب می‌کرد) موجب شد تا جواهری به دنیای شعر و ادب پیوندد بخورد و با گروه «ربعه» که پیشروترین شعرا و نویسندگان آنروز بودند آشنا بشود و هم صحبت بزرگ مردانی چون ملک‌الشعراى بهار و صادق هدایت شود.

خانلر هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی پشتیبان جواهری می‌شود و این دو یار دبستانی تا روزی که جواهری از ایران خارج می‌شود یار غار همدیگر بودند. در سال ۱۳۱۲ جواهری بعد از اتمام تحصیلات در دارالفنون به استخدام اداره فرهنگ درمی‌آید و بعنوان دبیر زبان فرانسه برای تدریس در مدرسه نظام به کرمانشاه اعزام می‌شود. جواهری پایان‌نامه تحصیلات خود را درباره شعری نوپرداز فرانسه نوشته بود و تحت راهنمایی‌های استاد فرانسوی‌اش «ژان بیته» شفته شعر مدرن اروپایی شده بود.

دوستی محمدعلی جواهری با بزرگ علوی از همان دوران تحصیل چرخش دیگری در زندگی او ایجاد می‌کند. «اقا بزرگ» با محل روزنامه دنیا همکاری داشت. در این محفل که موسس و محور آن دکتر تقی ارانی بود، علم، هنر و سیاست با هم درمی‌آمیخت تا راهی برای نیجات ایران از جهل و بی‌عدالتی و عقب‌ماندگی بازکنند. دستگیری گروه ۵۳ نفر و از جمله بزرگ علوی نقطه عطفی است برای محمد علی جواهری تا راه زندگی خود را انتخاب کند و قدم

## جواهری از زبان خودش

اینجانب محمد علی جواهری در پانز سال ۱۹۱۱ در شهر رشت پایتخت گیلان متولد شدم. بعد از اعلام حکومت سوسیالیستی میرزا کوچک‌خان در گیلان، پدر و عموی من عضو حزب کمونیست شدند و اینجانب در سن ۱۲ سالگی عضو سازمان جوانان حزب کمونیست. بعد از کودتای ۱۹۲۰ انگلیسی‌ها بوسیله رضاخان در ایران، میرزا کوچک‌خان قتل رسید و حزب کمونیست هم مخفی شد. در سال ۱۹۲۶ - ۱۹۲۸ چندین بار زندانی شدم. در سال ۱۹۲۸ به تهران رفتم و به فعالیت کمونیستی ادامه دادم. در فاصله سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۳ مبارز مخفی و شاعر مخفی بودم. در سال ۱۹۴۱ ارتش متفقین وارد ایران شد و رژیم دیکتاتوری رضا شاه برکنار گردید. زندانیان سیاسی آزاد گردیدند و انتهای کد فعالیت مخفی می‌کردند، علنی شدند. اشعار من تحت عنوان مستعار «بخندهای تلخ» در روزنامه رهبر، ارگان حزب توده منتشر می‌گردید.

بعنوان سندیکالیست در سال ۱۹۴۳ تحت عنوان معاون دبیر روزنامه «ظفر» ارگان شورای مرکزی سندیکایی ایران فعالیت میکردم. در سال ۱۹۴۶ در اولین کنگره نویسندگان ایران شرکت کردم.

در سال ۱۹۴۸ توطئه علیه محمد رضا شاه بقصد ترور او صورت گرفت. به این بهانه احزاب غیر قانونی اعلام شدند و اینجانب زندانی شدم. بدو ۱۰ سال محکوم شدم و سپس در دادگاه تجدید نظر به ۳ سال تعادل پیدا کرد. بعد از آمدن مصدق بحکومت آزاد شدم.

در سال ۱۹۵۱، یک سال پس از آزادی، ایران را ترک کردم و به وین رفتم و در آنجا معالجه کردم. در آنجا با فدراسیون سندیکایی جهانی همکاری می‌کردم و انهم بعنوان نماینده سندیکایی ایران تا سال ۱۹۵۶ در آنجا بودم و بعلت انتقال فدراسیون سندیکایی جهانی به پراگ، ناگزیر به پراگ مراجعت کردیم و مسئولیت دبیر FSM کشورهای خاور میانه و آفریقای شمالی را بعهده داشتیم.

از سال ۱۹۷۸ به پاریس آمدم و به فعالیتهای ادبی و فلسفی ادامه دادم و با کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران همکاری داشتم. □

در راه بی‌برگشت بگذارد. بدینسان این معلم جوان که از کودکی در محیط چپ و انقلابی بزرگ شده بود به یک مبارز فعال و طرفدار سرسخت طبقه کارگر تبدیل می‌شود.

با آزادی بزرگ علوی و بقیه گروه پنجاه و سه نفر و تشکیل حزب توده در گرما گرم جنگ دوم جهانی محمدعلی جواهری به عضویت حزب توده درمی‌آید و در تشکیل اتحادیه معلمین فعالانه شرکت می‌کند و مسئول اتحادیه در شهر قم می‌شود.

از این به بعد جواهری زندگی خود را وقف ایجاد تشکلهای کارگری و کارمندی می‌کند و بدین جهت یکی از پرکارترین کادراهای سندیکایی می‌باشد که پایه‌های «شوراهای متحد سراسری» را پی‌ریزی کردند و نقش تاریخی بی‌همتایی در تشکیل نمودن کارگران و زحمتکشان ایران بازی کردند. جواهری در کنار کار معلمی و فعالیت‌های سندیکایی کار هنری را نیز دنبال می‌کرد. او با اشعار خود ایدهای عدالت‌طلبانه‌اش را بیان کرد بهمین خاطر یکی از ۷۸ شاعر و نویسنده سرشناس آنروز است که در سال ۱۳۲۵ فعالانه در تشکیل اولین کنگره نویسندگان ایران شرکت می‌کند.

خانلری در تجلیایی که راجع به نخستین کنگره نویسندگان ایران نوشته است تأکید می‌کند که در این کنگره غیر از نسیما یوشیچ دو شاعر نوپرداز دیگر نیز شرکت داشتند که یکی از آنها محمدعلی جواهری و دیگری فریدون تولی بود که اشعار آزاد خود را در کنگره خواندند. خانلری شخصاً معتقد بود که جواهری زودتر از نسیما تحت تاثیر «پارتاسین»‌های فرانسه شروع به سرودن شعر نو کرده است ولیکن عزم و امکان پیگیری نسیما را نداشت و نتوانست مانند نسیما مطرح شود.

جواهری بزبان‌های عربی و فرانسه تسلط کامل داشت و زبانهای ترکی، روسی و آلمانی را خوب می‌فهمید و شعر معروف «گل‌های بد» اثر شارل بودلی را از فرانسه به عربی تحت عنوان «آزهار الشعر» ترجمه کرده است. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ اشعار جواهری با نام

مستعار «تلخ» در نشریات حزب توده از جمله در روزنامه «رهبر» چاپ می‌شدند. لازم به یادآوری است که این نام مستعار ترجمه کلمه روسی «گورگی» می‌باشد و وی بخاطر ارادتی که به ماکسیم گورگی داشت این نام را برگزیده بود.

با پایان جنگ جهانی و خروج متفقین از ایران، طبع شاعرانه افکار دموکراتیک و نوجوانانه جواهری با سیاستها و عملکردهای حزب توده در تضاد قرار می‌گیرد و مسالهدار می‌شود تا اینکه همراه با خلیل ملکی و یاراناش از حزب توده انشعاب می‌نماید. شرح مبارزات سازمانی جواهری را در مقطع انشعاب باید از زبان حسین ملک برادر خلیل ملکی شنید که می‌گوید، اشعار جواهری جمع جداشدگان از حزب را به هیجان می‌آورد.

با ضد حمله شدید رهبری حزب توده به انشعابیون و موضعگیری رادیو مسکو علیه آنان انشعاب در جذب بدنه حزب ناکام می‌ماند و تفرقه در میان جداشدگان ایجاد می‌شود و وقتیکه ابیاز از اسباب می‌افتد رهبران حزب توده با توسل به دوستی‌ها و آشنایی‌ها او را دوباره به حزب دعوت می‌کنند و چون نمی‌خواستند گرایش خلیل ملکی در صفوف حزبی رسوخ یابد لذا جواهری را برای کار در مرکز سندیکاهای سرخ به ساموریت حزبی می‌فرستند و این موقعی است که بدنبال انحلال کمیترین مرکز سندیکاهای سرخ نیز تغییر نام می‌دهد و فدراسیون جهانی سندیکایی FMS بوجود می‌آید و دولت اتریش می‌خواهد که FMS از آن کشور بیرون برود و بدینسان جواهری از وین به پاریس و سپس به پراگ در آموزش و گسترش سندیکاهای کارگری در این کشورها مشغول می‌شود که در ضمن تشکیل‌های توده‌ای جنبش‌های رهاییبخش در این کشورها نیز محسوب می‌شوند. در آغاز ماموریت حزبی قرار نبود جواهری برای همیشه در خارج از

کشور بماند ولی کودتای ۲۸ مرداد و بعد از آن متلاشی شدن سازمان افسری حزب توده و تعقیب توده‌ای‌ها در داخل کشور جواهری را مجبور می‌کند زندگی در غربت را پذیرا شود و چون سالهای سال بی‌خبر از خانواده‌اش در خارج مانده بود با ژاکلین یکی از کارکنان فرانسوی FSM در پراگ ازدواج می‌کند که ثمره این ازدواج دو دختر می‌باشند که اکنون هر دو صاحب همسر و فرزند هستند. جواهری به همراه رضا روستا و ایرج اسکندری نماینده «شوراهای متحد سراسری ایران» در فدراسیون جهانی سندیکایی بودند و ایرج اسکندری نیز سردبیر ماهنامه FSM بود اما با غیر قانونی شدن شوراهای متحد بعد از ۲۸ مرداد و دستگیری رهبران آن دیگر نمی‌شد بعنوان نماینده شوراهای ایران در فدراسیون جهانی ماند. بدینجهت جواهری بکمک دوستان خود «کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران» را تاسیس می‌کند و نشریه اتحاد را بعنوان ارگان روابط سندیکایی به دو زبان فارسی و فرانسه منتشر می‌نماید که این نشریه همپتان بهمت دوستان جواهری در کمیسیون روابط سندیکایی منتشر می‌شود و تمام سندیکاهای عضو FSM از طریق این نشریه با مبارزات طبقه کارگر ایران آشنا می‌شوند.

محمد علی جواهری بعد از آنکه از کار در مرکز FSM بازنشسته شد مقیم پاریس گردید و همپتان به فعالیت‌های خود در کمیسیون روابط سندیکایی و انتشار نشریه اتحاد به کمک CGT سندیکاهای عمومی کارگران فرانسه انجام می‌گیرد ادامه داد. هنگامیکه در آستانه انقلاب ضد سلطنتی ۱۳۵۷ جنبش اعتصابی در ایران فعال شد و طبقه کارگر وارد عرصه مبارزه گردید، جواهری کتابی بزبان فرانسه بنام «نبرد طبقه کارگر ایران» انتشار داد که جمع‌بندی مبارزات کارگری روزهای قبل از انقلاب بهمین با اشاره به سابق تاریخی اینگونه مبارزات می‌باشد. بعد از انقالات محمد علی جواهری با یک دنیا آرزو و به توصیه دوستانش در فدراسیون

یزدی) دعوت می‌کنند و به عمد یا غیر عمد (والله اعلم) به دشمن چراغ سبز نشان می‌دهند و موجب تجری آنان می‌شوند.» در انتهای این اطلاعیه روحانیت مبارز نوشته است: «عکس‌العمل تند مراجع عظام و علما اعلام و طلاب و دانشجویان و قاطبه اهل ایمان در مورد حادثه اخیر هشداری است برای مسئولان محترم نظام که مراقب اوضاع باشند و نگذارند قلوب مومنان بیش از این جریحه‌دار شده و خدای ناکرده دولت راز خود جدا بدانند و بگویند، مرا به خیر تو امید نیست، شر مسران!» انتشار این اعلامیه، اعلام جنگ آشکاری بود که اگر درمی‌گرفت، چه بسا سرنوشت موجودیت جمهوری اسلامی را با خطری جدی مواجه می‌ساخت.

### خامنه‌ای ایست!

به دنبال این اعلام مخالفت‌ها بود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، مجبور شد وارد میدان شود و در یک حمایت آشکار و بی‌سابقه از رئیس‌جمهور، پیروان محافظه‌کار خود را از ادامه راه خطرناکی که در پیش گرفته بودند، باز دارد.

خامنه‌ای در سخنان خود با اشاره به حملات مستقیمی که علیه خاتمی صورت گرفته بود، و

جهانی سندیکایی با استناد و مدارک کافی به ایران برمی‌گردد تا از حکومت جدید اجازه تاسیس آموزشگاه سندیکایی را بگیرد و شروع به تربیت کادرهای سندیکایی در ایران نماید، وی برای رفتن به پیش خمینی امکان مستقیمی نیز داشت، زیرا جواهری از هنگامیکه در شهر قم دبیر زبان فرانسه بود آیت‌الله اشراقی داماد خمینی را می‌شناخت. اما بعد از مراجعه به مقامات مسئول دولت انقلاب و طرح مسائل سندیکایی با تأسف فراوان متوجه می‌شود که حاکمان جدید طبقه کارگر را خطرناک می‌دانند و در صحبت‌هایشان نیز فقط از مستضعفان نام می‌برند و از شنیدن نام سندیکا نیز وحشت دارند.

بعد از ناامید شدن از حکومت، جواهری ناچار دست به دامن رهبران حزب توده می‌شود و با یادآوری این نکته که طی ۲۵ سال گذشته آرزوی ما بازگشت به وطن و سازماندهی مجدد کارگران و دهقانان در سندیکاهای مستقل خود بود، اکنون کمک بکنید تا سندیکاهای سازمان بدهیم، اما در اینجا هم جواهری با درهای بسته روبرو می‌شود. زیرا حزب توده ابداً نمی‌خواست دست به کاری بزند که موجب خشم آیت‌الله‌ها گردد و چنین است که جواهری جهان دیده ناامید از انقلاب و مایوس از حزب دوباره به پاریس باز می‌گردد و به امید بهتر شدن اوضاع به فعالیت در کمیسیون روابط سندیکایی قناعت می‌کند.

آخرین فعالیت سندیکایی جواهری شرکت در کنگره FSM در سال ۱۳۶۸ در پاریس است. هیئت کمیسیون روابط سندیکایی ایران در این کنگره متشکل بود از محمدعلی جواهری، حسین نظری و من. تمام شرکت‌کنندگان در این کنگره که از سراسر جهان گرد آمده بودند به چشم یک استاد به جواهری نگاه می‌کردند و او از تکرار کردن این جمله خسته نمی‌شد که سندیکای واقعی باید مستقل از دولت، مستقل از احزاب و مستقل از کانون‌های مذهبی باشد. یعنی سندیکایی که متاسفانه هیچوقت در ایران وجود نداشته است.

ده ساله آخر عمر جواهری بعلت کهولت سن و بیماری «لقوه» که بشدت عذابش می‌داد به خانه‌نشین و آخر سر به استراحت در خانه سالمندان گذشت. در این مدت او دوباره به شعر و شاعری روی آورد و آنتشی که از مدرسه دارالفنون در وجودش افتاده بود دوباره شعله‌ور گردید و مجموعه اشعارش را که تماماً در غربت سروده شده‌اند در سال ۱۳۷۰ در تهران تحت عنوان «غربستان» بچاپ رساند که آنرا به شاعر نوپرداز گیلانی شمس لنگرودی تقدیم کرده است.

محمد علی جواهری به سبک ادبی سوررئالیسم تمایل داشت و بعد از آنکه در سال ۱۹۶۳ آنسدره ببرتون بنیانگذار مکتب سوررئالیسم را ملاقات کرده بود، بشدت تحت تاثیر او بود و قسمتی از سال‌های آخر عمر خود را نیز بدقت به نوشتن پیدایش و زمینه‌های تاریخی سوررئالیسم در ایران اختصاص داد که بعلت بیماری نتوانست آنرا پایان برساند. □ یادش جاودان و راهش پر رهرو باد.

### شاه‌الله رزمی

بیستم شهریور ۱۳۷۸ - پاریس

«عنوان این نوشته از شعر «قایق مست» شاعکار «آرتور رامبو» شاعر نابغه فرانسوی بعبارت گرفته شده است.

از جمله بیانیه جامعه روحانیت مبارز، گفت: «امروز مسئولین متدین کشور وجود خود را در راه خدمت به مردم و اسلام صرف می‌کنند. رئیس‌جمهور یک روحانی متدین و عاشق اهل بیت است که با همه وجود در راه خدا برای پیش‌برد این کشور، احیای نام امام کار می‌کند. این گونه قضایا و حرف‌های دور از منطق و دور از حد قبول را به هیچ وجه نباید به مسئولان مربوط کرد.» خامنه‌ای در ادامه سخنان خود در پاسخ به سخنان محمدرضا نقدی گفت: «برخی‌ها گفته‌اند که ما اقدام و مجازات می‌کنیم، ابداً، ابداً، این کار در نظام اسلامی به مسئولان کشور مربوط می‌شود، در نظام اسلامی این کارها مربوط به حکومت است.»

«طرفان» موقتا فرو خوابید و هر چند جامعه روحانیت مبارز، در اطلاعیه دوم خود، باز بر مواضع پیشین اصرار کرد و بخش‌هایی از سخنان خامنه‌ای را که متوجه انتقاد به سیاست‌های فرهنگی دولت بود برجسته کرد، اما این اطلاعیه دیگر پژوهاکی نیافت. محافظه‌کاران از دامنه حملات به رئیس‌جمهور کاستند و بار دیگر به سراغ ابزار اصلی پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی خود یعنی مجلس رفتند. □



گفتگو با شهرونش پاریسی پور

«سوسیالیست هستم، به دمکراسی معتقدم و از حجاب اجباری بی نهایت متنفرم».



همیشه با لباس محلی در شیراز ظاهر می‌شدند حالا همان لباس‌ها تبدیل شده‌اند به چادر سیاه، عین همین قضیه در کردستان رخ داده است. این آقایان همه چیز را برگرداندند به قوانین اسلام و توجه به این معنی ندارند که اگر حضرت محمد به آن نبوغی که داشته الان در جهان ظاهر می‌شد یک چک محکم تو صورت همه اینها می‌خواباند که آخر مثلاً مرتیکه‌ها من گفتم دست دزد را ببرید. این قانون مربوط به زمان خودم است الان که می‌شود هزار و یک کار کرد که دیگر نمی‌آیند دست دزد را ببرند. آن زمان که می‌گفتم چهار تا زن بگیرید شما تاجر شوید و با شتر، چک و چک به شهر دیگر می‌رسیدید. برای اینکه به زنان مردم تجاوز نکنید، ترتیبی داده بودم که در هر شهری بتوانید یک زن داشته باشید که به زن و دختر مردم نگاه کنید ولی الان در سستی که در دنیا هوپاها در طی ۱۲ ساعت از آمریکا به ایران می‌رسد آخر چهار تا زن دیگر چه معنایی دارد؟ انهم در جامعه‌ای چون ایران که تعداد مردهای آن بیشتر از زن‌هاست، ایران یکی از جوامع استثنایی دنیا است که تعداد مردهای بیشتر از زن‌هاست، آنوقت مردها حق دارند زن بگیرند و آقا دلش خوش است که دارد قانون اسلامی را پیاده می‌کند. باور کنید اگر حضرت محمد(ص) زنده بود و بازگشت می‌کرد، همین افراد روی او خنجر می‌کشیدند. چون حضرت محمد یک نابغه بود و بر اساس روح زمان فرامین داده است که امروز بخشاً گروهی از ایشان کهنه شده است و باید از بین برود و نمی‌تواند اجرا شود. ولی اینها دارند اجرا می‌کنند.

● خانم پاریسی‌پور می‌روم سراغ کانون نویسندگان. در چند ماه گذشته بعد از ۱۷ - ۱۸ سال در کانون انتخاباتی صورت گرفت و هیئت مدیره موقت انتخاب شدند و اطلاع دارید دو تن از اعضای اصلی و دو نفر علی‌البدل آن را زنان تشکیل می‌دهند. خانمها شیرین عبادی و سمین مهبهانی و مهراکیز کار و شهاب‌لاهیچی، انتخاب ۴ زن در مسئولیت کانون بی نظیر است و این یک موفقیت بزرگ برای زنان ایران محسوب می‌شود. شما به عنوان یک نویسنده در این باره چه نظری دارید؟

○ به کانون نویسندگان تبریک می‌گویم که بالاخره مشغول فعالیت شده منتها به خود اجازه می‌دهم که این هشدار را بدهم، کانون برای تاسیس از وزارت اطلاعات اجازه گرفته، خطر این وجود دارد که آزادی و استقلال عیش را از دست بدهد. یعنی این جوری در نظر بگیرد که ناگهان ممکن است هر سال دو و سه زن و ۴ - ۳ حجت‌الاسلام و ۲۲ آیت‌الله که هر کدام سه تا تالیف دارند در رشته‌های مختلف کارشان بیایند و همگی خواست شرکت در کانون نویسندگان را بکنند و اکثریت فعلی را به حداقل ممکن کاهش بدهند و کانون را از دست بیاورند بی‌یابردن و نامش را برای خوشان بگردانند. یک چنین خطری کانون را تهدید می‌کند. که در آن حالت با این ادعا که با اینها ایشان از یک جوب نمی‌رود. این عده انشعاب می‌کنند و از سر ناچاری چیز دیگری دست بکنند و عده دیگری با اسم دیگر کار کنند بنابراین می‌شد که فعالیت رسمی را شروع نکرد.

● با توجه به ترکیب اعتقادی جامعه و جنبش وسیع روشنفکری در میان نیروهای مذهبی، چنانچه بخواهیم به دمکراسی بیایند بمانیم، چگونه می‌توانیم کانون نویسندگان را مثلاً محدود کنیم؟ بهتر نیست هم در کانون باقی باشد و هم فعالیت رسمی را شروع نکرد.

○ خود دارم که بعضی از نیروهای مذهبی بسیار روشنفکر و سطح بالا هستند. منتها در مورد کانون باید این را در نظر بگیریم که گرچه جامعه ایران مرکب است از ۹۹/۹۹ درصد مسلمان اما نیروهای کانون نیروهای لائیک هستند و اصولاً سیاست کانون نویسندگان سیاست لائیک است. یعنی مبتنی بر تصبب مذهبی یا اصولاً تعریف و یا تبیین مذهب نیست. کانون جایی است که زرتشتی، یهودی همه جور آدمی می‌تواند در آن عضویت داشته باشد و اگر جرات داشت می‌گفتیم بمانی یا نه. چون من بهایی‌های زیادی را می‌شناسم که با علاقه عجیبی مسائل ادبی را دنبال و کار ادبی می‌کنند.

● کانون باید حالت لائیک خود را حفظ کند. اگر ناگهان پر شد از عمامه حتی بهترین عمامه‌ها آنوقت دچار مشکل می‌شود چون لائیک‌ها اگر در جامعه ما نتوانند نفس بکشند، جامعه خفقان می‌گیرد. چون در صد قابل ملاحظه‌ای از مردم لائیک هستند. بسیاری از مردم نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند ولی در طبقه‌بندی جزو لائیک‌ها محسوب می‌گردند.

● با سیاسی فراوان از شما.

○ همه طبقاتی به جای فراطبقاتی چرا که منظور همه طبقات است و فرا معنی بالاتر و برتر را در ذهن نداعی می‌کند.

در تاریخ حک شد. در قوانین مشروطه نیز ذکری از برابری حقوق بین زن و مرد نمی‌کند. اما در دوره رضاشاه، سه کار فوق‌العاده بالارز در مورد زنان صورت گرفته که اگر به آنها توجه نشود نهایت بی‌انصافی است. من به آن دسته مردمی که سعی می‌کنند که فکر کنند که سلسله پهلوی وجود نداشته و اصلاً چیز بدی بوده شدیداً انتقاد دارم. یعنی به سهم خودم همانطوری که برای تمام تاریخ ایران احترام قائم، برای سلسله پهلوی نیز احترام قابل هستیم. یکی از کارهایی که در دوره پهلوی انجام گرفته، کشف حجاب رضاشاه است. در هفده دی ۱۳۱۴ و من فکر می‌کنم این انقلاب بزرگی در زندگی زن ایرانی بود. زن ایرانی حتی در دوره ساسانیان و قبل از آن نیز در حجاب بوده است. این واقعیت را شما در حجاب‌های دوره ساسانیان که هیچ نقشی از زن وجود نداشته، می‌بینید و زن موجودی حذف شده بود. این رضاشاه است که این حجاب لغت، این پوشش احقانه و کثیف را از سر زنان بر می‌دارد و راه دانشگاه و ادارات را برای زنان باز می‌کند و بیشتر از این هم نمی‌توانست انجام دهد. دومین پیشرفت در دوره محمدرضا پهلوی صورت می‌گیرد. او قوانین خانواده را تغییر می‌دهد. سن ازدواج را بالا برد. طلاق در اختیار دادگاه‌ها قرار می‌گیرد. چهار هسری قدغن می‌شود و کار کثیف ماقبل تاریخی مثل بریدن دست و زرد و غیره حذف می‌شود و نخستین بار زن به عنوان فرد و نماینده مجلس و سناتور وارد فعالیت‌ها و عرصه سیاسی هم می‌شوند. تا اینکه انقلاب اتفاق افتاد و این آقایانی که خوشان را رئیس انقلاب می‌دانستند، این قدرت را نداشته که حق رای را از زن‌ها بگیرند. اما این که الان باید چه کرد؟ در مورد جنبش مستقل زنان و تعریفی که از آن کردید یک چارچوب سیاسی را به ذهن می‌آورد. خوب این چارچوب سیاسی را که می‌خواهد اداره کند. نیروهای حق اداره می‌کنند؟ یا نیروهای ملی؟ یا...

● طبق زنان یا دیدگاه‌ها مختلف آتزا اداره می‌کنند، چرا که از نظر من جنبش زنان با توجه به اینکه مسایل و مشکلات همه اقشار زنان را در بر می‌گیرد، اصلاً به یک طبقه خاص تعلق ندارد و همه «طبقاتی است. یک زن بوزوا در جمهوری اسلامی همان قدر مشکلات و مسئولیت‌ها را دارد که یک زن کارگر. در گذشته حجاب جز اعتقاد داشتند مشکلات طبقه کارگر که حل شد، مسائل زنان هم خود به خود حل خواهد شد. این باور امروز شکست خورده است.

○ من گفته‌های شما را درک می‌کنم. اما همین جنبشی که می‌خواهد بوجود آید، آیین‌نامه، مدیریت و یک سلسله کارهایی را می‌خواهد که یک ساختار سیاسی هم طلب می‌کند. وقتی مستقل زنان در ساختار سیاسی حرف بزنیم پس در نتیجه باید بیایم بشنیم که این ساختار سیاسی تابع چه نیروی سیاسی در داخل جامعه خواهد بود. الان در داخل جامعه ما، زنان تک تک به طور مستقل و منفرد مشغول فعالیت هستند بن استخوان‌شان دارند یعنی می‌توانند که بر علیه ظلم و بی‌عدالتی که آنها را در بر گرفته مبارزه کنند. ولی اگر ما بخواهیم بگویم جنبش مستقل زنان پس لابد یک ۵ نفری از بالا نشسته‌اند که رهبر هستند.

● خوب از خود زنان انتخاب می‌شوند، زنانی که در واقع در یک شرایط دمکراتیک در انتخابات برتریده می‌شوند و می‌آیند بالا و اینها طبعاً از همه طبقاتی می‌توانند باشند، از درون احزاب یا بیرون آن، ولی اعتقاد به یک مبارزه متمسک و مستقل و کاتانه برای زنان دارند. خلاصه جنبش مستقل زنان متاعف جنبش زن را تابع منافع طبقات نمی‌کند. اگر چنین باشد که چنین زنان در ایران آغاز گردد که سند پکاهای مختلف زنان، گروه‌های صنفی مختلف نمایندگان خود را انتخاب کنند و کارگران خانگی، کارگران کارخانه‌ها، کارمندان ادارات، آموزگاران، دبیران، پزشکان و مهندسان، نقاشان و هنرمندان و همه و همه با جنبش مستقل زنان در دست بکنند شاید بتوانند داخل درستی باشد. ولی چنین شکلی احتیاج به مکانی دارد. طبعاً و به یک بنیاد سیاسی تبدیل خواهد شد. این جریان باید در خود ایران بچوشد و شکل بگیرد. این جنبش نمی‌تواند از خارج از کشور هدایت شود. خارج از کشور یک حالت پراکنده و آشفته‌اند دارد. چنین جنبشی باید در داخل ایران شکل بگیرد و عمل کند.

● در مورد اقدامات رضاشاه، اگرچه منم آنها را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنم، اما کشف حجاب اجباری او هم مثل حجاب تأثیرات منفی بسیاری در بی‌دانشی، این هر دو کار دو سوی یک سکه هستند و هر دو از مفهوم دمکراسی خالی هستند.

○ رضا خان، نه رضا شاه، منم معتقدم که انجام هر کاری با اجبار بد است. این یک واقعیت است. شک نیست که رضاشاه این کار را با زور و جبر انجام داده است ولی این زور و جبر در مجموع ۶ سال عمل کرده است و آمده در مقطع انقلاب ۲۷ ساله است. یک انسان بزرگ و عاقل و بالغ است. عده‌ای بی حجاب و عده‌ای باحجاب زندگی می‌کردند چند سال پیش در شمال ایران در شهر رامسر بودم. این آقایان جمهوری اسلامی آمدند حتی لباس‌های محلی را از بین بردند. مردم ۲۵۰ سال و یا شاید بیشتر این لباس‌های محلی می‌پوشیدند. اینها آمدند این لباس‌های رنگارنگ زیبا را که زنان گیلانی بر تن داشتند تبدیل به چادر سیاه کردند یا زنان عشایر قشقایی

می‌کنند. هرچند به قول شما از نظر جسمی مردان قوی‌تر هستند ولی در دنیای امروز که با کامپیوتر می‌توان بسیاری از مسائل را حل کرد زور و بازوی قوی برتر محسوب نمی‌شود. زن ایرانی فمینیست نمی‌خواهد ادعای برتری کند و مردان را از خود براند. او فقط حقوق حقه سلب شده خود را طلب می‌کند. حتماً قبول دارید که فرهنگ ما فرهنگ عقب مانده‌ای است و مردانی که در این فرهنگ رشد می‌کنند زن را در واقع به هیچ می‌گیرند. حتی روشنفکران، که ظاهراً برای سخن زنان می‌نشینند، برابری واقعی را قبول ندارند، همین‌ها زن‌های خودشان را در خانه تحقیر می‌کنند. خاطرات خود شما در زندان، زن مستقل را نشان می‌دهد که زنی که از همان آغاز شکل‌گیری ذهنیت اجتماعی و سیاسی در تلاش برای برابری و معوض جنبش است. شما در واقع در جامعه ایران جزو نادر زنانی هستید که برای معوض جنبش مبارزه را آغاز کرده‌اید. اشاره من به کتاب «زنان بدون مردان» است که مسئله بکارت دختران را عنوان می‌کند. آیا حرف‌های کنونی شما با تلاش‌های گذشته شما انطباق کامل دارد؟

○ ببینید اول این را مشخص کنیم، الان در قوانین جمهوری اسلامی یک کوسه ریش پهن عجیبی وجود دارد. قوانینی که در دادگستری اجرا می‌شود بسیار بدوی است. سن ازدواج دختران ۹ سال تعیین شده این یک فاجعه است، بچه ۹ ساله باید برود مدرسه در می‌بخواند. آخر این بچه بدبخت فردا وقتی در سن ۱۳ سالگی بالغ شد شروع می‌کند فلق، فلق بچه زایدن و در سن ۲۴ سالگی ده تا بچه ندانش هستند. حساب کردن جرم و جنایت از طریق شتر، زنی که نصف دینه مرد است، اینکه مادر هیچگونه حق حضانت فرزندان را ندارد. پدرحایی که هیچ بویی از انسانیت نبرده‌اند بچه‌ها را می‌گیرند و در بدترین شرایط نگه می‌دارند و مادر باید بدود تا آخر جهان و نتواند بچه‌هایش را ببیند و اینکه مردک می‌تواند هر وقت اراده کند زنی را طلاق بدهد و هر غلطی داش خواس کند. زن در ماندن نمی‌داند چکار کند. در جوارش اینکه شما هیچوقت زن اخوندی را نمی‌بینید. این خانم‌ها گونی جزو در و دیوار منزل هستند. اصلاً خارج نمی‌شوند، نیستند، حضور ندارند. این بخش فرهنگ را ببینید از آنور می‌بینید ناگهان دخترها را برابری در دانشگاه‌ها تعدادشان بیشتر از پسرها شده و پزشکی و مهندسی می‌شوند و رشته‌های عالی می‌خوانند. یکی از کسانی که در المپیاد ریاضی یا فیزیک اول یا دوم شد دختر خانم ایرانی بود. یعنی این وجود هم هست. در جوارش هم ما می‌بینیم موج عظیم نویسندگان زن که دارند فعالیت می‌کنند، خانم‌های نقاش در عالی‌ترین سطح. عزیزی چون خانم سمین مهبهانی را می‌بینید که دارند اوج می‌گیرند. پس در جامعه ایران این قوانین کوسه ریش پهن، مردم را به فغان آورد. واقعاً انسان مجبور است فمینیست باشد. یعنی زن ایرانی اول باید از حقوق اولیه‌اش دفاع کند و آن را به دست آورد بعد از آن برود از پیروی کردن و اطاعت کردن صحبت بکند. آنچه که من در این باره گفتم که «به صلاح است که از مرد پیروی نکنند» در حقیقت منظورم یک جامعه متعادل است که برای جامعه است مثل هند، مثل آمریکا و جوامعی مثل اروپا.

● در چند سال اخیر خارج از کشور بوده‌اید. تجربیات شما در زمینه‌های زنان در خارج از کشور چه بوده است؟

○ من متأسفانه اشکالی دارم که هیچگاه بیادداشت بر نمی‌دارم. اگر انسان در طول روز یادداشت بردارد بهتر می‌تواند مسائل را جمع‌بندی کند و من متأسفانه این کار را انجام ندادم. در ۶ سال اخیر دائماً در حال سفر بوده‌ام در شهرهای مختلف اروپا. با بنیادهایی که با مسائل زنان کار می‌کنند آشنا شدم مثل «بنیاد پژوهش‌های زنان ایران» که فعالیت مستمر و خوبی در این چند سال گذشته داشته و هر ساله سمینارها را برگزار می‌کند. زنان ایرانی از سراسر دنیا به این سمینار می‌آیند و سخنرانی می‌کنند. از نظر من کار این بنیاد موفق بوده است. در زمینه فعالیت زنانی که در گروه‌های چپ فعال هستند از نزدیک آشنا نیوده‌ام. گاهی نشریات آنها را خواندم، آنها دارای نوعی فمینیسم هستند و می‌گویند از حقوق زنان بسیار باز و گسترده دفاع بکنند و به نفع زنان قدم بردارند. اما متأسفانه من این لحظه که دارم با هم حرف می‌زنیم، ذهن من اصلاً اجازه نمی‌دهد که دقیقاً تعیین کند که این فعالیت‌ها چگونه هستند و چگونه و چرایی آن را بررسی کنیم. واقعیت این است که در این ۷ - ۸ سال اخیر دچار یک بیماری روانی شده‌ام که اسمش «مانیک‌دپرشن» است و تا بحال شش بار حمله عصبی داشته‌ام که چند بارش در این ۴ سال اخیر بوده و دوبار در همین امریکا کارم به بیمارستان کشید و خلاصه دچار یک جور کنگی و دیرسش بوده‌ام در نتیجه زیاد مسایل اجتماعی و جهان را پی نگرفتم. البته حامل خیلی بهتر است.

● در مورد جنبش مستقل زنان چه نظری دارید. می‌دانید که زنان در گذشته، می‌توان گفت از دوره مشروطیت به بعد، در فعالیت‌های اجتماعی یا بیای مردان فعال بوده‌اند. هرچند که فعالیت‌های زنان در گذشته بصورت مدون در نیامده و مشخص نشده که زنان کجا و چگونه فعالیت‌هاشان را سازماندهی کرده و پیش بردند. امروز بسیاری از زنان مبارز دیگر عضو سازمان‌های سیاسی ستنی نیستند و به جنبش مستقل زنان پیوستند و اعتقاد دارند که باسخوکی مسائل زنان قبل از همه خود زنان هستند. نظر زنان را در مورد مشروطیت تأیید می‌کنم، چون تاکنون هیچ نوع مطالعه خوب نوشته شده در مورد انجمن‌های زنانه در مقطع مشروطیت نشده است. ولی

چرخش عجیب و غریبی به او می‌دهد. خوب او یک شخصیت تقریباً ماورایی است و حضور عینی و واقعی ندارد. در بقیه کارهایم هم همینطور است. الان دارم یک مجموعه قصه فرام می‌کنم به اسم «زن‌ها و داستان‌های دیگر». در اینجا آن سلسله زنانی که من در زندگی شناختی تحریف‌شده از شخصیت آنها دارم در مورد تک‌تکشان یک داستان می‌نویسم. می‌خواهم مجموعه‌ای «زنانه» عرضه بکنم بی آنکه جنبه فمینیستی قضیه در نظر باشد. من خیلی بی‌پروا، راجع به این زنان صحبت می‌کنم و بعضی از آنها بسیار قابل انتقاد هستند یعنی چهره اینگونه هم دارند.

● فکر می‌کنم خوانندگان کتاب‌های شما دیگر با نظراتتان آشنا باشند. از آن جمله من که یکی از خوانندگان کتاب‌های شما هستم. در سمینار بنیاد پژوهش‌های زنان در سیالک دیدگاه‌های شما در مورد مسئله زنان در ایران قابل درک بود. با اینکه می‌خواستم بیستم تعریف شما از فمینیسم چیست؟ چرا اینگونه به فمینیسم نگاه می‌کنید؟ از نظر من شما یک فمینیست هستید. زندگی شما می‌تواند یک مدل و نمونه باشد. یعنی برابری خواه بودید و با سمت جنسی مبارزه کردید. اگر تعریف فمینیسم را برابری خواهی و معوض سمت جنسی بدانیم، شما اینگونه در زندگی عمل کرده‌اید و اکنون خوبی برای زن ایرانی به شمار می‌روید. مگر فمینیست‌ها چه می‌گویند که شما اینگونه از آنها می‌گریزید؟

○ مسئله این نیست که من با فمینیسم نظر موافق ندارم. من وقتی خیلی جوان بودم. از دوران نوجوانی بعد در ۲۵ - ۲۶ سالگی در آن سال‌ها بسیار بسیار برابری خواه بوده و دائماً از وجود مسائل و مشکلات جامعه ایران که در اطراف زندگی زنان وجود داشت، رنج می‌بردم. از اینکه به زن احترام گذاشته نمی‌شد، رنج می‌بردم. از اینکه زن نمی‌توانست چون مردان پرواز کند و خودش را به موقعیت‌های مختلف برساند رنج می‌بردم. در سن ۳۰ سالگی به فرانسه رفتم. در این کشور بود که من برای اولین بار ناگهان متوجه شدم که زن بودن چقدر خوب است و چقدر خوب است که من یک زنم. در این جوامع به زن‌ها احترام می‌گذاشتند و من احساس خوبی داشتم. احساس آرامش و راحتی روانی می‌کردم. در فرانسه زبان و تمدن چینی را آموختم. در نتیجه دنبال آن نبودم که کتاب‌های فمینیستی را بخوانم. یا به می‌ملاحظه فمینیستی نزدیک بشوم و ببینم که آنها چه می‌گویند. بلکه آرمان‌هایم بیشتر در این جهت دور می‌زد که در زمینه چین‌شناسی تخصصی پیدا کنم و بعد بیایم ایران و در آن زمینه کار کنم. حتی کتاب‌هایی ترجمه و تالیف کرده تا اینکه چرخ چرخید و انقلاب شد. درس‌هایم نیمه کاره ماند. زندان رفتن و باقی مسائل و نظری که من از رفتار جمهوری اسلامی با زن‌ها داشتم. و این حجاب اجباری با شعار «یا روسری یا توری» شروع شد. و روز بیشتر از پیش به تحقیر زنان انجامید. در زندان دیدم که چطور روح زنان را می‌کشند تا از انسان یک برده کارکش بسازند. خوب دوباره همان احساسات بر سر می‌پیدا شد. من اعصابم را روی این مسئله گذاشتم و دچار مشکل روحی شدم. اما الان من ۵۳ سال دارم. گه‌گاه وقتی برمی‌گردم و به جهان نگاه می‌کنم، می‌بینم که تابع جمله‌ای از «یوجینگ» فیلسوف چینی در کتاب تحولات که کتاب بسیار جالبی است. هستم. این جمله چنین است: «به صلاح زنان است که از مردان پیروی کنند». سال‌ها سال است که به این جمله فکر می‌کنم. چرا به صلاح زنان است که از مرد پیروی کنند؟ بعد غیب می‌بینم در هستی و در زندگی مردها از نظر جسمانی قوی‌تر از زن‌ها هستند. ممکن است قوی ذهنی زن و مرد به هم برابری باشد که هست، چون هر کاری مردها می‌کنند. زن‌ها هم می‌توانند انجام دهند ولی قوای جسمانی مردان بیشتر است. به همین علت سابقه‌دادن بین زن و مرد اصلاً ممکن نیست. مرد با قوای جسمانی در هستی مسلط می‌شود به زن. چون اگر زن بخواهد طاقی و سرکش باشد در مقابل مردی که قوی‌تر از اوست از چند حالت خارج نیست. یا مرد خشن می‌شود و شروع می‌کند به او آزار دادن و اذیت کردن و کتک زدن، یا برعکس نوعی از مرد ضعیف است که خود را به زن او اویزان می‌کند یعنی می‌گوید، خانم شما قوی‌تر هستید بروید کار کنید و من بخورم. این تجربه شخص من است. نوع سومی از مرد است که قوی و معتدل است. این چنین زن قوی را می‌گذارد و می‌رود. در حالیکه زن اگر خودش را تابع و پیروی مرد تلقی کند و به حرف او گوش بدهد و بگوشد که یک محیط خانوادگی گرم و آرام درست کند. مرد آنوقت یک قوا و هیجان بیشتری در عرصه روزگار می‌دود و جلو می‌رود و نوعی سعادت به معنای حقیقی کلمه به وجود می‌آید. من در این سن و سال باور دارم که زن‌ها ضعیف‌تر از مردها هستند و این ضعیف بودن عامل تعیین‌کننده است. حتی الان که این حرف را می‌زنم، نه حجاب اسلامی را قبول دارم نه کاری را که عرب با زن‌ها می‌کند و نه رفتار کثیف طالبان را با زنان قبول دارم، که مدرسه‌ها را بسته و همه بدبختی‌ها را روی سر زنان افغان ریخته است. تمام این حرکت‌ها بسیار کثیف و زشت است.

● در بخش‌هایی از دنیا هستند است که عده‌ای از فمینیست‌ها بر این عقیده باشند که بگویند ما برتر از مردان یا علیه مردان هستیم. اما اکثریت آنها و از جمله فمینیست‌های ما در ایران، آنچه که به اسم فمینیسم مطرح می‌کنند همان برابری است که سال‌ها از زنان ایرانی سلب شده است. قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی نمودار ناعادیه گرفتن زن در جامعه هستند. در شرایط کنونی ایران فمینیسم به هیچ وجه در جهت طرد مردان یا برتری بر مردان نیست. فمینیست‌ها برای برابری حقوق زنان با مردان حرکت

شهرونش پاریسی‌پور در بهمن ۱۳۲۴ در تهران متولد شد. از ۱۳ سالگی شروع به نوشتن کرد. اولین داستانش را در ۱۶ سالگی به چاپ رساند. پس از انقلاب «طوبی و معنای شب» و سپس داستان‌های «زنان بدون مردان» و «سک و زمستان بلند» را منتشر نمود. در دوره پهلوی در اعتراض به دستگیری گروه گلرخی و اعدام وی و دانشان مدتی در زندان بود. بعد از انقلاب نیز به جریمه دگراندیشی و آزادیخواهی ۵ سال را در زندان به سر برد. از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵. او دوباره در اسفند ۱۳۷۱ به جرم نوشتن کتاب «زنان بدون مردان» که در آن به مسئله بکارت دختران اشاره شده بود، دستگیر و در زندان عادی زندانی بود. او در مورد اتهام این بارش می‌گوید: «من در باره مسئله بکارت فقط در طی چند جمله نکاتی را بازگو کرده بودم و هدفم از این کار کمک به تمام دختران و زنانی بود که در طول عمر با من درددل کرده بودند...» این کتاب در همان هفته اول در ۵۰۰ نسخه به فروش رفت. پس از انتشار کتاب «سگ و زمستان بلند» دستور جمع‌آوری و توقیف این دو کتاب صادر شد.

امروز شهرونش در شهر پرلکی آمریکا زندگی سختی را می‌گذراند. او می‌گوید: «ارزور دارم پولی جمع‌آوری کنم و در ایران خانه‌ای بخرم و به آنجا برگردم. و بنویسم و بنویسم. اما غم نان اگر بگذارد».

\*\*\*

گفته بودند شهرونش در شهر برلکی زندگی می‌کند. برای مصاحبه راهی آنجا شدم. در جوار محله‌ای که او در آن زندگی می‌کند، ساختمان‌های بسیار زیبایی همه جا سر کشیده‌اند. خانه‌های ویلایی قصر مانند و پراز گل‌های بی نظیر رونده مرا به یاد خانه‌های نیواوران و پیراسته تهران می‌اندازد. خانه‌های پر گل و گیاه و همه جا با استخری در میان. خوشحال می‌شوم. خوب، حداقل شهرونش پس از این همه رنج‌های خوبی زندگی می‌کند. همچنان که به هر مرهای سفید ساختمان‌ها و انبوه گل‌های لادن خیره شدم، صدای دوستان مرا به خود می‌آورد: «خانه شهرونش همین جاست». به استقبالان آمده، خانه او در بساریکه راهی است زیرزمینی رو به کوچه ای‌متری. بلافاصله وارد جای زندگی و اطاق زندگی او شده‌ام. کاشی‌های لخت خانه بعضی گلیم را می‌فشارد. از آن همه شکر، سهم شهرونش تنها یک وجب زیرزمین است در برابر آن همه کاش‌های زیبا فقر این اطاق بیشتر به نمایش گذاشته می‌شود. شاید اگر در ایران بود و یا حتی در آلمان، برایم عادی جلوه می‌کرد، اما در آمریکا کار دیگری است به هر حال سهم شهرونش مسکلت ما هیچگاه، بیشتر از این نبوده است. شهرونش بسیار با گذشته و یا همین ۳ سال پیش که او را در کنفرانس سیالک دیدم فریق کرده بود. آنکار جوانی‌اش را بدون آنکه تمام شده باشد در کوچه و پس‌و‌پس‌های زندگی دردناکش جا گذاشته بود. شهرونش ما در زیرزمینش پذیرایی ما می‌شود. هیچ کداممان را بخاطر بعضی حق دوستی را که بسارها دیده است. چای و شیرینی. مهرش بعضی فرودخورده‌ام را برطرف می‌کند. شوخی می‌کند و از انتخاب اسم عجیبش یعنی شهرونش می‌گوید و اینکه چرا تاکنون هیچکس اسم دخترش را شهرونش نگذاشته است. می‌گویم من شنیده‌ام که این نام را گذاشته‌اند. و حتماً بعدها بیشتر آتزا خواهیم شنید، چون نام زیبایی است. لبخند می‌زند گفتگو را شروع می‌کنیم.

عفت ماهباز

\*\*\*

● خانم پاریسی‌پور با سیاسی از اینکه علیرغم مشکلات عده‌ها آنان بدبوی ما شدید. خوب است که در آغاز از وضعیت خودتان و کتاب‌های جدیدتان بپروانیم.

○ قبل از اینکه شروع کنم، لازم است بگویم که من هر محفلی که دعوت کنند که حرف بزنم، با کمال میل می‌پذیرم. دست راستی و دست چپ می‌توانم، ولی همیشه اول اعلام موضع می‌کنم که روشن شود که من کی هستم. من سوسیالیست، به دمکراسی اعتقاد دارم و مدل آرمانی حکومت‌ها هم که نگاه می‌کنم، بیشتر نظرم کشورهای اروپای شمالی است. از نقطه نظر سیاسی دیدم اینگونه است.

● در حال حاضر دو رمان آماده چاپ دارم. یکی به نام «ماجراهای ساده و کوچک روح درخت» که در سوئد منتشر شده، دیگری رمانی است. داستان دانش است که البته به زبان غربی به آن Scientificaition می‌گویند. ستم نه «شیوه» است این رمان مفصل متجاوز از ۵۰۰ صفحه است که آنهم در سوئد چاپ شده و برای بخش آماده می‌شود.

● آیا در این دو کتاب به مسائل زنان به طور ویژه می‌پردازید یا اینکه عمومی برخورد کرده‌اید؟

○ واقعیت این است که من افکار فمینیستی که بخشی از زنان به آن معتقدند را ندارم. در نوشته‌هایم سعی می‌کنم که حداقل امکان شخصیت‌سازی کنم. اعم از زن یا مرد. بطور نمونه در داستان دانش «شیوه» قهرمان قصه مردی است بنام شیوا که مخترع و کاشف است و کارهای بسیار بزرگی می‌کند، البته در کنار او عده‌ای زن و مرد جوان و صاحب استعداد فراوان ظاهر می‌شوند و عمل می‌کنند و رمان در حقیقت یک رمان سیاسی است و ربط زیادی به مسائل زنان ندارد. در کتاب «ماجراهای ساده کوچک روح درخت»، دو قهرمان زن وجود دارد که در کنار قهرمانان مرد نقش بازی می‌کنند و وجود دارند. باز کتاب فمینیستی نیست. «عقل آبی» هم به هیچ عنوان حالت فمینیستی نداشت گرچه که قهرمان آن یک زن است که سروان را برمی‌دارد و تا آسمان هم می‌برد و



## چگونه به هدف نزدیکتر شدیم!

ملیحه محمدی

انتشار مقالات پی‌درپی رفیق‌نگهدار در نشریه کار و آکنش‌های بسیاری را در بیرون و درون سازمان برانگیخت، مقالات متعددی نیز در این نشریه، به ارتباط با آن منتشر شد. البته بعضی از این مقالات پاسخ‌گویی به شخص رفیق‌نگهدار بود و نه پرداختن به مضامین و مباحثی که او طرح کرده بود و این نقص بعضاً به جایی می‌کشید که خواندن آن را از حوصله فرد علاقمند به مباحث طرح‌شده و بی‌اطلاعی از کشش و کوششهای درون رهبری خارج می‌ساخت؛ اما به هر حال هیچ‌یک از نوشته‌های رفقا نبود که بطور کلی حاوی مطالب مضمونی که محور اختلاف نظرهای درون سازمان است نباشد. و به این ترتیب در مجموع این رویداد مثبتی شد که بابت آن باید از رفیق‌نگهدار علی‌رغم هرگونه اختلاف نظری سپاسگزار بود. برای من اما از این میان، مقاله رفیق‌تابان تحت عنوان زیبایی «به هدف نزدیکتر شده‌ایم!» از همه قابل‌استفاده‌تر و تعمق‌برانگیزتر بود، و به راستی انتظار داشتم که واکنشهایی را در حد معینی برانگیزد؛ اما این انتظار من چون پاسخی از جایی نیافت، در صدد برآمدم که به سهم خودم حرکت کنم و بخصوص با این امید که تنها پاسخ‌گویی به رفیق‌نگهدار و یا آینده‌های او نباشد که توشه راه سازمان برای عزیزمت به نگره شود. در پی این مقصود من به فصل فصل مقاله رفیق‌تابان همانگونه که خود او تفکیک کرده است می‌پردازم.

بند اول زیر عنوان «یک تذکر» حاوی یک بیزاری‌ست و چندین ادعا! و اینگونه آغاز می‌شود: «بحث در مورد تکنیک‌ها و خط مشی سیاسی در سازمان ما متأسفانه چندین سال است با بحث‌های آرزویی و تئوریک در مورد رفرمیسم، انقلاب، اصلاح‌طلبی، رادیکالیسم و موضوعات مشابه آمیخته شده است.» و با همین چند جمله این حیرت را برای امثال من باقی می‌گذارد که این بحث‌ها، ولو به این صورت آمیخته‌اش، در کجای سازمان ما صورت گرفته است؟! از جانب کدامین مدافعان این باورها! در کجاها منعکس شده‌اند!

کدام تلاش تئوریک انجام شده است تا معلوم کند که سازمان در کجای جنبش تحوّل‌طلبانه ایران و در کدام موضوع ایدئولوژیک سیاسی قرار دارد! مریزندی سازمان ما با جنبش کمونیستی جهانی که خاستگاه آن بوده است در پی کدام تلاش تئوریک، و در کدام نوشته‌ها بازتاب یافته است؟ جایگاه آن در سوسیالیسم واقعاً موجود امروز کجاست؟ هم‌اینگ و در همین مقاله، جز اشارات بعضاً کنایه‌آمیز رفیق‌تابان به این مقالات چه داریم؟ اینک و در این مقاله مورد ذکر بر مبنای تعاریف رفیق‌تابان، رفرمیست‌ها علاوه بر اینکه همه خوبی‌های عالم را به خود و همه «شر» عالم را به دیگران نسبت می‌دهند، چشمانی هستند که: «نمونه‌ای از پاکیزه‌طلبی‌های بی‌پایه‌شان این است که مدعی می‌شوند مسالمت‌جویی مختصر رفرمیسم است ... و همسرک رفرمیست نیست لاجرم خضوت‌طلب است.» این بد، و بدترین نوع ادعا علیه مخالفین است! یک ادعای واہی را به آنان نسبت دادن و لایه دفاعی‌های در سطحی نازل را چشم‌داشتن! اما نه! هیچ رفرمیستی دفاعی از این مقولات ندارد. و مسالمت‌جویی نباید محور یک بحث مضمونی در مورد رفرمیسم باشد، زیرا که رفرمیسم ملامک باورش تنها مسالمت‌جویی نیست - که آن می‌تواند انگیزه همه عافیت‌طلبان نیز باشد! - بلکه منطق رویدادهاست! رویدادهای تاریخی و مسیر تحولات ماندگار و پویای اجتماعی به رفرمیست‌ها آموخته است که آنچه با تلاش اقتضای وسیع‌تر مردم و با گذار از مسیر آگاهی جمعی به دست بیاید، بنایی پایدارتر و در وجدان اجتماعی ماندگارتر را پی‌ریزی می‌کند! و لاجرم از خطر تعرض قدرت‌ها مصون‌تر می‌ماند. و دوری از خضوت، که آن نیز به خودی خود یک هدف والای انسانی است، از تبعات چند گزینشی است. ولی باز باید از ایشان بپذیریم که، رفرمیست‌ها برای اثبات این «ادعای بیبوده»، - اختصاص مسالمت‌جویی به خود - «تاریخ زندگی» را از استدلالات خود حذف کرده‌اند و از جمله فراموش کرده‌اند که: «رفرمیست‌های استخواندارتر» از آنها در جنگ جهانی اول چه کردند! و رفیق‌تابان توجه نمی‌کنند که اگر حق داشته باشیم که خطای حزب سوسیال‌دمکرات آلمان را - و سپس به تاسی از آن احزاب سوسیالیست اروپا را - به دلیل برای عدم پایبندی رفرمیست‌ها به مسالمت عنوان کنیم، آن وقت باید «تاریخ زندگی» را بیشتر ورق بزنیم و ببینیم که جناب مقابل این سوسیال‌دمکراسی که با پیوستن به جنگ امپریالیستی به حق مخالفت می‌کرد، اما معتقد بود که باید به جبهه بلشویک‌ها پیوست، - لوکزامبورگ، لیبکنشت و دیگران - اگر در آن فاجعه باندهای سیاه از میان نمی‌رفتند و زنده

می‌مانند و پیروزی و استحکام حکومت شوروی را، قربانیان تصفیه‌های حزبی را، بهار پراگ را و لشکرکشی به افغانستان را و در یک کلام دستاورد مثنی انقلابی را می‌دیدند، چه می‌گفتند؟ من اما، ایشان را به داشتن ادعاهای «بی‌پایه»، «بیبوده» و مجموعه قابل شمارشی از این القاب - در یک پاراگراف کوتاه - متمم نمی‌کنم اما توجه می‌دهم که واژه‌های «سرنگونی طلب» و «اصلاح‌طلب»، «مفاهیم ذهنی و خود ساخته» رفرمیست‌ها برای «بحث‌های بیبوده» نیستند - آنگونه که ایشان ادعا کرده‌اند - و موارد استفاده عام‌تری دارند. و یکی دو سطر پائین‌تر از ایشان می‌پذیرم که «انقلابی بودن به تنهایی نمی‌تواند بیانگر هیچ مثنی معینی باشد» اما به عنوان یک نقطه ضعف! ولی این ادعای ایشان را مایلم کنگاش کنم که: «رفرمیستی‌بودن یک خط مشی نمی‌تواند بیانگر جنبه‌های مختلف چنین خط مشی باشد». نخست متذکر تعریف این دو مقوله را ببینیم که یکسان نیست و از مبانی توضیحی معینی برخوردار نیست! یعنی برای تعریف مثنی انقلابی، او تمام ابزار شناسایی را از دست فرد می‌گیرد و می‌گوید که از رویه مثنی انقلابی هیچ شناختی نمی‌توان به دست داد! و در یک کلام ما با پدیده‌ای روبرو هستیم که هیچ تعینی ندارد و می‌توان هر انتظاری را از آن داشت. این صحیح هم هست و دقیقاً همین است که من آنرا نقطه ضعف می‌بینم. اما بعد ایشان در تعریف خط مشی رفرمیستی از رویه دیگری برخوردار می‌کنند که باز هم صحیح است! یعنی اینجا به درستی می‌گویند که «جنبه‌های مختلف» آن می‌تواند روشن نباشد و این اساساً در تعریف از هر پدیده‌ای نه تنها غلط نیست، بلکه راه گشاست! اگر کاری به نتیجه‌ای که رفیق‌تابان می‌خواهد بگیرد نداشته باشیم، می‌توانیم این دو جمله را با یک حرف ربط ساده اینگونه بنویسیم: «انقلابی‌بودن به تنهایی، بیانگر هیچ مثنی معینی نیست، اما رفرمیستی‌بودن یک خط مشی نمی‌تواند جنبه‌های (گوناگون) آن را بیان کند» و بعد می‌توان افزود که: اما رفرمیستی‌بودن یک خط مشی متضمن بیان اصلی‌ترین وجوه آن مثنی است! مثلاً طریق کسب قدرت سیاسی را که از اساسی‌ترین بحث‌های مکاتب گوناگون سیاسی است، تعیین می‌کند و تاکید می‌کند که قدرت سیاسی را نه مثلاً با روش‌های کودتایی و نه مثلاً با انقلابات مسلحانه و نه با توطئه‌های سیاسی، می‌باید به دست آورد، بلکه بر پایه ارتقا سطح آگاهی جمعی از حقوق فردی و اجتماعی، و توسط حزب یا سازمان سیاسی که آرای آگاهانه مردم را نمایندگی کند و این نه تنها برای جلوگیری از خضوت و خون‌ریزی است، بلکه همانطور که گفتیم برای نیهای کردن و بحث بازگشت کردن اهداف بدست آمده است.

وجه اساسی دیگری که مثنی رفرمیستی مبین واضح آن است، هدف مبارزه است! هدف مبارزه را البته نباید صورت‌بندی حکومت گرفت زیرا که این مقوله به تناسب تغییرات و تحولات محیط اشکال گوناگون به خود می‌گیرد. کمابینکه کوتاه زمانی پیش از این، قابل تصور نبود که مثنی انقلابی بپذیرد که رفیق‌تابان ادعا می‌کنند و اسناد سازمان ما هم نشان می‌دهند، خواصان برقراری جمهوری دمکراتیک، بدون مهر طبقه خاصی باشد، هدف مبارزه طولانی جوامع بشری را باید امری عام‌تر و پایدارتر گرفت. هدف مبارزه رفرمیستی انجام اصلاحات در جامعه انسانی است تا همواره تاریخ، اما! همواره بر بستر امکانات موجود و با تلاش همیشگی برای گشایش دائم این امکانات و به این ترتیب هیچ چارچوبی در چارچوبه خود باقی نمی‌ماند. و در مورد ساختار حکومتی نیز مثنی رفرمیستی این تضمین کافی و واقعی را می‌بخشد که هدف نهایی برای یک مبارزه رفرمیستی هرگز نمی‌تواند برقراری نوعی از انواع دیکتاتوری باشد! یعنی غیر جدی است که شما بخواهید یا مثنی رفرمیستی سلطه حزب یا گروه یا طبقه خودتان را برقرار کنید! و این‌ها وجود اساسی و قابل محاسبه در حرکت سیاسی است که به محض آنکه شما بخواهید احتمال وقوع آنها را با احتمال تحریکات انقلابی در هم بیامیزد، اصلیت هر دو این مثنی‌ها را زیر پا گذاشته‌اید. و احزاب سوسیال‌دمکرات مورد اشاره ایشان نیز از این قاعده کلی نبوده‌اند که عدول

کردند یعنی راه رسیدن به قدرت سیاسی را همواره تکیه بر آرای دمکراتیک مردم قرار داده‌اند و هدفشان نیز همواره استقرار یک جمهوری دمکراتیک بوده است. اما اشاره که ایشان در آغاز این مطلب آورده‌اند در واقع باید بحث دنباله‌داری از مدتها پیش آنرا تعیین بخشیده بود! اما همین بیزاری رفیق‌تابان و بخش وسیعی از نیروهای هر دو طیف سازمان از بحث‌های مشخص اندیشه‌ای، سبب شده است که آنچه رفیق‌تابان یا مخالفان فکری او می‌گویند در حد اشاره و ادعا باقی بماند و هر تلاشی برای روشنی بخشیدن به مفاهیم اصلی فرهنگ سیاسی، از جانب هر دو نیرو عنوان «بحث‌های بیبوده، بی پایه ذهنی و خود ساخته» بگیرد! اما آن اشاره ناکافی این است که: «خط مشی سازمان ما به دلیل اهداف رادیکالی که در نظر داشته و دارد خط مشی انقلابی است» و در استدلالات این موضوع در واقع برگشته‌اند به این اصل منسوخ که هدف وسیله را توجیه می‌کند! درست است که عیناً همین واژه را به کار نبرده‌اند اما بسیار دقیقتر همین را گفته‌اند: «سیاست ما باید با هدفی که پیش روی خود گذاشته‌ایم، یعنی استقرار جمهوری دمکراتیک در کشور، تعیین و تعریف شود. خلاف کسانی که می‌کوشند رسیدن به این هدف را وسیله تقسیم‌بندی و حتی تعیین ماهیت خود و دیگران قرار بدهند». بسیار خوب رفیق‌تابان! پس اینکه در سازمان هم نیروی رفرمیستی و هم نیروی غیر از آن هدف خود را «استقرار جمهوری دمکراتیک در کشور» قرار داده‌اند، پس طبق تعریف شما نیز در سازمان با یک هدف واحد دو راهکار سیاسی وجود دارد و اینکه ایراد شما به آنها که می‌کشند به قول شما، چونگی رسیدن به این هدف را وسیله تعریف خود و دیگران قرار بدهند، آیا این نیست که چرا نمی‌گذارند شما این کار را بکنید؟ شما این تفاوت‌ها را تعیین کنید و آن گروهی را با آن مشخصات و اعتقادات که شردید معرفی کنید؟! شما آغاز این بند را با تاسفی آغاز کردید که مورد استنادش اساساً وجود نداشت، در حالی که نکته واقعا تأسف‌آور در قسمت‌های پایانی این بند بروز می‌کند آنجا که شما از اینکه قرار باشد «مبارزه با خضوت» معیار ارزش‌گذاری نیروها و مبنای مناسبات آنها با یکدیگر قرار بگیرد، نگران شده‌اید! ای کاش این نگرانی شما مورد داشت؛ و ای کاش چنین بود، و واقعا و اساساً در جامعه گرفتار خضوت ما، از پس این دوران طولانی که خضوت سلطه همه‌جانبه داشته است، دورانی فرا رسیده باشد که «معیار و مبنای ارزش‌گذاری و مناسبات» مبارزه با خضوت باشد! زیرا سطور پایانی این بند از نوشته شما نیز گرچه در تناقض آشکار با این دل‌نگرانی شماسات اما بسیار صحیح می‌گوید: «مهمترین شکاف امروز در جامعه ما، شکاف میان طرفداران دمکراسی و دیکتاتوری و مهم‌ترین صفت‌بندی نیز صفت‌بندی میان طرفداران دمکراسی و دیکتاتوری است و نه چیزی دیگر!» این البته دقیق است، اما شما سوال می‌آفرینید!

مگر دیکتاتوری اوج خضوت نیست و مگر شما در مقابل آن صفت‌بندی نکرده‌اید؟ پس چرا در مقابل آن صفت‌بندی نکرده‌اید؟ پس چرا مستفید که مبارزه با خضوت «معیار ارزش‌گذاری ... قرار بگیرد»؟ این بزرگترین موفقیت جنبش دمکراتیک است، اگر به دست بیاید! و پس از آن است که شما می‌توانید برای برقراری آرمان‌ها تا آنسوی آسوده‌تر مبارزه کنید. و متأسفانه یا خوشبختانه در جهان امروز «چگونگی رسیدن به هدف» تنها تابع بی‌معنایی از هدف نیست و ابزار و اصول آن اهمیتی کمتر از خود هدف ندارد! یک جمهوری پارلمانی مدرن در پی حفظ قدرت خود است و جمهوری اسلامی نیز. اما آنها از دو راه این هدف را دنبال می‌کنند. به همین علت است که مردم از جمهوری اسلامی به جمهوری آلمان یا فرانسه یا پادشاهی سوئد پناهانده می‌شوند و علی‌الاصول از طالبان به جمهوری اسلامی می‌گریزند!

بخش دوم زیر عنوان «یک یادآوری تاریخی»، دو نکته مورد بحث دارد و یک بی‌توجهی تاریخی! نکته اول اینکه رفیق‌تابان به درستی نوشته‌اند که «هدف سیاسی ما در دهه ۷۰ مبارزه در جهت پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک در کشور از طریق یک اکثریت

دمکراتیک بود که در کنگره پنجم تغییراتی در آن وارد شد، اما اصل آن، یعنی جایگزینی حکومت دمکراتیک با حکومت اسلامی بر جای خود باقی ماند». و ای کاش باز بحث‌های کافی و راهگشا صورت گرفته و معلوم کرده بود که در روند رو به رشد تاریخ و فرهنگ سیاسی، چرا پایان دادن فرع قرار می‌گیرد و اصل، استقرار دمکراسی می‌شود! چرا اکثریت‌یوسازی از دستور خارج می‌شود و «بزرگترین شکاف، شکاف میان طرفداران دمکراسی و دیکتاتوری» می‌شود! باری و به هر دلیل، این یک حرکت به جلو و همراهی با جوهر و منطق رویدادهاست و مبارک است.

اما همینجا و بلافاصله یک نتیجه‌گیری غلط بر مبنای یک بی‌توجهی تاریخی صورت می‌گیرد. رفیق‌تابان شاید در توجیه سیاست قبلی مبتنی بر براندازی ما، می‌خواهد بگوید که ما هیچگاه خلاف حرکت عمومی جامعه نبوده‌ایم و می‌گویید که در سال‌هایی که ما با سیاست براندازی‌مان مشغول بوده‌ایم مردم و جامعه نیز به همین امر پرداخته بودند. او می‌نویسد: «حوادث این سال‌ها (۶۹ تا ۷۶) تماماً در جهت همین ارزیابی سیر می‌کرد و جنبش‌های خودبه‌خودی و نیمه آگاهانه مردم، نه متوجه این یا آن بخش از حکومت، یا ایجاد اصلاحات معین در چارچوبه آن، که علیه تمامیت آن بود». در حالیکه رشد نسبی شرکت مردم در انتخابات مجلس چهارم و حمایت اقتدار میانی جامعه و امید بستن به اصلاحات هاشمی رفسنجانی، و پس از آن شرکت باز وسیع‌تر مردم در انتخابات مجلس پنجم، و سرانجام تدارک آرام و بطئی دوم خرداد، نشانه‌های آشکار نادرست‌بودن این تحلیل است. در این فاصله زمانی که ایشان شمرده‌اند قریب چهل شکل غیر دولتی زنان، حدود بیست‌هفت سال مستقل حمایت از حقوق کودکان، دهها تشکل جدید صنفی و دهها نشریه دگراندیش متولد شده‌اند و همه اینها در مجموع سهمی جامعه‌ای را ترسیم می‌کنند که نه مشغول براندازی‌ها که در کار اصلاحات است. البته حرکات اعتراضی حتی در اشکال خشن یا به خضوت‌کشنده شده در شهرها و مناطقی از ایران روی می‌دهد که درست به همین دلیل که جو عمومی جامعه خواهان خضوت و فداکردن برای به‌دست آوردن نیست، در همان مراحل آغازین خود بدون دستیابی به کمترین موفقیتی مستوقف شده است و البته با سرکوب که آسوده‌ترین و موثرترین پاسخ همه دیکتاتوری‌هاست!

و نکته مهم دیگر که مسئله مرکزی این بخش از مقاله ایشان است، اینکه ایشان برخلاف اتهام دائمی که به اصلاح‌طلبان در مورد متکی بودن رهبرندها به تغییرات درون حاکمیت دارند، خود گرفتار این پدیده هستند و این تغییرات مثبت درون دیدگاه‌ها و تحلیل‌های سازمان را ناشی از تغییرات (آن هم خود به خودی) درون حاکمیت ارزیابی می‌کنند! این شکفتی آور است که رفیق‌تابان می‌نویسد: «اگر این حقیقتی است که پیشبرد رفرم، رفرمیست می‌خواهد، باید دید که این رفرمیست‌ها در حکومت جمهوری اسلامی چه کسانی بودند». آری رفیق‌تابان! پیشبرد رفرم، رفرمیست می‌خواهد، اما ابتدا در جامعه و نه در حکومت! پیش‌شرط حضور رفرمیست در حاکمیت وجود مبارزه رفرمیستی در جامعه است و این حقیقتی که امروز شما به درستی به آن اشاره می‌کنید به دست نمی‌آید اگر نیروهایی در جامعه ایران به مبارزه رفرمیستی اعتقاد نداشتند و تحت هرگونه شرایطی برای آن مبارزه نکرده بودند،

زیرا که رفرمیسم یک شیوه مبارزه است و نه یک شیوه حکومت و همانطور که شما بهتر از من می‌دانید، این صحیح نیست که مبارزه‌ای را منوط به وجود همراهان آن در حکومت بکنیم. همانگونه که انقلابیون مبارزه می‌کنند تا مگر انقلابیون را به حکومت بفرستند. و سوی دیگر تحلیل شما این است که شما می‌گویید تا زمانی که رفرمیست‌های داخل ایران نتوانسته بودند تأثیری بر حکومت بگذارند ما حق داشتیم که براندازی را تبلیغ کنیم و اینکه که حاصل تلاش آنها به بار ننشسته است ما می‌توانیم باورشان کنیم. و اصلاً نمی‌گویید که چرا ما در مبارزه پیروزی که آنان پی گرفته بودند همراهشان نبودیم!

مسئله دیگری که در این قسمت از مطلب رفیق‌تابان برای من الزام به گفتار را ایجاد می‌کند این اشاره مکرری است که در سازمان ما سالیهاست به دوران هاشمی رفسنجانی و احتمالاً توهماتی که او برانگیخته باشد بر می‌گردد. برای من روشن نیست که رفیق‌نگهدار چه برداشتی از سیاست و نقش هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس جمهور داشته است. من اما ایمان دارم که ریاست جمهوری رفسنجانی حتی اگر تنها به خاطر ادعاهایی که قدرت و حتی خواست انجام آنها راه نداشت - ولی به هر ترتیب در جامعه جاری شد - به علت لیبرالیسمی که او البته تنها از جهت اقتصادی به آن نظر داشت، اتفاقی مثبت و لازم در مسیر حرکتی بود که جامعه ایران در کلیت خود طی کرد! بدون گذار از لیبرالیسم بدوی هاشمی رفسنجانی گذار از دوره خامنه‌ای به خاتمی امکان نداشت! اگر بعد از ریاست جمهوری خامنه‌ای مثلا یزدی یا ریشتری را داشتیم، در نهایت امروز نوبت رفسنجانی بود!

بخش سوم تحت عنوان «اشتباه‌ها» باز هم حیرت‌انگیز است! رفیق‌تابان صحبت از «جناح چپ حکومت که با اندیشه‌های نو به حکومت بازگشته بود» می‌کند. آیا به صرف حضور خاتمی در وزارت ارشاد که با آنچنان اقلیت مطلقی مواجه بود که ناگزیر به استعفا شد، حکومت جناح چپی داشت که از آن کنار رفته و یا کنار گذاشته شده بود و اینکه به آن بازگشت می‌کرد؟ نگاه کنیم به این استدلال عجیب: «... این امکان زمانی پدیدار شد که جناح چپ حکومت با اندیشه‌هایی نسبتاً نو بار دیگر به عرصه سیاست بازگشت. و مورد تأیید بخشی از مردم بود.» دانشجویان قرار گرفتند. رفیق‌تابان! این جناح در یک رفت و برگشت ارادی اصلاح‌طلبان تین و توضیح نیست! به صرف وجود خاتمی به عنوان وزیر ارشاد، شما نمی‌توانید صحبت از رفت و برگشت یک نیرو در حاکمیت بکنید. این نیرو در بازگشت خود «به استقبال مردم و دانشجویان» مواجه نشد، بلکه بازگشت او حاصل کار سخت و سازنده مردمی بود که فعالیت سیاسی را به پای صندوق‌های رای کشانده بودند! مردمی عبرت‌آموخته از سقوط یک شبه و ظهور یک شبه! این جریان به «عرصه سیاست» به قول شما بازگشت، زیرا نیرویی سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر شرایط بازگشت او را فراهم کرده بود. نیروی معتقد به انستخابات هرچند ضعیف، هرچند کمتر دمکراتیک! این نیرو در انتخابات مجلس چهارم کمیته که تولید کیفیت کند نداشت، اما بر شیوه خود اصرار ورزید: در انتخابات مجلس پنجم نیروی پیشتری از مخالفان دیکتاتوری و علاقمندان به آزادی را به پای صندوق‌ها کشاند و باز هم اما در اقلیت بود و سرانجام او توانست دوم خرداد را بیافریند که دو سال و اندی است که به تفسیر آن مشغولیم و هنوز گرفتار این هستیم که شما بگویید تحریم دوم خرداد صحیح نبود اما ما نباید بدون تضمین کافی برای فعالیت آزادانه احزاب از سوی آقای خاتمی رای‌مان را به او می‌دادیم!

رفیق‌تابان هم‌اینگ و هم امروز نیز با اینکه انتخاب خاتمی مورد تأیید تقریباً همه اپوزیسیون واقع‌بین قرار گرفته است، خاتمی قادر نیست به شما برای فعالیت قانونی احزاب تضمین بدهد، چه برسد به فعالیت آزاد!

### فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماه □ یک سال □ تاریخ:

نام: Name: .....

نشانی: Address: .....

.....  
.....

فرم را همراه با پهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس: □ پست‌کنید!

دکتر پیمان:

تاریخ مصرف خشونت‌طلبی گذشته است

هفته گذشته در روزنامه «اخبار اقتصاد» مصاحبه‌ای با دکتر حبیب‌الله پیمان، در رابطه با حوادث اخیر ایران درج گردید. بخش‌هایی از این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

مجموعه منازعه‌های سیاسی را تا پیش از هفته اخیر می‌توان به این صورت ترسیم کرد:

اول - اختلاف و نزاع میان جناح‌های مختلف به وضع خطرناکی تشدید شده بود و بیم آن می‌رفت که به یک نبرد سرنوشت‌ساز تبدیل شود. این وضعیت ثبات و استحکام نظام را تهدید می‌کرد و شکافی در حاکمیت به وجود می‌آورد. بطور کلی ادامه نزاع (که تضعیف نظام را باعث می‌شود)، ممکن است رشد و محبوبیت بیشتر نیروهای مستقل را در پی داشته باشد و به تبع آن نیروهای ناراضی به ویژه دانشجویان، جرات بیشتری برای ابراز مخالفت پیدا می‌کنند.

دوم - با کشیده شدن پای مدرسین حوزه‌های علوم دینی به درون معرکه اخیر، این نگرانی پدید آمد که صف‌بندی تازه‌ای در میان فقیهان و مدرسین ظهور کند و بخش عمده‌ای از آن‌ها به صف ناراضیان و مخالفان بپیوندند. اظهار مخالفت‌ها نیز علنی‌تر و صریح‌تر شود. جبهه طرفداران آیت‌الله منتظری تقویت گردد و حیثیت و اعتبار لاقبل یک جناح از حاکمیت در میان طلاب و مدرسین به شدت تنزل پیدا کند و در نهایت حاکمیت، حمایت موثر خود را از دست بدهد. بدیهی است بروز شکاف و اختلاف و نزاع میان روحانیون - و مقدم بر همه آن‌ها در میان دو تشکیلات روحانیت و روحانیون - به تشدید و توسعه‌ی عارضی که در بند اول آمد، کمک می‌کند.

سوم - موجی که به بهانه توهین به مقدسات از سوی محافل راست علیه جبهه دوم خرداد برانگیخته شد، بعد از روبرو شدن با واکنش مردم و جرایم و شخصیت‌های وابسته به این جبهه و موضعگیری مخالف برخی از فقهایی حوزه و صدور اعلامیه جامعه روحانیت و پاسخ‌هایی که به آن داده شد، و اظهارات خزعلی و دیگران باعث شد که موج مزبور با شدت بیشتری علیه جریان راست بازگشت کند، ضربه‌ای مهلک بر حیثیت و مشروعیت آنان وارد آورد و با ایجاد شکاف در صف راست، آن را متلاشی و آخرین شانس‌های پیروزی در انتخابات مجلس ششم را از کف آنان خارج سازد. در واقع آتش که راست پرافرودخت، دامن خودش را فرا گرفته بود و می‌رفت تا آسیبی جبران‌ناپذیر به آن وارد آورد.

چهارم - جنجال اخیر و تشدید نزاع در میان اجزای حکومت و احتمال بروز خشونت‌های بیشتر موجب بی‌ثباتی بیشتر اوضاع و تشدید بی‌اعتمادی دولت‌ها و شرکت‌ها نسبت به نتایج سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های اقتصادی کشور می‌شد. با توجه به ارزیابی منفی که از ثبات و امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران به عمل آمده است و ریسک بسیار بالای سرمایه‌گذاری و ادامه بی‌ثباتی هرگونه امید به جلب سرمایه و حمایت کشورهای غربی را از بین می‌برد. با توجه به بحران اقتصادی کشور و نیاز مبرم حکومت به سرمایه، این وضعیت برای کل نظام و حاکمیت خطرناک بود و همه جناح‌های چپ و راست از آن زی‌شان می‌دیدند. در حال حاضر همه جناح‌های حکومت جز جبهه شدت‌گرا و خشونت‌گرای

راست، بسی‌ثباتی بیشتر را نمی‌خواهند و طرفدار سیاست تسنن‌زدایی در روابط بین‌المللی و جلب سرمایه خارجی هستند.

سخنرانی آقای خاتمی از آشوب و در نتیجه ناامنی و بی‌ثباتی بیشتر اوضاع جلوگیری کرد و تا حدودی ثبات و امنیت را بازگرداند و روند بی‌اعتمادی و فرار سرمایه و مغزها را فعلاً تا حدودی کند خواهد کرد.

پنجم - بخش خشونت‌گرا و افراطی جناح راست که به لحاظ ویژگی‌هایش از آشوب اخیر برای تجدید قوا و ترمیم حیثیت و اعتبار و مشروعیتی که در پی قضایای قتل‌های زنجیره‌ای و حادثه تیر ماه کوی دانشگاه به شدت لطمه دیده بود، استفاده کرد و در صدد بود با به دست‌گرفتن ابتکار عمل و سوار شدن بر موج، به حادثه آفرینی بپردازد و با ایجاد تشنج و بحران‌زایی موقعیت خود را مستحکم کند و ضربه مهلکی بر جبهه دوم خرداد و نیروهای مخالف وارد آورد و با این ابتکار، کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی ناامن جلوه داده، دستاوردهای دولت را در بهیودبخشیدن به روابط بین‌المللی از بین ببرند.

● اخبار اقتصاد: آیا جریان‌های خشونت‌طلب که نام بردید، ممکن است به برخی منابع قدرت وصل باشند؟

○ پیمان: این اقدام‌ها در گذشته و تا این اواخر برای جناح راست حاکمیت سودمند بوده است ولی اکنون با توجه به تغییر بنیادی که در ماهیت سیاست‌های نظام در حال انجام است، ادامه فعالیت آنها، زیانبار ارزیابی می‌شد لذا از مدتی پیش قصد کنترل و منزوی کردن آنها را داشته‌اند. اکنون برای این جریان‌های خشونت‌طلب باید مسلم شده باشد که مدتی است تاریخ مصرفشان به سر رسیده و حتی جناح راست نیز سعی خواهد کرد از آنها فاصله بگیرد.

● سخنرانی رهبری را در متن وقایعی که بر شمردید چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ روی هم رفته این سخنرانی را باید در پاسخ به عللی که بر شمردم و نیز تثبیت رهبری به عنوان یک مقام فراجناحی و مسئول حفظ یکپارچگی نظام، مثبت ارزیابی کرد.

● جناح‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب پس از وقایع اخیر، چه وضعیتی پیدا کردند؟

○ اگر موقعیت جناح‌های محافظه‌کار را در برابر جبهه دوم خرداد در جنجال اخیر با موقعیت آنان و پس از ایراد سخنرانی رهبری مقایسه کنیم، روی هم رفته، به این نتیجه می‌رسیم که جریان راست در این حادثه زیان دید و سخنرانی بیشتر از آن که به سود آنان باشد موقعیت دولت آقای خاتمی را استحکام بخشید. هر چند که آنان نیز در تحلیل‌هایی از لبه پرتگاه یک شکست فضاخوار موقت دور شدند.

● فکر می‌کنید امکان نزدیکی جناح‌ها پس از این وجود خواهد داشت؟

○ برای چنین منظوری در وهله اول بخش میانه‌روی جناح راست و محافظه‌کار می‌باید پیش از پیش به کارگزاران و در قدم بعد به مجمع روحانیون و گروه‌های وابسته به آن نزدیک و موجب تشکیل یک جبهه ائتلاف غیررسمی و شاید هم رسمی و علنی شود در این صورت البته می‌توان انتظار داشت که پس از این، بخش افراطی و خشونت‌گرا جناح راست، تحت کنترل بیشتر درآید و حضورشان نیز در صحنه سیاسی

کشور به تدریج کم‌رنگ شود. در این حالت محتمل است که فشار بر بخش تندروی جبهه دوم خرداد و دانشجویان و جرایم آزادیخواه نیز افزوده شود و کوشش برای منزوی‌ساختن و بیرون‌راندن آنان از صحنه و یا حد‌اقل، کساندن آنان به میانه‌روی و همگامی بیشتر با ائتلاف راست و میانه‌رو افزایش پیدا کند.

● فکر می‌کنید جبهه دوم خرداد با چه موج‌های دیگری مواجه خواهد شد؟

○ جبهه دوم خرداد بزودی در برابر دو چالش و تقاضای قرار می‌گیرد، یکی از جانب راست برای تبدیل روش‌ها و هدف‌ها و به خصوص خودداری از هرگونه تلاشی برای پیوند خوردن با توده‌های ناراضی، نیروهای بیرون از حاکمیت و پرهیز از انعکاس‌دادن خواسته‌ها و فعالیت‌های آنها، خودداری از تشنج دانشجویان و روشنفکران و طبقه متوسط به حضور در صحنه و تشکل و سازماندهی و تن‌دادن به همکاری و سازش با بقیه جناح‌ها و فاصله گرفتن از غیرخودی‌ها. موج دوم از جانب دانشجویان و نیروهای ناراضی و روشنفکر کشور است که بر ادامه شعارهای دوم خرداد، دفاع از حقوق و آزادی‌ها، مخالفت صریح با تقسیم شهروندان به خودی و بیگانه، خودداری از سازش با انصارطلبان و محافظه‌کاران، تأکید بیشتر بر خواسته‌های مردم و توأم‌کردن شعار عدالت با آزادی و حمایت از جنبش دانشجویی و انتقاد صریح از سیاست‌های غلط حاکمیت و روش‌های جناح راست پافشاری می‌کند.

● امکان بروز شکاف را در جریان دوم خرداد، تا چه حدی جدی ارزیابی می‌کنید؟

○ به هر حال ناهمگون بودن ترکیب اجتماعی جبهه دوم خرداد بروز شکاف را در موقعیت‌های بحرانی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. وجود گرایش‌های لیبرال از یک سو و حضور عضویت بیست ساله در ساخت قدرت از سوی دیگر و فقدان یک استراتژی، انسجام این جبهه را آسیب‌پذیر ساخته است. جبهه دوم خرداد هنوز تعریف دقیقی از خود، هدف‌ها و استراتژی خویش به دست نمانده است. اگر ائتلافی از راست میانه و کارگزاران و چه بسا بخش‌هایی از خط امام وضعیتی جدید برای نظام ترسیم کند.

مجاهدین انقلاب اسلامی:

بررسی مواضع نیروها در انتخابات مجلس

نشریه «عصر ما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در آخرین شماره خود تحلیلی از صف‌بندی نیروها و مواضع آنان در قبال انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، ارائه داده است:

«در حال حاضر، دو جریان قدرتمند و صاحب نفوذ را می‌توان در انتخابات دوره ششم موثر دانست: جبهه دوم خرداد و حامیان آن و مجموعه مخالفان دوم خرداد.

جبهه دوم خرداد به لحاظ تشکیلاتی دربرگیرنده طیف‌های برابر دو چالش و تقاضای قرار می‌گیرد، یکی از جانب راست برای تبدیل روش‌ها و هدف‌ها و به خصوص خودداری از هرگونه تلاشی برای پیوند خوردن با توده‌های ناراضی، نیروهای بیرون از حاکمیت و پرهیز از انعکاس‌دادن خواسته‌ها و فعالیت‌های آنها، خودداری از تشنج دانشجویان و روشنفکران و طبقه متوسط به حضور در صحنه و تشکل و سازماندهی و تن‌دادن به همکاری و سازش با بقیه جناح‌ها و فاصله گرفتن از غیرخودی‌ها. موج دوم از جانب دانشجویان و نیروهای ناراضی و روشنفکر کشور است که بر ادامه شعارهای دوم خرداد، دفاع از حقوق و آزادی‌ها، مخالفت صریح با تقسیم شهروندان به خودی و بیگانه، خودداری از سازش با انصارطلبان و محافظه‌کاران، تأکید بیشتر بر خواسته‌های مردم و توأم‌کردن شعار عدالت با آزادی و حمایت از جنبش دانشجویی و انتقاد صریح از سیاست‌های غلط حاکمیت و روش‌های جناح راست پافشاری می‌کند.

● امکان بروز شکاف را در جریان دوم خرداد، تا چه حدی جدی ارزیابی می‌کنید؟

○ به هر حال ناهمگون بودن ترکیب اجتماعی جبهه دوم خرداد بروز شکاف را در موقعیت‌های بحرانی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. وجود گرایش‌های لیبرال از یک سو و حضور عضویت بیست ساله در ساخت قدرت از سوی دیگر و فقدان یک استراتژی، انسجام این جبهه را آسیب‌پذیر ساخته است. جبهه دوم خرداد هنوز تعریف دقیقی از خود، هدف‌ها و استراتژی خویش به دست نمانده است. اگر ائتلافی از راست میانه و کارگزاران و چه بسا بخش‌هایی از خط امام وضعیتی جدید برای نظام ترسیم کند.

جایگاه ایران در هزاره آتی

شاخص‌های توسعه‌یافتگی آن ایستاده است؟

... بحث بر سر بضاعت ما برای ورود به هزاره سوم است. به نظر می‌رسد در این زمینه مجموعه جامعه و نظام به کوشش فراوان برای غلبه بر لوازم ورود به هزاره سوم نیاز دارند تا حداقل در زیر چرخ ارابه تیزرو پیشرفت و توسعه آسیب نیندند. توسعه ارتباطات بی‌سوز در عرصه رسانه‌های نوشتاری و مطبوعات یکی از راه‌های پرکردن خلاء ارتباطی و تأمین سریع نیاز افکار عمومی به داده‌های نوین است. سردیر روزنامه عصر آزادگان سپس نتیجه می‌گیرد: «ما گرداندگان روزنامه عصر

آزادگان با اندوخته‌ای از تجربه و به‌رغم کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، همچنان خود را مکلف می‌بینیم که در این عرصه، خدمت‌گزار ملت و دولت و نظام جمهوری اسلامی باشیم، چرا که به کشورمان و سرزمین مادری‌مان عشق می‌ورزیم، و به انقلاب شکوهمندمان و نظام‌مان و رهبران علاقه‌مندیم و به مردم‌مان و مخاطبان آشنایمان سخت وابسته‌ایم».

شمس‌الواعظین با یادآوری نامه‌های سرگشاده گرداندگان روزنامه نشاط به محمد خاتمی رئیس‌جمهور و هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه، ادامه می‌دهد: «ما با ارزیابی و

تشکل‌های گوناگون و سلیقه‌های بعضاً متفاوت به انسجام بیشتر در میان خود، خصوصاً در زمینه معرفی نامزدهای انتخاباتی می‌اندیشند. کارگزاران که در این زمینه، به دلیل داشتن یک تشکل واحد، از انسجام بیشتری برخوردار هستند، احتمالاً به دنبال طرح نامزدی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس آینده‌آل خود می‌باشند. این تلاش طبیعی کارگزاران، از آنجاکه بر خواست عناصر معتدل مجموعه مخالفان دوم خرداد نیز منطبق است، در برخی از محافل سیاسی تصور ایجاد نوعی ائتلاف میان آنان و جناح راست را به وجود آورده، که البته از سوی کارگزاران قویا تکذیب شده است. با توجه به اینکه اصولاً نامزدی آیت‌الله هاشمی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی، هنوز قطعیت نیافته و احتمالاً در صورت عدم توافق عمومی طیف‌ها بر سر نامزدی ایشان، قطعیت نخواهد یافت، به نظر می‌رسد تکذیب فوق مورد پذیرش بسیاری از ناظران و گروه‌های سیاسی قرار گرفته است و در این صورت، جبهه دوم خرداد از مین سخت خود را با موفقیت، یعنی با حفظ اتحاد و همبستگی تمامی جناح‌ها و تشکل‌های همسو به پیش خواهد برد. تشکیل شورای سیاست‌گذاری انتخابات مجلس ششم از سوی سران ۱۶ گروه عضو جبهه دوم خرداد و برپایی ستاد اجرایی آن، نشانه عزم جدی تمامی این گروه‌ها برای حفظ صفوف متحد و یکپارچه خود در شرایط خطیر کنونی و در جریان انتخابات است. □

مشاوره قضایی

محمدرضا تقیری

پیروزی اوپک در افزایش قیمت نفت خام، من شادمان نشدم! نگاه‌های کوتاه به ساختار سازمانی چپ عبدالحمید یزدان‌شناس نشاط موقوف خشونت در تقابل استدلال هوشیارامامی برای رقصیدن ابتدای‌ایستادن و راه رفتن را آموخت محسن دروزی «تذکری» در فاصله یک رنگ تفریح عبدالصمد امیری نامه بدون عنوان س. فرید ارواح سخن می‌گویند رحمان سوفی نامه‌ای به دوستان فدایی کامی نجم‌آبادی دولت و جامعه مدنی بدون امضاء نام‌های به «اکثریتی»ها امید خداداد زمستون (داستان) مساله کردی و چند نامه بدون امضاء با تشکر از همه دوستانی که پیشنهادات، تذکرات و نظرات خود را در اختیار «کار» قرار می‌دهند، کوشش ما کماکان این است که با توجه به نزدیکی زمان نگره و حجم مقالاتی که در این ارتباط در «کار» انتشار می‌یابد، سرپرست در انتشار مقالات رسیده بگوئیم. بار دیگر این تذکر را ضروری می‌بینیم که در نامه‌ها و مقالاتی که به دفتر نشریه ارسال می‌شود، نکات بدیهی هر نامه‌نگاری، از جمله پرهیز از خط‌خوردگی‌ها، نوشتن بر یک روی کاغذ سفید، گذاشتن عنوان و امضاء رعایت شود. □

همزمان اگر روزنامه نشاط مرتکب تخلفی شده است، بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی با حضور هیات متصفه نسبت به اتهامات رسیدگی بعمل آید.

۳ - با تداوم روند اصلاحات در قوه قضائیه و حذف افراد وابسته به جناح‌های سیاسی و انجام اصلاحات لازم در ساختار قوه قضائیه و قوانین جاری، بطور بنیادی و اساسی زمینه‌های لازم برای تأمین استقلال قوه قضائیه و امنیت قضائی تأمین گردد.

برخی امضاءکنندگان این نامه: مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر حبیب‌الله پیمان، دکتر یزدی، مهندس علی‌اکبر سعیدفر، احمد صدر حاج سیدجوادی، حسن یوسفی اشکوری.

اعتراض به توقیف روزنامه نشاط

سیاسی و قضائی، اجرای قانون و عدالت تأکید داشته‌اند، هنوز حکایت از نفوذ و حضور جریانی در دستگاه قضائی کشور دارد که به جای «قانون‌مداری» بر «خودسری» اصرار می‌ورزد.

با توجه به مراتب فوق، ما امضاءکنندگان زیر از رئیس محترم قوه قضائیه مصرأ می‌خواهیم:

۱ - به تخلفات قاضی دادگاه مطبوعات سریعاً رسیدگی و از تکرار این قبیل خودسری‌ها جلوگیری شود.

۲ - از روزنامه نشاط رفع توقیف بعمل آید تا خدمتگزاران روزنامه نشاط بتوانند به خدمات ارزشمند فرهنگی - اجتماعی خود ادامه دهند.

مقالات و نامه‌های رسیده

محمدرضا تقیری

پیروزی اوپک در افزایش قیمت نفت خام، من شادمان نشدم! نگاه‌های کوتاه به ساختار سازمانی چپ عبدالحمید یزدان‌شناس نشاط موقوف خشونت در تقابل استدلال هوشیارامامی برای رقصیدن ابتدای‌ایستادن و راه رفتن را آموخت محسن دروزی «تذکری» در فاصله یک رنگ تفریح عبدالصمد امیری نامه بدون عنوان س. فرید ارواح سخن می‌گویند رحمان سوفی نامه‌ای به دوستان فدایی کامی نجم‌آبادی دولت و جامعه مدنی بدون امضاء نام‌های به «اکثریتی»ها امید خداداد زمستون (داستان) مساله کردی و چند نامه بدون امضاء با تشکر از همه دوستانی که پیشنهادات، تذکرات و نظرات خود را در اختیار «کار» قرار می‌دهند، کوشش ما کماکان این است که با توجه به نزدیکی زمان نگره و حجم مقالاتی که در این ارتباط در «کار» انتشار می‌یابد، سرپرست در انتشار مقالات رسیده بگوئیم. بار دیگر این تذکر را ضروری می‌بینیم که در نامه‌ها و مقالاتی که به دفتر نشریه ارسال می‌شود، نکات بدیهی هر نامه‌نگاری، از جمله پرهیز از خط‌خوردگی‌ها، نوشتن بر یک روی کاغذ سفید، گذاشتن عنوان و امضاء رعایت شود. □



# وضع کنونی و دورتها

# اعلامیه ضد دولت را

## از روی ستون روزنامه‌ها می‌نویسند!

است. از لحاظ عملی دلیل علاقه انگلیس در پایان قرن گذشته و آغاز قرن کنونی را می‌توان در آثار استراتژی‌هایی همچون هالتورد مکیندر و ماهان یافت. تصادفی نیست که طی دوره‌های طولانی این منطقه و بویژه کشور ما محل تاخت و تازهای دو قدرت انگلیس و روس بوده، و باز هم تصادفی نیست که در برنامه قدرت‌های رقیب این دو قطب قدرت، منطقه قفقاز، آسیای میانه و خلیج فارس جای ویژه‌ای داشته است. تلاش دولت آلمان برای نفوذ در دست‌گادهای حکومتی ایران در دوران جنگ جهانی اول و سپس تلاش جهت ایجاد راه‌آهن بنداده (۱۹۱۲) نمونه‌وار است.

در دوران جنگ دوم جهانی نیز تصرف قفقاز یکی از طرح‌های اصلی آلمان نازی را تشکیل می‌داد. تبدیل ایران به «پل پیروزی» و سپس حضور سه قدرت برتر بین‌المللی در دوران جنگ دوم جهانی را نیز در همین چارچوب می‌توان ارزیابی کرد. کنفرانس یالتا و آغاز جنگ سرد ابعاد جدیدی به این کشاکش‌های بین‌المللی بخشید. از یکسو قدرت‌های متکی بر نیروی تازه‌نفس امپریالیسم آمریکا در پیگیری سیاست‌های کهن ژئوپلیتیکی، از جمله کشیدن کریندا امنیتی بدور «اتحاد شوروی» و «کنترل بر منابع انرژی خلیج فارس» گام‌های فزاینده و سیطره خود در این منطقه را گسترش دادند. نمونه‌هایی از سیاست انگلوساکنون عبارت است از: کودتا علیه دکتر مصدق، حمایت از دولتها و نیروهای ارتجاعی منطقه، باوراندن الزامات امنیتی ماورا اقیانوسی به این دولتها و نیروها پمناهی الزامات امنیتی خودشان و به تبع آن کشتن نیروها به پمناهی نظامی، نفوذ در ساختار دفاعی کشورهای منطقه، حمایت از سرکوب هر جنبش دموکراتیک در این کشورها، نابودسازی ساختار اقتصادی این کشورها به کمک طرح‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به منظور محتاج نگه‌داشتن این کشورها بخود.

کشورهای این منطقه بود - که تا پیش از آن تحت تاثیر میدان رباپوش نیرومند دو قطبی به این یا آن قطب نزدیکی می‌کردند. وضعیت موجود زمینه مساعدی برای برخی کشورهای منطقه پدید آورده است که از راه همسویی با این یا آن قطب در صدد تحقق آن طرح‌ها و نقشه‌هایی برآیند که در فضای جنگ سرد وجود داشت. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) عراق: حاکمان این کشور که سودای رهبری جهان عرب را در سر می‌پرورانند، پس از پیروزی انقلاب در ایران و پیش از پایان جنگ سرد کوشیدند به این آرزوی خود جامه عمل بپوشانند. آنها از طریق جلب حمایت محافل امپریالیستی بویژه امپریالیسم آمریکا با حمله با خاک ایران اهداف چندگانه‌ای را تعقیب می‌کردند: از یکسو قصد داشتند که با جداسازی مناطق نفت‌خیز ایران به ثروتی عظیم دست‌یابند و نقشه دیرینه خود مبنی بر گسترش حضور خویش در خلیج فارس تحقق بخشند و به این ترتیب با تجدید نظر در مرزهای جغرافیایی از تگنای ژئوپلیتیکی کنونی خلاصی یابند؛ از سوی دیگر با نشان دادن قدرت نظامی خود به سایر کشورهای عربی آنان را بزرگ پرچم رهبری خویش بکشند. در ضمن آنها می‌خواستند از طریق یک پیروزی سریع بر ایران رزمهای روحی شکست خود در درگیری‌های نظامی - که به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ختم شد - را نیز التیام بخشند.

بی‌فرجام ماندن جنگ ایران و عراق، بدهکاری هنگفت عراق به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و فشار آنها به این کشور برای پرداخت بدهی‌ها، حاکمان عراق را بر آن داشت که برای حل مشکلات داخلی، غلبه بر ضعف ژئوپلیتیکی این کشور - مبنی بر دستیابی محدود به آبهای بین‌المللی - و نبیل بر بهری جهان عرب، مسیر دیگری را برگزینند؛ یعنی حمله به کویت و احتمالا عربستان.

سیاست‌های عظیم طلبانه عراق در نهایت منجر به کنترل نظامی قطب انگلوساکنون بر منطقه، مسابقه تسلیحاتی و ایجاد جو سولن و تشنج که مانع هر نوع همکاری در این منطقه است، شده.

(۲) ترکیه: این کشور پس از پایان جنگ سرد دست به تلاش وسیعی زد تا با دست یافتن بر سروری منطقه‌ای بحرانهای مزمن خلیج فارس را تسخیر بخشد. سهجمن منظور از فردای شکل‌گیری جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز سیاست‌گذاران ترک کوشیدند از طریق همسویی با سیاست نوین ایالات متحده آمریکا در برابر این جمهوری‌های نوپا، از یکسو بر اعتبار استراتژیک ترکیه در چشم سیاست‌پردازان آمریکایی بیفزایند و از سوی دیگر به نقشه‌های پان‌ترکی خود جامه عمل بپوشانند.

یکی از مشکلات بزرگ این کشور، بحران هویت است. ساکنان ترک این کشور بر سر چند راهه تصمیم‌گیری در مورد هویت کشورشان قرار گرفته‌اند. آنها از یکسو می‌خواهند با ورود به اتحادیه اروپا وارد «باشگاه کشورهای پیشرفته» شوند، از سوی دیگر نمی‌خواهند که جایگاه خود را در میان کشورهای اسلامی از دست بدهند؛ از یکسو می‌خواهند بعنوان پیرو «دموکراسی غربی» در محافل بین‌المللی شناخته شوند، از سوی دیگر به خشن‌ترین شیوه‌ها در سیاست داخلی خود متوسل می‌شوند؛ از یکسو تلاش دارند که در قطب قدرت اروپا - که از لحاظ سیاسی در حال شکل‌گیری است - سهمی داشته باشند، از سوی دیگر از راه همسویی با سیاست‌های استراتژیک ایالات متحده در خاورمیانه نوین به تقابل با سیاست‌های بین‌المللی قطب «اروپا» مسکور» می‌پردازند.

حاصل این بلا تکلیفی و بی‌هویتی مناسبات تیره و سرد این کشور با اکثر قریب به تمامی همسایگان و اشتفتگی فضای منطقه است. لشکرکشی‌های گاه و بیگاه ترکیه به عراق، سد سازی بر روی رودهای دجله و فرات و بستن آب بر روی سوریه، مناسبات تیره تاریخی ارمنستان، دشمنی دیرینه با یونان و بخش‌هایی نشین قبرس، تیرگی روابط با بلغارستان بر سر مسئله مسلمانان این کشور، کشمکش‌های گاه و بیگاه با ایران، تلاش برای پیشبرد سیاست پان‌ترکی در جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز و در نتیجه تبدیل این منطقه به عرصه رقابت ناسالم بجای همکاری توسعه‌آمیز، گوشه‌هایی از سیاست‌های فتنه‌انگیز سیاست‌پردازان ترکیه است.

انزوای این کشور در میان همسایگان تا حدی است که سیاستمداران ترکیه برای خروج از این وضعیت و نیز حل مسئله قوم کرد در این کشور و اعمال اتوریتیه منطقه‌ای به پیمان نظامی با اسرائیل روی آورده‌اند؛ نکته‌ای که از لحاظ استراتژیک مایه نگرانی ایران و کشورهای عربی منطقه را فراهم آورده و فضای منطقه را متشنج تر از آنچه که هست نموده. این سیاست بر رابطه ایران و ترکیه سایه افکنده، که در نهایت پیمان اکو نیز از پیامدهای آن مبری نیست.

(۳) پاکستان: سیاست خارجی این کشور پیش از هر چیز متأثر از جنگ سرد و گاه گرم با هندوستان است که از چندین دهه به این سو جریان دارد. ایجاد پایگاه برای نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا،

نزدیکی به قطب انگلوساکنون و پیوستن به پیمان‌های نظامی دیکته شده از سوی این قطب نظیر ستو، مداخله مستقیم نظامی در افغانستان، تولید سلاح هسته‌ای و غیره نیز از جمله در همین رابطه قابل تفسیر است. یکی از هدفهای مهم استراتژیک پاکستان دستیابی به «عمق ژئوپلیتیکی» در رقابت با هندوستان است. پرورش طالبان و دست‌اندازی به افغانستان از جمله با همین نیت صورت گرفته و می‌گیرد. هدف دیگر پاکستان از این عمل، دستیابی به بازارهای کشورهای آسیای میانه و از این طریق ایجاد راهبهای بازرگانی و کالارسانی شمالی - جنوبی است؛ و این دقیقاً در انطباق با سیاست قدرت در یابایی انگلوساکنون است. چنین مستگیری استراتژیک پاکستان، بویژه دست‌اندازی‌های اخیر این کشور به افغانستان بدلیل به خطر انداختن منافع راهبردی ایران، کشورهای آسیای میانه و هندوستان، حساسیت کشورهای نامبرده را برانگیخته، بگونه‌ای که همکاری این کشورها (منتهای هندوستان) با پاکستان را در چارچوب اکو زیر علامت سوال برده است.

(۴) عربستان سعودی: پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی در کشور ما، حاکمان کشورهای خلیج فارس که سیستم‌های سیاسی عقب‌مانده خود را تحت تاثیر انقلاب ایران در خطر می‌دیدند، به مقابله با انقلاب ایران برخاستند. صد البته سیاست‌های ناپرخدانه حکومت اسلامی ایران - که در جای خود بررسی شد - به این سینه‌جویی‌ها میدان داده است. ایجاد شورای همکاری خلیج فارس، حمایت مالی و نظامی از صدام حسین در جنگ با ایران، سرمایه‌گذاری هنگفت بمنظور ترویج مذهب وهابی در برابر شیعه در کشورهای اسلامی و بویژه در جمهوری‌های آسیای میانه، قفقاز، افغانستان و پاکستان، رفتن بزیر چتر حمایت نظامی ایالات متحده آمریکا و انگلیس از جمله این اقدامهای مقابله‌آمیز است.

عربستان سعودی پس از پیدایش خلا قدرت در خلیج فارس همواره کوشیده است از طریق همسویی با آمریکا و انگلیس بمنظور تحقیر بخشی سیاست‌های استراتژیک‌اش در این منطقه، امنیت خود را تامین کند. اشغال چند ساعت کویت بوسیله عراق نشان داد که ذغدغه‌های امنیتی حاکمان عربستان سعودی به پیرایه نیست. در حال حاضر عربستان سعودی به تندی تندی برای پیشبرد نقشه‌های ژئوپلیتیکی قطب ایالات متحده و نیز انگلیس بدل شده است. در همین راستا عربستان سعودی با تجاوز گاه و بیگاه به خاک یمن در تلاش برای ایجاد دلانی جهت کشیدن لوله‌های نفت از خلیج فارس به دریای سرخ است، تا با به این وسیله گریبان خود را از چنگ ایران در خلیج فارس در صورت بروز یک بحران احتمالی رهایی بخشد. بعلاوه این کشور فعالانه در امر مسجاسازی، اعزام روحانی و فرستادن کتابهای مذهبی به جمهوری‌های نوپید آسیای میانه شرکت دارد. یکی از مشکلات اساسی عربستان سعودی و شرکت‌های فرامالی مستقر در این کشور، نبود راه مستقیم از عربستان به جمهوری‌های نامبرده است، مسدود بودن مسیر ارتباط با این جمهوری‌ها از راه ایران (بخاطر اختلاف‌های سیاسی و استراتژیک)، و نیز ناممکن بودن این ارتباط با این جمهوری‌ها از طریق عراق و ترکیه (بخاطر تشنج روابط عربستان و عراق)، موجب شده که تنها مسیر پاکستان - افغانستان برای عربستان سعودی مطرح باشد.

حمایت مالی این کشور از طالبان و همکاری با دولت پاکستان جهت مسلط کردن طالبان بر افغانستان را از جمله از این زاویه می‌توان ارزیابی کرد. هرچند مدتی است که بین سیاست‌های عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا اختلاف زاویه‌هایی پدید آمده ولی این اختلاف هنوز تا آن حد نیست که بتوان از چرخش در استراتژی سیاسی عربستان سعودی سخن گفت.

در مجموع سیاست‌های عربستان سعودی به مسابقه تسلیحاتی و ترویج تعصب مذهبی در منطقه بجای همگرایی منطقه‌ای دامن می‌زند.

### ادامه دارد

### زیر نویس‌ها:

- ۱۲ - نماز جمعه تهران، صدای جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۹/۱۶، دبیهی است که در اینجا آقای کنی بزرگترین بخش از این «قدرت» را سهم حکومت خودشان می‌دانند.
- ۱۳ - کتاب «دولتی قبیله»، آیت‌الله خمینی، ص. ۳۶.
- ۱۴ - همانجا، ص. ۱۸.
- ۱۵ - این میلیون‌ها دلار خسارت شامل دادن نفت مجاناً به سوریه، حمایت از گروه‌های اسلامی در کشورهای مختلف، تریب دادن «کنفرانس‌های مختلف با حضور آنان.
- ۱۶ - روزنامه اطلاعات ۲۹/۴/۱۳۷۰.
- ۱۷ - تنها در سال ۱۹۹۳ عربستان سعودی ۱۳/۱٪، کویت ۱۲/۱٪، عمان ۱۵/۳٪ و امارات متحده عربی پیش از ۱۰٪ درآمد ناخالص ملی خود را به هزینه‌های نظامی اختصاص داده‌اند. (نشریه میدل ایست اکونومیک دایجست، لندن، ۹ دسامبر ۱۹۹۴).
- ۱۸ - روزنامه اطلاعات ۱۱/۲/۱۳۶۲.
- ۱۹ - صدای جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۱۱/۲.

ادامه از صفحه ۶

دوم خرداد مورد استفاده قرار داده بودند، خودداری نمی‌کردند. روزنامه‌های عصر روز شنبه پر بود از تحریک علیه دولت و گروه‌های دوم خرداد. در میان این تحریک‌ها، یک پیام در میان ستون کیهان و خوانندگان وجود داشت با امضای مادر یک شهید و با آغاز «تا کی باید سکوت کرد؟» که موضوع و ستاره گزارش ماست. تلاش کرده‌ایم مشخص کنیم به چه علت یکی از تشکل‌های مهم سیاسی، بخش‌هایی از اعلامیه جنجال‌برانگیز و اخیر خود را علیه رئیس جمهور از بین مطالب ستون تلفنی کیهان فراهم می‌کند. کندوکاوی است که به‌رحمت آن می‌آرزد.

### تدارک یک حمله

روز شنبه فقط روزنامه‌ها مشتاق اعلام مخالفت خود با دولت خاتمی به‌خاطر آنکه گویا دانشجویی در میان خیل دانشجویان مومن کشور «ناکار» از کار درآمده است، نبودند. برخی گروه‌های سیاسی فرصت به‌دست آمده را بهترین فرصت برای تسویه‌حساب با وزیر ارشاد و رئیس او تشخیص می‌دادند. آنها نیز باید به صحنه می‌آمدند... چند تن از اعاضد حوزه علمیه قم که از طریق مراجعه اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر (همان انجمنی که داستان موهن در نشریه آن چاپ شده بود)، در جریان تدارک سران جناح رقیب دولت برای تبدیل ماجرا به یک بحران ضدثبات علیه دولت قرار گرفته بودند، یا اصلاح موضع کردند و یا نسبت به‌امکان سواستفاده هشدان دادند. آیت‌الله نسوری‌همدانی پس از انتشار اعلامیه‌ای پوزش‌خواهانه از سوی انجمن اسلامی یادشده و مراجعه اعضای انجمن به وی برای توضیح، در پاسخی مکتوب در مورد بیانیه صادره خود نوشت: «در بیانیه‌ای که از طرف طرف صادر شده است چنانکه ملاحظه می‌کنید عبارت «واکنش» به این معنی که تنش و تشنج به وجود بیاید نیست...»

### آتش تهیه

اما روزنامه‌های رسالت و کیهان که مانند سرداران از همه چیز گذشته لشگرهای جنگ صلیبی پرچم به دوش انداخته و بر توسن تازه یافته خود به قلب دشمن (جبهه دوم خرداد) تاخته بودند، از چاپ این اعلامیه خودداری کردند. علتی کاملاً واضح داشت. پاسخ یاد شده آبی بود بر آتش و آنان به بتزین نیاز داشتند. با این وضع، طبیعی است که صدای اعلامیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در محکومیت مطلب موهنی که اکنون عنوان «موج» گرفته بود، اصلا به گوش سردبیران برخی از جراید نمی‌رسید و نگرانی‌هایی را که از تبدیل این ماجرا به جرقه‌ای ناخوشایند در آغاز سال تحصیلی جدید در اعلامیه طولانی این وزارت‌خانه به چشم می‌خورد، اصلا احساس نمی‌کردند. شاید حتی خوشحال بودند. ماشین تدارکاتی برخی از روزنامه‌ها چنان بود که روز پنجشنبه و شنبه کل صفحه اول خود را به بتزین‌پاشی بر آتش موج به راه افتاده اختصاص دادند و برای گرم کردن کوره‌ای که می‌پنداشتند توانایی ذوب ثبات جامعه و دولت را دارد با تمام قوا زده می‌دیدند.

گفته می‌شود درست در همان هنگامی که برخی از علمای قم پس از چند روز فکس‌هایی دایر بر دعوت به آرامش به تهران مخابره می‌کردند، متصدی فکس یکی از روزنامه‌ها از کار بلاوقته ۴۸ ساعته می‌نالید. وی مسجور شده بسود سرمقاله روزنامه و مطالب و اسناد مربوط به ماجرا را برای خیلی از افراد در سراسر کشور فکس کند تا آتش تهیه خوبی برای فاز بعدی ماجرا فراهم آید.

### التماتوم

فاز بعدی ماجرا چه بود؟ از همان روز شنبه پیدا بود بازتاب‌های دست‌ساز تدارک روزنامه‌های عصر چه خواهد بود. روزنامه قدس که خودش در سرمقاله‌ای تلاش کرده بود داستان چاپ شده را قراکتی جوانانی توصیف کنند که «تحت تاثیر جریان تجدیدنظرطلب مکنونات قلبی دین‌ستیزان را قبل از موعد لو می‌دهند»، بیانیه چند گروه ناشناخته را خطاب به‌رئیس

جمهوری به چاپ می‌رساند که در آن تصریح شده بود «آقای خاتمی! حزب الله حجت را بر شما تمام کرده، دست به کار شوید که فردا دیر است، در غیر این صورت حزب‌الله به وظیفه خود عمل خواهد کرد.» اینک این گروه‌ها چگونه می‌خواستند به وظیفه خود «عمل» کنند، هنوز آشکار نبود. باید مشخص می‌شد این آتش تهیه تبلیغاتی تا چه عمقی از جبهه دوم خرداد را نابود خواهد کرد تا بعد مشخص شود میزان پیشروی گروه‌های ناشناخته و «تمام کردن حجت» چقدر باید باشد.

برای آنکه آتش تهیه خیلی عالی و موثر باشد، باید مهم‌ترین تشکل ضد خاتمی باتمامی توان به میدان می‌آمد و آخرین ساخته کارخانه تسلیحاتی خود را از انبار بیرون می‌کشید. باید اعلامیه‌ای صادر می‌شد که محل فرود اتهامات آن را درست در میانه کاخ ریاست جمهوری قرار می‌دادند. اعلامیه صادر شده، جامعه را از اینک چگونه یک تشکل عمده روحانی آماده است عطش خود را برای تخریب رقیب سیاسی خود با هر مایع مشکوک فرو نهند تا چه حیرت فرورسد و در نهایت آشکار شد این مایع مشکوک که در روزهای بعد به مبنایی برای اعلام تشست و انشعاب احتمالی تبدیل شد، مشکوک‌تر از آن است که پنداشته می‌شد.

### ملات

اعلامیه‌ای که گفته می‌شد فقط توسط یک نفر تهیه شده است، از ستون‌های مشکوک روزنامه‌ها استخراج شده بود. نمایشنامه کاملاً تخیلی تک پرده‌ای: یک دشت تیز می‌خواهم فرقی نمی‌کند ساخت کجا! زمان: چهارم مهر ماه - مکان: دفتر یک جامعه سیاسی با حضور رئیس جامعه و یکی از اعضا که برای کتابت پشت میزی نشسته است. چند عضو دیگر جامعه نیز حضور دارند و آقای رئیس که کیهان سوم مهر را در دست دارد، در طول و عرض صحنه قدم می‌زند. رئیس: اینهایی را که می‌گویم بنویس... عضو قلم به‌دست: می‌خواهید از روی کیهان بخواهید؟

مگر اشکالی دارد، ستون خوانندگان آن نویسنده‌گان چیره‌دستی دارد. نیاز ما را برطرف می‌کند. بنویس! اینهاش این یکی خوبه: «تا کی باید سکوت کرد؟»، نه، «باید» را بکن «می‌توان». تا کی می‌توان سکوت کرد... همه چیزمان را به‌سرخه گرفته‌اند. نه آن «مان» از خط بز. «همه چیز را به‌سرخه گرفته‌اند... خوشی؟

ولی این‌طور درست نمی‌شود. یکی موضوع را می‌فهمد. آبرویمان می‌رود. - توف فقط بنویس. روی حرف من حرف نزن!

یکی از پنج نفری که بالاخره با صدور اعلامیه موافقت نخواهند کرد: آقا این چه کاریست، مگر ما باید از روی دست کیهان اعلامیه بدیم. آن هم اعلامیه به‌این مهمی؟ - شما کارتان نباشد. تو هم فقط بنویس: «همه چیز را به‌سرخه گرفته‌اند. انقلابمان را، امامان را، شهیدانمان...»، نه این جمله را خط بز. خیلی بی‌ربط است. جمله بعدی بهتره: «می‌گویند نباید به نام دین آزادی به خطر بیفتد...»

این یکی را تغییر می‌دهی؟ - نه، خودش خوبه. ادامه بده. بنویس: «اما اگر به‌اسم آزادی دینمان و اعتقادمان را و ایمانمان را گرفتند چه؟»، نه، این‌طور بنویس. بنویس: «اما اگر به اسم آزادی، دینمان و اعتقادمان و مقدساتمان بازیچه دست این و آن قرار گیرد، چه؟» - این هم که همان است!

نه، خیلی فرق دارد. «ایمان» را کردم «مقدسات». «گرفتند» را هم کردم «بازیچه دست این و آن». تو بنویس و کاریت نباشد. فکر می‌کنی همه مثل تو عقلمان می‌رسد، با یک مشت آدم نفهم طریق... (بدعلت وحشت نمایشنامه نویس از تطابق احتمالی نمایش با واقعیت و خودداری‌اش از ادامه نوشتن، مشخص نمی‌شود پنج نفر مخالف صدور بیانیه در این نقطه از ماجرا اعلام کردند با صدور اعلامیه مخالفتند و یا پس از آنکه فهمیدند همه این کیهان‌خوانی، مقدمه آن است که بزرگترین حمله لفظی به رئیس‌جمهوری صورت بگیرد، راهشان را از آقای رئیس جدا کردند. حداقل امروز دیگر توانایی نوشتن بقیه نمایش وجود ندارد. تا فردا شاید.)

Verleger: I.G.e.v  
دارنده حساب: I.G.e.v  
شماره حساب: 22 44 20 32  
کد بانک: 37 05 01 98  
نام بانک: Stadtparkasse Köln  
Germany

آدرس کار در اینترنت:  
آدرس پست الکترونیکی:  
آدرس: I.G.e.v  
Postfach 260268  
50515 Köln  
Germany

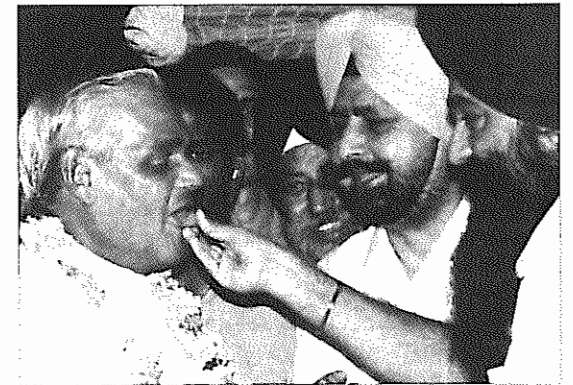
شماره فاکس: 331 82 90 - 221 - 0049 Fax  
شماره تلفن: 9322136 - 221 - 0049

http://www.fadai.org  
fadai.aksariyat@magnet.at

تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان  
بهای اشتراک:  
اروپا: شش ماه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک  
سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

## «اتحاد دمکراتیک ملی» در انتخابات پارلمانی هندوستان به پیروزی رسید

### ۲۴ حزب و ۵ سال ثبات سیاسی؟



در ماه مه سال جاری دولت آتال بیهاری واجپایی در پی سلب حمایت یکی از احزاب ائتلافی از آن سقوط کرد. هفته گذشته انتخابات پارلمانی با پیروزی «اتحاد دمکراتیک ملی» به پایان رسید.

به دلیل مشکلات تدارکاتی انتخابات سراسری در هندوستان، در طی یک ماه پنج روز طول کشید. روز ۲۸ اکتبر در ۵ منطقه این کشور سرنوشت ۶ کرسی دیگر پارلمان مشخص می‌گردد. با وجود تدابیر شدید امنیتی در همه روزهای برگزاری انتخابات درگیری‌های شدیدی روی داد که بر اثر آن صدها نفر کشته و زخمی شدند. شمارش آرای بیش از ۳۰۰ میلیون نفر هفته گذشته به پایان رسید. حزب ناسیونالیست بهاراتیا جاناتا «بی جی پی» و ۲۴ حزب

«گاندی» برای خروج از بحران، او را وارد سیاست نمود. این امر نه تنها از بحران نکاست، بلکه منجر به انشعاب در حزب نیز گردید. «سانگما» رئیس سابق پارلمان هند، «شاراد پاور» و «طارق انور» سه تن از رهبران معترض به نامزدی سونیا گاندی برای نخست‌وزیری هند از حزب اخراج شدند. این سه تن که معتقد بودند، سونیا گاندی به دلیل داشتن اصلیت خارجی نباید نخست‌وزیر هند شود، حزب «ملی‌گرای کنگره» را تأسیس نمودند.

شکست حزب کنگره ائتبات کرده هندوستان دیگر «دمکراسی مرونی» نیست که نام «گاندی» متضمن پیروزی در انتخابات باشد.

#### چرا جاناتا پیروز شد

پس از سقوط دولت واجپایی در ماه مه، وی تا هنگام برگزاری انتخابات وقتاً نخست‌وزیر هند باقی ماند. این چندماه «اتفاقاً» همزمان با اوج درگیری مجدد هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر شد و ناسیونالیست‌های جاناتا بر طبل جنگ کوبیدند. در وهله اول حزب جاناتا پیروزی خود را مدیون بحران کشمیر است. از سوی دیگر از مایشات اتمی و تبلیغات کردند عظیم‌طلبان هندو مبنی بر «تبدیل شدن هند به یک قدرت اتمی» عامل روانی برای پیروزی در انتخابات شد.

۲۴ حزب و ۵ سال ثبات سیاسی؟ با قطعی شدن پیروزی

ناسیونالیست‌های هندو در انتخابات پارلمانی، رایزنی ۲۴ حزب عضو «اتحاد دمکراتیک ملی» برای تشکیل دولت آغاز شد. هفته گذشته کمیته هماهنگی اتحاد دمکراتیک ملی به منظور انتخاب رسمی واجپایی به عنوان رهبر این اتحاد تشکیل جلسه داد تا به روال قانونی نام وی به عنوان رئیس بزرگترین ائتلاف پارلمانی به رئیس جمهور هند تسلیم تا از وی برای تشکیل دولت آینده هند دعوت به عمل آید.

طی سه سال این برای سوین پار است که دولت در هند سقوط می‌کند و انتخابات پیش‌رس برگزار می‌شود. احزاب سراسری تشکیل دهنده دولت در طی دهها سال سیاست متمرکز را پیش برده‌اند. اما در سال‌های گذشته وزن احزاب منطقه‌ای افزایش یافت و احزاب سراسری مجبورند برای کسب اکثریت در پارلمان با این احزاب ائتلاف نمایند.

سخت‌گویی بی‌جی‌پی اطمینان داد که دولت جدید هند از ثبات کامل برخوردار خواهد بود و دوره ۵ ساله خود را به پایان خواهد رساند. بعید نمی‌نظر می‌رسد ۲۴ حزب از سویال دمکرات‌ها گرفته تا دراویش، هندوهای مذهبی «شیو شتا»، «تامیل نادو» و سیک‌ها در پنجاب که هر یک دارای منافع و علایق خاص خود و گاه متضاد و متفاوت هستند را برای مدت ۵ سال در یک بلوک بتوان حفظ کرد.

## بیچاره مردم!



از سوی دیگر نیروهای مسلح برای سرکوب تروریست‌ها عازم چین شدند. تاکنون بر اثر درگیری بین نیروهای فدرال روسیه و واحدهای چینی هزاران نفر کشته و زخمی شده‌اند. ژنرال وزیر امور خارجه معاون اول ستاد کسل نیروهای مسلح تعداد کشته‌شدگان نیروهای روسی را ۱۲۵ و مجروحان را ۴۰۰ نفر اعلام کرد. روز جمعه گذشته در پی اصابت یک موشک به اتوبوس حامل پناهندگان بیش از ۳۰ نفر کشته شدند. هنوز از تعداد تلفات نیروهای چینی آمار دقیقی در دست نیست.

در حال حاضر بیش از ۱۲۰ هزار نفر از مناطق درگیری گریخته و به جمهوری اینگوش پناه برده‌اند.

دو هفته بیشتر از خبر پایان جنگ در داغستان توسط وزارت دفاع روسیه نگذشته بود که بر اثر انفجار چند بمب در مسکو ۳۷۹ نفر کشته شدند. شیعیات بسیاری در مورد بمب‌گذاران بر سر زبان‌ها افتاد و حتی این انفجارها را بخشی از توطئه باند یلتسین برای اعلام وضعیت فوق‌العاده و عدم برگزاری انتخابات تفسیر کردند. تا اینکه در یک «تماس تلفنی» یک «گروه اسلامی» در حمایت از مبارزان قفقازی، مسئولیت این بمب‌گذاری‌ها را برعهده گرفت. پس از آن ساموران وزارت کشور روسیه در مسکو دهها تن مواد منفجره کشف کردند و بازداشت، کنترل و آزار هزاران «مو مشکی» آغاز شد.

هفته گذشته اصلا ن مسخودف رئیس جمهور چین در پیامی به دبیر کل ناتو خواستار دخالت این سازمان در حل مناقشه این جمهوری با روسیه شد. وی گفت دولت و مردم چین، ارتباطی با اتفاقات و تحولاتی که در روسیه رخ می‌دهد، ندارند و هرگونه عمل تروریستی را با هر هدفی که انجام پذیرد رد می‌کند. مسخودف گفت مردم چین دفاع از این جمهوری را حق خود می‌دانند و برای مقابله با متجاوزان تمام تلاش خود را صرف خواهند کرد.

هیئت سه نفره اتحاد اروپا متشکل از «تاریا هالون» وزیر امور خارجه فنلاند، «ساجام گاما» وزیر امور خارجه پرتغال و «کریس پاتن» مسئول امور بین‌المللی این اتحادیه در پی دیدار خود از روسیه، از مسکو خواست به منظور حل مسئله در قفقاز شمالی با رهبران مسئول این منطقه به گفت و گو بپردازد و تصریح نمود که چین بخشی از روسیه است و این اتحادیه هیچ شایستی میان چین و کوزوو نمی‌بیند.

از سوی دیگر معاون وزیر امور خارجه روسیه «یوگی گوساروف»، هم‌رگونه میانجی‌گری در امور داخلی فدراسیون را رد کرد. این درحالی است که چین خود را جمهوری مستقلی می‌داند. اهمیت استراتژیک منطقه برای روسیه، جاهای نفت، باندتهای تسهیلکار، مبارزه با تروریسم اسلامیت‌ها، شانس دومی برای جبران شکست جنگ قبلی، دلیل هرچه باشد در این میان بار دیگر قربانیان اصلی مردم بیگناه هستند.

ویران کشور بازدارنده گسترش همکاریهای منطقه‌ای است. اشاره گسترده‌تر به وضعیت وخیم اقتصادی کشور در چارچوب بحث حاضر نمی‌گنجد، از اینرو کافی است تنها به این نکته اشاره شود که: هنگامی که کشور ما در بحرانهای ژرف اقتصادی دست و پا می‌زند، روشن است که از لحاظ اقتصادی چیزی برای ارائه در سطح منطقه و به تحرک درآوردن پسیمانهای موجود ندارد.

البته در اینجا لازم به تاکید است که بدلیل بن‌بست همه جانبه سیاست «اسلامی» کردن جامعه، تئوری ایجاد «ام القرا» نیز با شکست عملی و نظری مواجه شده است و بطور فزاینده‌ای سیاست‌گذاران ج.ا. - بویژه پس از انتخابات دوم خرداد - از این سیاست فاصله می‌گیرند. ولی هنوز هم بعلت وزن سنگین باندتهای مافوق ارتجاعی در حاکمیت سیاست پان‌اسلامیستی و «ام القرای» از سوی بخشی از حکومت پیگیری می‌شود که این نکته در قالب سیاست خارجی متضاد ج.ا. بروز می‌کند.

علاوه بر عوامل پرشمرده شده داخلی، عوامل قدرتمند خارجی نیز موجب رکود در همکاریهای منطقه‌ای هستند. الف - قدرت‌های بزرگ بین‌المللی بنا به دلایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، منطقه‌ای که کشور ما در آن قرار گرفته، از دیرباز محل تصادم منافع قدرتهای بزرگ بین‌المللی بوده ادامه در صفحه ۱۱

روابط خارجی ج.ا. به کشورهای مسلمان اولویت می‌دهیم». (۱۸) حجت الاسلام خامنه‌ای: «دولت و ملت پاکستان پایبند اسلام‌اند و این ایجاب می‌کند که ما روابط خیلی زیادی داشته باشیم».

نتیجه این نگرش تک بعدی عبارتیست از:

۱ - در برقراری رابطه با کشورها عنصر موهوم و ناموجود «همبستگی جهان اسلام» جایگزین شالوده استوار و عینی «منافع ملی» می‌شود. نمونه‌ای از زیانبار بودن چنین سیاستی را در انجماد روابط ایران و هند بر سر مسئله کشمیر می‌توان مشاهده کرد، در حالیکه رابطه با هند در وهله اول بسود رشد اقتصاد کشور ما است و در گستره سیاست خارجی در مهار زیاده روی‌های پاکستان تأثیر مهمی دارد.

۲ - تکیه صرف بر عنصر «اسلامی» و در نهایت تعبیر «شیعی» آن - که به معنای خلاصه کردن فرهنگ چندین هزار ساله ایرانی در یکی از زیر مجموعه‌هایش است - مانع از بهره‌برداری بهینه از همه امکانات و ظرفیتهای موجود است. در حالیکه کشور ما با تکیه بر عنصر فرهنگی - تاریخی که زبان و ادبیات و هنر در آن جای برجسته‌ای دارد - می‌تواند نقش فعالتری در ارتباط با کشورهای آسیای میانه و قفقاز، هند و پاکستان و حتی سراسر خاورمیانه بازی کند. تک بعدی بودن سیاست مانع گسترش نفوذ معنوی کشور ما بر کشورهای و مناطق یاد شده شده است.

۳ - اقتصاد در هم شکسته و

۳-۱ موانع موجود بر سر راه همکاری‌های منطقه‌ای

بعنوان مهم‌ترین دلایل ناموفق بودن همکاری‌های چندجانبه در منطقه ما می‌توان از عوامل زیرین یاد کرد.

۱) سیاست خارجی جمهوری اسلامی

الف - سیاست خارجی ج.ا. متضاد و فاقد یک دورنگری راهبردی است. علیت این امر را باید در چندگانگی مراکز تصمیم‌گیری و قرار داشتن اهرم‌های سیاست‌گذاری در دست افراد غیر متخصص و ناآگاه از مسائل پیچیده ژئوپلیتیک، سیاسی، اقتصادی و حقوقی بین‌المللی جستجو کرد. نتیجه همان می‌شود که در نجف‌آبادی از نمایندگان مجلس در جلسه ۶۷/۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی گفته است: «در مسایل سیاسی تاکنون بطور زیگزاگ حرکت کرده‌ایم و همه نیروها و کشورها را علیه خودمان بسیج و تحریک کرده‌ایم ... هرگونه موضعگیری علیه بلوک و همسایگان و اظهار نظر باید بر مبنای اصول صحیح و دراز مدت باشد و مسئول داشته باشد نه اینکه هر کس چیزی به ذهنش رسید در نماز جمعه‌ها مطرح کند یا هر کس بلندگویی در اختیار داشت مسئول سیاست خارجی ج.ا. باشد». پس از گذشت ۱۰ سال از عمر این سخنان، این وضعیت همچنان باقی است. در کنار وزارت امور خارجه، نهاد ولایت فقیه، شورای تشخیص مصلحت نظام و محافل قدرتمند پشت پرده به موازات هم سیاست خارجی ج.ا. را رقم می‌زنند.

ب - سیاست خارجی ج.ا. برتری جویانه و عظمت‌طلبانه کشور ما دارای ثروت‌های مادی عظیم و ظرفیتهای کم‌مانند است. آگاهی از این ثروت هنگفت و نیز سایه وزین کوهی از یسادهامان‌های بیجا مانده از عظمت امپراتوری ایران همواره در طول تاریخ کهن و معاصر بر اذهان عمومی و وجدان اجتماعی کشور ما مستکنی کرده است و می‌کند.

عظمت‌طلبی امپراتوری خواهانه همچون شیعی افکار عمومی را - فارغ از وابستگی‌های سیاسی و اندیشگی - در می‌نوردد. انقلاب بهمین که رویاهای دستگاه بوروکراتیک پهلوی مبنی بر ایجاد «ایران بزرگ» تحت رهبری «شاه شاهان» زیر لوی ایستدولوزیک «پسان ایرانیسم» را در هم شکست، نتوانست مانع از آن شود که این رویاها از منقذ دیگر وزیر لوی «پان اسلامیم» سر برآورد.

پیروزی غافلگیرکننده انقلاب فرصتی در اختیار سرمایه‌داران سنتی، زمینداران و بخشی از

## پیمان‌های منطقه‌ای:

### وضع کنونی و دورنماها

#### آ. قیوا

روحانیت نهاد تا در راه تحقق پخشیدن به رویای‌شان مبنی بر برپایی «قدرتی بین‌المللی» گام بردارند. مهدوی کنی - یکی از اصلی‌ترین سیاست‌گذاران پشت پرده رژیم - این رویا را به گونه‌ای چنین بیان کرده است: «عزتی که از طرف رسول خدا به مسلمانها داده شده که حدود ۱ میلیارد انسان را در بر می‌گیرد و اگر مستضعفین که چشم دوخته‌اند به اسلام، اون رو هم بگیرم، شاید ۳ میلیارد جمعیت دنیا الان در سایه اسلام آرزوی نجات و سربلندی و عزت داره ... ما بزرگترین نیرو و قدرت جهان هستیم». (۱۲)

این رویا که در قالب ایجاد حکومت اسلامی برای رهبری «امت جهانی اسلام» متبلور می‌شود، پیش از انقلاب در کتاب «ایت‌الله خمینی بنام «ولی فقیه» تئوریزه شده بود. وی در این کتاب از «وطن اسلام» (۱۳) و تعیین خلیفه برای مسلمانان سخن می‌گوید. (۱۴)

پس از پیروزی انقلاب بر اساس همین نظریه پروژه ایجاد «ام القرای» اسلامی در دستور کار هیات حاکمه ایران قرار گرفت و صد البته ولی فقیه ج.ا. ردای خلافت این «ام القرا» را برآزنده قامت خویش می‌دید. در همین

نتیجه این وضعیت غافلگیری متعدد در عرصه منطقه‌ای و به هدر دادن فرصتهای ملی و کم‌نظیری است که جبران آن گاه ناممکن است. سیاست ناروشن و متضاد در برابر گروه‌های متخاصم افغانی، غافلگیری شدن بر برابر موضعگیری‌های دولت جمهوری آذربایجان در برابر ایران بر سر استخراج نفت این کشور از نمونه تأثیرات منفی عامل فوق است.

ب - سیاست خارجی ج.ا. برتری جویانه و عظمت‌طلبانه کشور ما دارای ثروت‌های مادی عظیم و ظرفیتهای کم‌مانند است. آگاهی از این ثروت هنگفت و نیز سایه وزین کوهی از یسادهامان‌های بیجا مانده از عظمت امپراتوری ایران همواره در طول تاریخ کهن و معاصر بر اذهان عمومی و وجدان اجتماعی کشور ما مستکنی کرده است و می‌کند.

عظمت‌طلبی امپراتوری خواهانه همچون شیعی افکار عمومی را - فارغ از وابستگی‌های سیاسی و اندیشگی - در می‌نوردد. انقلاب بهمین که رویاهای دستگاه بوروکراتیک پهلوی مبنی بر ایجاد «ایران بزرگ» تحت رهبری «شاه شاهان» زیر لوی ایستدولوزیک «پسان ایرانیسم» را در هم شکست، نتوانست مانع از آن شود که این رویاها از منقذ دیگر وزیر لوی «پان اسلامیم» سر برآورد.

پیروزی غافلگیرکننده انقلاب فرصتی در اختیار سرمایه‌داران سنتی، زمینداران و بخشی از

نتیجه این وضعیت غافلگیری متعدد در عرصه منطقه‌ای و به هدر دادن فرصتهای ملی و کم‌نظیری است که جبران آن گاه ناممکن است. سیاست ناروشن و متضاد در برابر گروه‌های متخاصم افغانی، غافلگیری شدن بر برابر موضعگیری‌های دولت جمهوری آذربایجان در برابر ایران بر سر استخراج نفت این کشور از نمونه تأثیرات منفی عامل فوق است.